

۳۶۹

# کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده  
جمعه ۱۷ تا ۲۳ تیرماه ۱۴۰۱ خورشیدی  
سال سی و نهم - شماره ۱۸۳۵



# ۱۸ تیر ۱۴۰۱

جان تازه در جنبش دانشجویی ایران



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

\*\*\*\*\*

KAYHAN LIFE  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/  
newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan\_london

\*\*\*\*\*

P.O. Box 435, Old Brompton  
Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

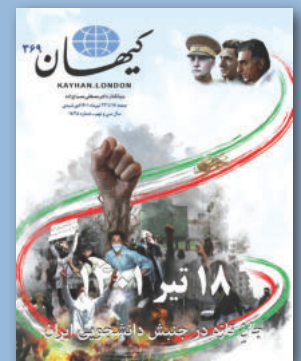
\*\*\*\*\*

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۳۵ (۳۶۹)

جمعه ۱۷ تا ۲۳ تیر ماه ۱۴۰۱

۸ تا ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند  
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی  
در دسترس خواهد بود

**سقوط بهشت**

خاندان پهلوی و روزهای  
پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکاگ کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،  
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی  
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne  
Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

\*\* فهرست مطالب \*\*

- ۳ مقاله - نه به حجاب اجباری؛ چه از سوی حکومت و چه جامعه و خانواده! / لاله بقراط ...
- ۳ و ۴ توهم اقتدار در دنیای موازی جمهوری اسلامی ... / حامد محمدی ...
- ۵ ۱۸ تیر ۱۴۰۱ جان تازه در جنبش دانشجویی ایران ... / روشنگ آسترکی ...
- ۶-۷ تولیدکننده ما کارونی، اتومبیل سازی می‌شود ... / ...
- ۷ نامه شهبانو فرح پهلوی به جیانی اینفانتینور رئیس «فیفا» ... / ...
- ۷ بلژیک و فرش قرمز برای تروریست‌ها؟! ... / بهنام محمدی ...
- ۸ آیا علی باقری کنی مزاحم معامله جمهوری اسلامی با آمریکاست؟! ... / ...
- ۹ طرح شهرداری برای تخریب مجسمه‌های تاریخی تهران ... / ...
- ۱۰ سفر جو بایدن به منطقه و تقویت «نا تو خاور میانه» علیه تهدیدات ... / ...
- ۱۱ کابلدشکافی یک طغیان (۶) ... / احمد احرار ...
- ۱۲-۱۳ دیوار برلین چگونه فرو ریخت؟! ... / علی امینی نجفی ...
- ۱۳ گزارشگران بدون مرز: شرکت «ایر آروان» همدست جمهوری اسلامی ... / ...
- ۱۴ وام تبهکارانه از چین با بهره ۳۵ درصد برای پروژه غیر اقتصادی ... / ...
- ۱۵ بازداشت معترضان پیش از برگزاری تجمع! ... / ...
- ۱۶-۱۷ بیانه ۲۸۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های ایران و آلمان به مناسبت ۱۸ تیر ... / ...
- ۱۸-۱۹ برخلاف ادعای روزنامه حکومتی، فقر «عادی» نشده و اعتراضات ادامه دارد ... / ...
- ۱۹ ادعای بازداشت چند «دیپلمات جاسوس» توسط اطلاعات سپاه (ساس) ... / ...
- ۲۰-۲۱ حکومت مذهبی و تباهی جامعه (۲) ... / محمود مسانلی ...
- ۲۲ تهدیدهای جدی علیه امنیت غذایی ... / روشنگ آسترکی ...
- ۲۴-۲۵ درباره شعر مشروطیت ایران (۱) ... / محمد جلالی چیمه (م. سحر) ...
- ۲۶-۲۷ تکرار شکست با بازگشت به «یاروسری یا توسری»؟! ... / ...
- ۲۷ بریتانیا با هفت ماه تأخیر اعلام کرد یک محموله قاچاق موشک ... / ...
- ۲۸ پشت جلد - عکس هفته



## نه به حجاب اجباری

چه از سوی حکومت و چه جامعه و خانواده!

پوشش انسان تا زمانی که به عرف و عقیده و اقلیم بر می‌گردد، موضوعی عادی به شمار می‌رود. چنانکه تا پیش از وقوع انقلاب ۵۷ نه تنها در ایران بلکه در کشورهای دیگر نیز جز این نبود. پوشش زنان مناطقی از جنوب ایران به دلیل شرایط اقلیمی همان اندازه جذاب است که روسری‌های رنگارنگ زنان مناطقی از کشورهای اروپای شرقی و یا آسیای شرقی که تا پیش از فروپاشی جزو اتحاد شوروی به شمار می‌رفتند. مشکل زمانیست که پوشش نه تنها به موضوعی سیاسی تبدیل می‌شود بلکه با قانون و مقررات به جامعه تحمیل می‌گردد. اینکه اول فوریه در سال ۲۰۱۳ از سوی یک زن مسلمان در آمریکا «روز حجاب» نامگذاری می‌شود تا تأکیدی بر «بردباری مذهبی» باشد، و از سال ۲۰۱۸ باز هم توسط



طرح از قلمفرسا

زنی از تبار کشورهای مسلمان‌نشین در کانادا همان روز «نه به حجاب» نامیده می‌شود، از یکسو بیانگر اهمیت پوشش در هویت جنسیتی و حقوق زنان است و از سوی دیگر نشانگر مقاومت علیه زورگویی نه تنها حکومت بلکه خانواده و جامعه در تحمیل حجاب بر دختران و زنان جوامع و خانواده‌های سنتی مسلمان است.

در این میان، تحمیل حجاب و سرکوب هر روزه علیه زنان کم بود، شورای انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی روز ۲۱ تیر را نیز به عنوان «عفاف و حجاب» نامگذاری کرد! آنهم در حالی که رفتار مأموران گشت ارشاد اسلامی با مردم هیچ نشانی از «عفاف» ندارد و «حجاب» شان نیز پوششی برای مردم‌آزاری و گستاخی و تجاوز آنها به حریم شهروندیست! اینهمه در حالیست که حجاب اجباری یکی از بارزترین موارد نقض حقوق بشر و آزادی و اختیار انسان به شمار می‌رود! با این حال جای تعجب دارد که چگونه می‌توان این نقض را در کشورهای غربی با عنوان «بردباری مذهبی» توجیه و از سوی دیگر رفتار خانواده‌های سنتی و مذهبی را که از کودکی برای سلب اختیار دختران خود تلاش می‌کنند، تحمل کرد و بعد از گسترش اسلامگرایی در جوامع باز و دمکراسی‌ها ابراز تعجب نمود!

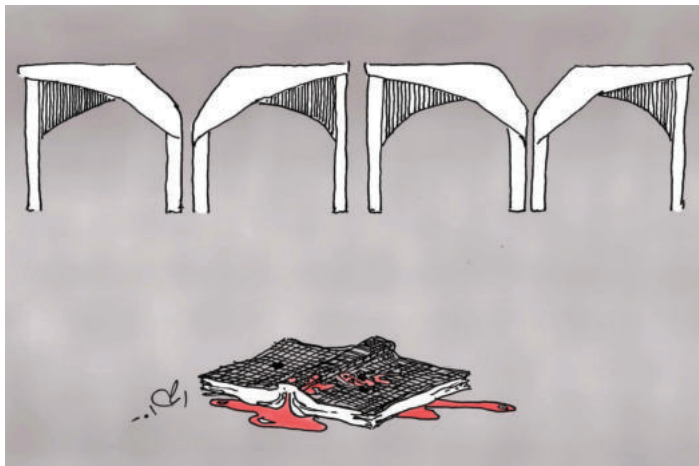
حجاب اسلامی، پرچم آشکار اسلامگرایی است! آن زنان بالغی هم که مدعی‌اند داوطلبانه و به اختیار آزادانه خویش از حجاب استفاده می‌کنند، از یکسو می‌بایست دلایل اصلی آن را در سنت و خانواده آنها جست و از سوی دیگر تأکید کرد که در اینصورت آنها داوطلبانه با تبعیض علیه خود همراهی کرده و چه بسا بدون اینکه بخواهند، پرچم اسلامگرایی را حمل می‌کنند!

هرگاه سیاست و اسلامگرایی از «حجاب» زوده شد، آنگاه شاید بتوان تصور کرد که این پوشش باری غیر از اهداف سیاسی و خودمآیی مذهبی دارد و یک «انتخاب» فردیست؛ چنانکه پیشتر و قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران چیزی جز این نبوده است!

# ۱۸ تیر ۱۴۰۱

## جان تازه در جنبش دانشجویی ایران

● شعار شاخص  
«اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا»  
در اعتراضات سراسری دی ۹۶ در دانشگاه تهران و توسط دانشجویان سر داده شد. اکنون بسیاری از دانشجویان دیروز و امروز، راه رسیدن ایران به آزادی را در زدن پل بین دوران ترقی و توسعه پهلوی و آینده می‌بینند.



ارتباط با رویدادهای ۱۸ تیر بازداشت شد و در پی شکنجه و اعتصاب غذا در زندان جان باخت. در مراسم هفتم او با وجود جوّ شدید امنیتی و حضور ده‌ها مأمور اطلاعاتی فعالان مخالف جمهوری اسلامی و مشروطه‌خواه حضور داشته و سخنرانی کردند.

جنبش دانشجویی از همان سال‌ها حرکتی ایرانی‌گرا در خود می‌پروراند که از پرچم تاریخی شیروخورشید سخن می‌گفت و نقش شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان چهره‌ای که نماینده یک جریان اصیل ملی است به رسمیت می‌شناخت. نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف که آزمون در صدای آمریکا فعالیت می‌کرد در همین ارتباط می‌گوید که اکبر محمدی فعال دانشجویی که در اعتراضات تیرماه ۷۸ دستگیر شد در تماس تلفنی که با وی داشت تأکید می‌کرد به ایرانیان خارج کشور و به مردم بگویند که جوانانی مانند ما هستند که مانده‌اند و مبارزه می‌کنند. برای ما کفایت است که ما را بشناسند و بدانند که ما هستیم!

اینهمه نشان می‌دهد تلاش‌های جمهوری اسلامی برای اینکه جنبش دانشجویی ایران را به دوگانه کاذب اصولگرا و اصلاح‌طلب متصل کرده و با این ترفند، «دانشگاه» را زیر سلطه خود بگیرد، از همان زمان ناکام مانده است.

### جنبش دانشجویی پس از انقلاب ۵۷

در نخستین سال‌های پس از انقلاب ۵۷ دانشگاه معرکه‌ای از تقابل آن نیروهای سیاسی شد که در روی کار آمدن خمینی و تثبیت جمهوری اسلامی نقش داشتند. نظام تازه به قدرت رسیده اما همه جریاناتی را که در خط خود نمی‌دانست، از چپ و ملی‌گرا تا مجاهدین، قلع و قمع کرد و فقط انجمن‌های اسلامی را در دانشگاه‌ها باقی گذاشت.

در همان سال‌ها روح‌الله خمینی در دیداری که با نمایندگان انجمن‌های اسلامی داشت توصیه کرد «بروید، تحکیم وحدت بکنید!» «دفتر تحکیم وحدت» بر همین اساس شکل گرفت! این جریان ریشه در دانشجویان موسوم به «پیرو خط امام» و تسخیر سفارت آمریکا و گروگانگیری و «انقلاب فرهنگی» و پاکسازی و اخراج دانشجویان و استادان و کارمندان دانشگاهی داشت و در همان زمان حیات

۱۸ تیرماه در تقویم ایران با «جنبش دانشجویی» گره خورده و یادآور یکی از مهمترین اعتراضات در دو دهه اول پس از انقلاب است. اعتراضاتی که چند سال بعد با شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» با نظام و جناحین‌اش اتهام حجت کرد.

آنچه به «اعتراضات هجده تیر» یا «ماجرای کوی دانشگاه» معروف شده به اعتراضات دانشجویی در حد فاصل روزهای جمعه هجدهم تا چهارشنبه بیست و سوم تیرماه ۱۳۷۸ باز می‌گردد؛ درگیری میان دانشجویان و نیروی انتظامی و لباس شخصی‌های جمهوری اسلامی با حمله به کوی دانشگاه تهران در انتهای خیابان «کارگر شمالی» (امیرآباد شمالی) به اوج رسید. در این حمله چندین دانشجو مجروح شده و ۷ نفر جان باختند.

هرچند توقیف روزنامه «سلام» متعلق به جریان اصلاح‌طلب و جریان حاکم که دولت را با ریاست محمد خاتمی در دست داشت، علت اصلی این اعتراضات قلمداد شده اما این فقط بهانه‌ای بود برای اعتراضاتی که بلافاصله پس از انقلاب شکل گرفت ولی سرکوب شد! جمهوری اسلامی برای کنترل و پاکسازی ایدئولوژیک دانشگاه‌ها و تحریف منابع آموزشی، دو سال به نام «انقلاب فرهنگی» آموزش عالی را تعطیل کرد و وقتی دانشگاه‌ها دوباره باز شد، جنبش دانشجویی دیگر رمقی نداشت!

چند سال بعد که جنگ هشت ساله تمام شد و رفسنجانی «سردار سازندگی» نیز جز تخریب به بار نیارود، خفقان امنیتی- اطلاعاتی در کنار قتل‌های زنجیره‌ای و توقیف فله‌ای مطبوعات و سرکوب دانشجویان همگی در دوران «رئیس جمهور اصلاحات» و با رد پای امنیتی‌های دولت وی به وقوع پیوست.

برخی معتقدند باز و بسته کردن فضای اجتماعی و مطبوعاتی در آن زمان، از یکسو حکم ایجاد فضایی برای تخلیه انرژی اجتماعی- سیاسی دانشجویان را داشت و از سوی دیگر فرصتی بود برای غربال کردن جوانانی که یا در چارچوب فکری حکومت قرار نداشتند و یا زبان انتقادشان بسیار تند بود. اینان دانشجویانی بودند که اساسا مخالف جمهوری اسلامی بودند از جمله اکبر محمدی که در

→ خمینی به بازوی نظام در کنترل مراکز آموزش عالی تبدیل شد.

پس از مرگ خمینی و سپرده شدن رهبری جمهوری اسلامی به علی خامنه‌ای، دوگانه‌ی اصلاح‌طلب و محافظه‌کار (اصولگرای بعدی) در حالی پدیدار شد که «دفتر تحکیم وحدت» نیز در این جریان‌سازی تحت هدایت جریان اصلاحات قرار گرفت و تلاش کرد دانشگاه را به لحاظ فکری و سازمانی در جاذبه و کنترل خود داشته باشد. اینهمه در حالی بود که جریان‌ات مخالف نظام و به ویژه اندیشه‌های ملی و مشروطه‌خواه و طرفدار پادشاهی در آن سال‌ها نیز، مثل اکنون، بیش از همه زیر سرکوب شدید قرار داشتند و امکان هرگونه سازماندهی در دانشگاه‌ها از آنان سلب شده بود. حال آنکه با فعال شدن بخشی از بدنه حکومت زیر نام «اصلاحات»، برخی چپ‌گرایانی که

رد «حکومت شرعی» ارائه دهد. ناکارآمدی کل نظام در پاسخگویی به نیازمندی‌های مختلف جامعه و شکست پروژه اصلاحات، و رجوع جامعه به تجربه‌ی خود در تاریخ معاصر ایران، فضا را برای تنفس جریان ایرانگرا و مدافع دموکراسی و حقوق بشر بیشتر فراهم آورد اگرچه از شدت سرکوب آن توسط جمهوری اسلامی کاسته نشد. سرانجام مفاهیم خوددراوردی و بی‌پایه «روشنفکری دینی»، «مردمسالاری دینی» و «اصلاحات» که همگی زائیده‌ی جمهوری اسلامی بودند، در مصاف با واقعیت شکست خورد و برخی از منادیان آنها نیز از تبلیغات دیروز خود عبور کردند. همزمان با اعتراضات اجتماعی گسترده علیه جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته، دانشگاه که محل «تضارب آراء» و میدان نبرد اندیشه‌های مختلف است، با گفتمان دموکراتیک و ملی درآمیخته شد. بر همین اساس نیز شعار شاخص «اصلاح‌طلب،



۲۲ تیر ۱۳۷۸

در نخستین سال‌های انقلاب سرکوب و کنار گذاشته شده بودند، امکان ابراز وجود پیدا کردند و در عمل از جمله در «دفتر تحکیم وحدت» به خدمت نظام درآمدند. این دفتر مرکز دانشجویی همان ملغمه‌ای شد که جمهوری اسلامی بر اساس آن بنا شده: اختلاط چپ سنتی و اسلامگرایان! به همین دلیل نیز دانشجویانی که اندیشه‌های ایرانگرا و ملی داشتند از آن فاصله گرفتند.

این وضعیت به جناح اصلاح‌طلب نظام امکان داد تا از جنبش دانشجویی که همواره «پیشرو» و «آوانگارد» شناخته می‌شد به عنوان بازوی تبلیغاتی خود سوء استفاده کند. به این ترتیب «وظیفه» دانشجو ضمن انتقاد فعال و پیگیر از جناح رقیب، یعنی اصولگرایان، این بود که همواره «حامی و هوادار پروژه اصلاحات» باشد. پیوند اعتراضات خیابانی با این جنبش دانشجویی جناحی و کنترل شده، یکی از پروژه‌های اصلاح‌طلبان بود تا بدنه معترض اجتماعی را پشت برنامه‌های خود و تاکتیک «چانه‌زنی از پایین، امتیازگیری در بالا» سازماندهی کند.

**دی ۹۶ دوگانه‌ی جناحین را بهم ریخت!**

از اواخر دهه ۱۳۸۰ کم‌کم شکست پروژه اصلاحات آشکار می‌شد. از سوی دیگر اندیشه ملی در گفتمان دانشگاهی و نظری می‌توانست پاسخ‌های جدی و علمی در برابر و

## توهم اقتدار در دنیای موازی جمهوری اسلامی

● همانها که بیرق انقلابیگری در مخالفت با برجام و علیه مذاکره و سازش با آمریکا بالا برده بودند، اکنون با گردن کج و دست دراز برای معامله به دنبال آمریکا افتاده‌اند: «دیپلمات‌های مقاومت» که مجری دستورات «بالا» هستند نیز مانند «سردار دیپلماسی» ناکار شده‌اند!

حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی مهرماه ۱۴۰۰ در یک مصاحبه تلویزیونی با کنایه به تیم مذاکره کننده دولت حسن روحانی شامل محمدجواد ظریف و عباس عراقچی گفت «مذاکره فقط قهوه خوردن نیست!» وی خطاب به دولت‌مردان آمریکا نیز گفت «برای نشان دادن حسن نیت ۱۰ میلیارد دلار از اموال بلوکه شده ایران را آزاد کنید» تا توافق شود.

یک ماه بعد از او علی باقری کنی مذاکره کننده ارشد جمهوری اسلامی کمی پیش از آغاز دور هفتم مذاکرات در وین (آبان ۱۴۰۰) در مصاحبه با روزنامه «گاردین» گفت آمریکا باید تحریم‌های اتمی و تروریستی و حقوق بشری را لغو کند و تضمین بدهد از برجام خارج نمی‌شود تا جمهوری اسلامی توافق کند.

باقری کنی گفته بود دولت بایدن تضمین بدهد که آمریکا در آینده از توافق احتمالی هسته‌ای با تهران خارج نخواهد شد.

مواضع آتشین «دیپلمات‌های فوق انقلابی» حزب‌اللهی‌ها را سر شوق آورد به ویژه آنکه قرار بود «ادامه دهنده راه حاج قاسم در سیاست خارجی» باشند. امیرعبداللهیان نیز چنان در خط مشی سلیمانی ذوب شده بود که از او به عنوان «حاج قاسم دیپلماسی» یاد می‌کرد. خودش روایت می‌کند «شهید سلیمانی در خواب دوستان می‌آمد و نقشه عملیات ضدصهیونیستی را نشان می‌داد!»

بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی، جماعت حزب‌اللهی می‌خواستند «دهان کسی را که حرف از مذاکره با آمریکا بزند خرد کنند». شاید فکرش را هم نمی‌کردند که برای این کار باید سراغ دهان امیرعبداللهیان و باقری کنی بروند که با چراغ سبز خامنه‌ای مأموریت پیدا کردند تا با آمریکا مذاکره کنند.

وقتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تلافی کشته شدن سلیمانی با اعلام قبلی چند موشک به پایگاه «عین‌الاسد» پرتاب کرد، امیرعبداللهیان گفت «فقط انتقام خودروی سردار سلیمانی را گرفتیم» و «انتقام سخت صبوری می‌خواهد». اما این زیاده‌گویی‌ها فقط به جنگ رفتن با تفنگ چوبی بود. مذاکره با آمریکا البته از کانال اروپایی‌ها تصمیمی بود که در بالاترین رده‌های نظام گرفته شد و «حاج قاسم دیپلماسی» مجری آن شد.

نظام برای معامله با آمریکا بی‌سر و صدا حتا حاضر شد قید خروج سپاه پاسدارانش را از فهرست سازمان‌های تروریستی بزند. اما مؤثر واقع نشد. افتضاحی که ←

اصولگرا، دیگه تومو ماچرا» در اعتراضات سراسری دی ۹۶ در دانشگاه تهران و توسط دانشجویان سر داده شد. در سال‌های اخیر بسیاری از دانشجویان دیروز که در «دفتر تحکیم وحدت» فعال بودند، در قالب فعال سیاسی اپوزیسیون، با تعیین تکلیف در برابر نظام جمهوری اسلامی و جناحین آن، علیه حکومت و همچنین انقلاب ۵۷ مواضعی شفاف گرفته‌اند.

صف‌آرایی نسل‌های جدید دانشجویان که خود را متعلق به هیچیک از جناحین جمهوری اسلامی نمی‌دانند از دی ۹۶ رفته‌رفته شفاف‌تر شده و به تازگی در بیانیه‌ی حمایت از شاهزاده رضا پهلوی نمود پیدا کرده است. در این بیانیه، ۲۸۵ دانشجوی غالباً ساکن ایران با وجود همه خطرات امنیتی در دولت «قاضی مرگ» اعلام کرده‌اند که «۱۸ تیر» برای آنان نمادی از مبارزه برای گذار از جمهوری اسلامی است. آنها تأکید کرده‌اند «جنبش ایرانی برای رهایی از جمهوری اسلامی بیش از گذشته فراگیر شده است».

اکنون بسیاری از دانشجویان دیروز و امروز، راه رسیدن ایران به آزادی را در زدن پل بین دوران ترقی و توسعه پهلوی و آینده می‌بینند. این جان تازه در جنبش دانشجویی ایران در کنار دیگر جنبش‌های اجتماعی، چشم‌اندازی روشن در برابر جامعه می‌گشاید.

روشنک آسترکی



علی باقری کنی و حسین امیرعبداللہیان در مراسم دیدار سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه / تهران / ۲ تیر ۱۴۰۱

→ صدای انقلابی‌ها را هم درآورد.

پس از آن نیز مقامات جمهوری اسلامی پذیرفتند آمریکا در مورد تصمیم دولت‌های بعدی تضمین ندهد، اما آمریکا حتا ارائه تضمین فقط برای دوره بایدن را هم نپذیرفت. مدتی نگذشت تا همانها که بیرق انقلابیگری در مخالفت با برجام و علیه مذاکره و سازش با آمریکا بالا برده بودند، با گردن کج و دست دراز برای معامله به دنبال آمریکا بیفتند: «دیپلمات‌های مقاومت» که مجری دستورات «بالا» هستند نیز مانند «سردار دیپلماسی» ناکار شده‌اند!

#### مذاکرات دوحه: آخرین تیرترکش که به سنگ خورد

شکست ادامه «مذاکرات وین» در دوحه که جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا آن را «آخرین تیر ترکش» خوانده بود برای جمهوری اسلامی گران تمام شد. پیامد ناامیدی غربی‌ها از «احیای برجام» بعد از نشست دوحه که رابرت مالی نماینده آمریکا آن را «وقت تلف کردن» خواند، تأثیر خود را در نشست شورای امنیت (نهم تیرماه) گذاشت. در جریان بررسی قطعنامه ۲۲۳۱ (رفع تحریم‌های مرتبط با برنامه اتمی پس از برجام) فضای جلسه چنان علیه جمهوری اسلامی بود که بعداً علی‌اکبر صالحی وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی به نظام هشدار داد «امیدواریم برجام احیا شود. اگر خدای ناکرده در این زمینه تعلل کنیم، دوباره وارد کلاف سردرگمی می‌شویم که باز کردنش با خداست و ملت باز باید سختی و مشقت بسیار تحمل کنند.»

هرچند مقامات جمهوری اسلامی و آمریکایی‌ها یکدیگر را مقصر عدم توافق می‌دانند و همدیگر را متهم به طرح «خواست‌های فرابرجامی» می‌کنند اما به نظر می‌رسد مطالبات هر دو طرف از آنچه در فضای عمومی مطرح می‌کنند فراتر است. مهمتر از همه اما این است که آنها با «توافق اتمی» به دنبال اهدافی هستند که درست در نقطه مقابل هم قرار دارد.

بعضی از این خواسته‌ها مثل «ارائه تضمین» و «متوقف کردن غنی‌سازی» نسبتاً علنی‌تر مطرح می‌شود اما این فقط «نوک کوه یخ» خواست‌های طرفین است. گذشته از اینکه غربی‌ها همراه با مذاکرات اتمی خواستار توقف توسعه موشکی و تهدیدات منطقه‌ای جمهوری اسلامی هستند، برخی می‌گویند برجام مقدمه فشار اصلی به جمهوری اسلامی برای کنار گذاشتن دشمنی با اسرائیل خواهد بود.

جمهوری اسلامی توقع دارد در ازای توافق با غرب پرونده فعالیت‌های اتمی نظامی محرمانه (PMD) بسته شود. همزمان برخی فرماندهان در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی علنی اعلام کرده‌اند «ما آماده توافق با آمریکا هستیم» و از واشنگتن خواسته‌اند «برای حفظ موجودیت نظام تضمین دهد!» اما گروهی درون نظام به شدت با آن مخالفند و همین به اختلافات میان آنها بیش از پیش دامن زده است.

در این میان، شماری از خانواده‌های «پرواز ۷۵۲» که با موشک‌های سپاه سرنگون شد معتقدند «یکی از دلایل مسکوت ماندن پرونده این جنایت گره خوردن آن با مذاکرات برجام است.» آنها می‌گویند قدرت‌های بین‌المللی از پشت پرده شلیک به این هواپیما آگاهند اما در یک تبانی آشکار آن را لاپوشانی می‌کنند. جمهوری اسلامی توقع دارد در معامله با غرب، پرونده این جنایت نیز بسته شود!

از سوی دیگر، برخی ناظران می‌گویند اروپایی‌ها در ازای احیای برجام، تصویب FATF را خواسته‌اند. حال آنکه در جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند اعضای FATF دشمن انقلاب‌اند و اگر آن را بپذیریم، محل مبادلات مالی و

خبرهای ما را متوجه می‌شوند.

غربی‌ها به جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند برای سازش لازم است گروگانگیری شهروندان خارجی و دوتابعیتی‌ها متوقف شود و رژیم ایران دست از عملیات تروریستی و ربودن شهروندان ایرانی مقیم خارج بردارد. این در حالیست که رژیم ایران ابزار دیگری جز اقداماتی از این دست برای اخاذی ندارد!

#### تحركات پنهان؛ وضعیت غیرعادی

تجربه توافق اتمی در سال ۲۰۱۵ نشان داد اساسی‌ترین مسائل میان طرفین در مذاکرات پشت پرده و غیرعلنی معامله می‌شود.

اخیراً سازمان امنیت داخلی ایالت هامبورگ در گزارشی از فعالیت‌های سری اتمی و موشکی جمهوری اسلامی و از بازداشت فردی آلمانی- ایرانی خبر داد که تجهیزاتی برای تأسیسات هسته‌ای و موشکی ایران ارسال می‌کرده است. این گزارش همچنین از فعالیت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در آلمان خبر داد! کشورهای غربی با وجود پیگیری فعالیت‌های تروریستی و خرابکاری جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهند آنها را رسانه‌ای نکنند چنانکه یک شهروند بلژیکی چهار ماه در گروگان سپاه پاسداران بود و دولت این کشور آن را اعلام نکرد. همچنین وزارت دفاع بریتانیا محموله موشکی جمهوری اسلامی به حوثی‌ها را توقیف کرد ولی پس از هفت ماه درباره آن خبر داد!

در این میان، با وجود اینکه فعالیت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران محدود شده اما طبق آخرین گزارش این نهاد، جمهوری اسلامی تنها چند هفته با دستیابی به مواد کافی برای ساخت بمب اتم فاصله دارد.

همانطور که غربی‌ها از فعالیت‌های تروریستی و خرابکاری جمهوری اسلامی خبر دارند و به روی خود نمی‌آورند، زمامداران جمهوری اسلامی هم در اوج بحران‌های فزاینده تلاش می‌کنند اوضاع را عادی جلوه دهند.

بعد از ترور و مرگ مشکوک شماری از افسران سپاه پاسداران مرتبط با برنامه‌های موشکی و پهپادی، در بالاترین سطوح امنیتی این تشکیلات موجی از برکناری به راه افتاد و شایعاتی در مورد بازداشت شماری از فرماندهان و نیروها به گوش رسید. عباس عبدی تحلیلگر اصلاح‌طلب گفته شرایط نظام مثل دوران جنگ است. عبدالرضا فرجی‌راد از دیپلمات‌های پیشین جمهوری اسلامی می‌گوید نظام دچار

اشتباهات محاسباتی شده است.

اما حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یکی از مخالفان سرسخت توافق با آمریکا که عاشق موشک‌های بالستیک و «مزرعه‌های موشکی» است و آرزویش بریاد دادن «بشم و کرک دشمنان» است، بدون اشاره به شدت نارضایتی مردم از حکومت مدعی شده «منشاء اصلی بقای جمهوری اسلامی قدرت در سلاح جنگی نیست بلکه آگاهی و ایمان مردم و رهبری شجاعانه (علی خامنه‌ای) است!»

حسین سلامی که گویی در یک دنیای موازی زندگی و فرماندهی می‌کند گفته «دشمنان ایران خصوصاً آمریکایی‌ها به دو ضعف بزرگ خودشان یکی نداشتن رهبری روحانی و کاریزما و دیگری فقدان حکمت در دستگاه رهبری غرب اعتراف کردند!»

در این دنیای موازی که بسیاری از زمامداران کشوری و لشکری جمهوری اسلامی در آن بسر می‌برند، اقتدار نظام بر ایران و منطقه و جهان سایه افکنده است! اما در واقعیت اصلاً چنین نیست! قفل سنگین برجام نه در غرب بلکه در جمهوری اسلامی است. هر اندازه اروپا و آمریکا بر سر شرایط خود برای «احیای برجام» اختلاف مهمی ندارند و منافع خود را دنبال می‌کنند، به همان اندازه در رژیم ایران بر سر اینکه تسلیم شدن در برابر غرب به مصلحت نظام است یا اینکه می‌بایست به «مقاومت» ادامه داد، اختلاف و تشتت وجود دارد.

درست است که تصمیم نهایی را خامنه‌ای و قدرت اصلی که اکنون «دولت با تفنگ» و «بی تفنگ»، هردو را در دست دارد، می‌گیرد اما اختلاف بر سر اینکه «عقب‌نشینی» یا «مقاومت»، کدامیک به سود نظام است، رهبر جمهوری اسلامی را به شدت سردرگم کرده است. به ویژه آنکه خامنه‌ای مثل همیشه می‌خواهد، هر نتیجه‌ای که به دست آمد، اگر خوب بود، به حساب خودش بنویسد و اگر بد بود، به حساب زیردستانش! آنهم درحالی که همراه با «وقت‌گُشی»، فرصت معامله نیز از دست می‌رود!

زمانی بود که خامنه‌ای غرق در توهم اقتدار می‌گفت «نه جنگ می‌شود و نه مذاکره می‌کنیم!» اما دیری نپایید که او مجبور شد هم به مذاکره تن دهد و هم با وجود مذاکره، در آستانه‌ی جنگ قرار گیرد!

# تولیدکننده ماکارونی، اتومبیل ساز می شود:

## «زر خودرو» با تولید انواع اتومبیل از سواری تا کامیون!

فرید زاوه افزوده که «هرگاه این شرکت‌های مدعی، قادر به تولید محصول در یک بازار باز و به قیمت مناسب، همچنین قابلیت رقابت با بازارهای خارجی باشند، می‌توان تحلیل کرد که توان تولید محصول در صنعت دیگری را نیز دارند یا خیر.»

این کارشناس صنعت اتومبیل‌سازی گفته که «تولید یک پلنفرم و طراحی خودرو با یک مجوز اجرایی نمی‌شود و حدوداً ۵۰ سال زمان می‌برد تا بتوان یک خودرو را طراحی کرد. طراحی خودروهای مورد قبول، حداقل ۲۰ سال زمان از خودروسازان بزرگ می‌گیرد.»

البته به نظر می‌رسد در صنعت اتومبیل‌سازی ایران که طی چهار دهه گذشته با سیاست‌گذاری و هدایت جمهوری اسلامی به زوال کشیده شده، طراحی اتومبیل و انجام انواع تست و رسیدن به تولید انبوه، چندان زمان‌بر نیست! بر همین اساس نیز اتومبیل‌های داخلی در میان مردم به «ارابه‌های مرگ» معروف شده‌اند.

در ماه‌های گذشته رضا فاطمی امین وزیر صمت دولت رئیسی از برنامه این وزارتخانه برای تولید «خودرو اقتصادی» که هم قیمت و هم کیفیت مناسبی داشته باشد سخن گفته بود. رضا فاطمی امین در روزهای گذشته نیز خبر داد که «طراحی خودرو ۱۸ ماه طول می‌کشد و ما کار طراحی خودروی اقتصادی را از اواخر سال گذشته در شرکت ایران خودرو آغاز کردیم و سال آینده وارد بازار می‌شود.»

رضا فاطمی امین همچنین گفته که «در آیین‌نامه واردات خودرو نیز امتیاز ویژه‌ای برای خودروهای اقتصادی

بیشتری از روند فعالیت ما در زمینه خودروسازی رسانه‌ای خواهد شد.»

«افزایش تولید و افزایش کیفیت خودرو در ایران» هدفی است که به گفته قائم مقام مدیرعامل این شرکت در ورود «زر ماکارون» به صنعت اتومبیل‌سازی در نظر گرفته شده است.

خبر ورود یک «ماکارونی‌سازی» به صنعت «اتومبیل‌سازی» با واکنش‌های مختلفی از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است.

در همین حال مهدی امینی گفته که «گروه صنعتی زر اولین تولیدکننده میل‌لنگ خودرو در ایران است پس مجموعه صنعتی زر تخصص لازم در این صنعت دارد! ما صنعتگر هستیم و صنعتگران می‌توانند اتفاق‌های بزرگی در کشور رقم بزنند.»

پیش از این مرتضی سلطانی یکی از مدیران «گروه صنعتی زر» درباره تولید اتومبیل جدید توضیحاتی داده و گفته بود «قرار است انقلابی در صنعت خودروسازی ایران ایجاد و خودروهای کاملاً متفاوتی وارد بازار شود. خودروهایی متفاوت با آنچه در ۴۰ سال گذشته تولید شده است.» یکی دیگر از وعده‌هایی که این گروه داده‌اند «تولید خودروهای باکیفیت و البته اقتصادی است.»

منطق مرتضی سلطانی اینست که «همانطور که این مجموعه در صنایع غذایی دارای برندهای بسیار معتبری است و توانسته بزرگترین طرح حوزه شیرینی و شکلات را از منظر کمیت، کیفیت و زنجیره ارزش در دنیا طراحی و

● مقام مدیرعامل گروه صنعتی «زر ماکارون»: جواز تولید «زر خودرو» برای گروه صنعتی زر ماکارون از سوی وزارت صمت صادر شده است.

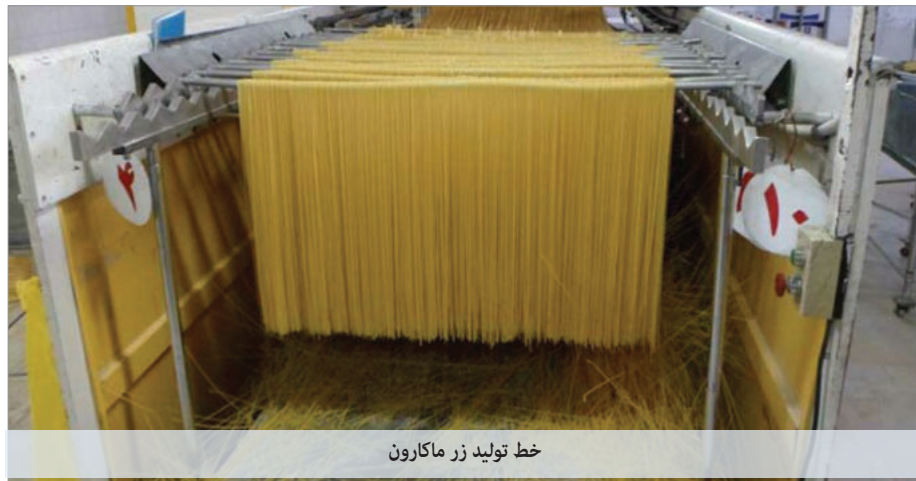
● خبر ورود یک «ماکارونی‌سازی» به صنعت «اتومبیل‌سازی» با واکنش‌های مختلفی از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است. آنهم در حالی که اتومبیل‌های داخلی موجود با کیفیت پایین و غیراستاندارد به «ارابه‌های مرگ» معروف‌اند!

● یک کارشناس صنعت اتومبیل‌سازی: خودروسازان حرفه‌ای و تخصصی در کشور گاهی موفق به تولید خودرو و فعالیت در صنعت خودروسازی کشور نمی‌شوند. تولید یک پلنفرم و طراحی خودرو با یک مجوز اجرایی نمی‌شود و حدوداً ۵۰ سال زمان می‌برد تا بتوان یک خودرو را طراحی کرد. طراحی خودروهای مورد قبول، حداقل ۲۰ سال زمان از خودروسازان بزرگ می‌گیرد.

گروه صنعتی «زر ماکارون» اعلام کرده که به زودی تولید اتومبیل‌هایی با برند «زر خودرو» را آغاز خواهد کرد. رقیب جدید «ایران خودرو» و «سایپا» قرار است انواع اتومبیل از سواری تا کامیون و کامیونت تولید کند.

در حالی که پیش از این خبرهای غیررسمی از ورود گروه صنعتی «زر ماکارون» به صنعت اتومبیل‌سازی مطرح شده بود، اکنون مدیران این شرکت این اخبار را تأیید کرده و گفته‌اند مجوزهای لازم برای تولید اتومبیل را دریافت کرده‌اند.

مهدی امینی قائم مقام مدیر عامل گروه صنعتی «زر



خط تولید زر ماکارون



گذاشتیم تا هم به تعداد بیشتری وارد شوند و هم سقف قیمتی به گونه‌ای باشد که افراد بیشتری قدرت خرید آن را داشته باشند.»

طرح واردات اتومبیل پس از کشمکش‌های فراوان در نهایت مورد تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفته و بر اساس این طرح اتومبیل‌هایی می‌توانند وارد ایران شوند که حجم موتور آنها بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ سی‌سی باشد و سقف قیمت آنها نیز بین ۲۰ تا ۲۵ هزار دلار باشد. وی پیش از این گفته بود که سقف قیمت هفت هزار دلار و حجم موتور هزار سی‌سی تعیین شده است.

با توجه به اینکه صنعت اتومبیل‌سازی ایران

به مرحله تولید برساند در حوزه تولید خودرو هم می‌تواند انقلاب بزرگی را رقم بزند!

بر اساس گفته‌های مهدی امینی نیز که در توضیحات خود مطرح کرده، شرکت «زر ماکارون» مدعی شده هدف اولیه تولید خود را بر تولید سالانه یک میلیون اتومبیل گذاشته است. این در حالیست که فرید زاوه کارشناس صنعت اتومبیل‌سازی معتقد است که «اگر نگاه این گروه صنعتی تولید خودروهای داخلی باشد، با توجه به وعده تولید سالانه یک میلیون خودرو، عملی نیست. خودروسازان حرفه‌ای و تخصصی در کشور گاهی موفق به تولید خودرو و فعالیت در صنعت خودروسازی کشور نمی‌شوند.»

ماکارون» گفته که جواز تولید «زر خودرو» برای گروه صنعتی زرماکارون از سوی وزارت صمت صادر شده است.

قائم مقام مدیرعامل گروه صنعتی «زر ماکارون» گفته که «زرخودرو ساختمان مرکزی و زمینی به مساحت تقریبی ۴۴۰ هکتار در استان البرز- اتوبان کرج خریداری و جواز تاسیس ساخت یک میلیون دستگاه انواع خودروهای مختلف، از خودروی اقتصادی تا خودروی سواری و انواع کامیون و کامیونت را گرفته است.»

مهدی امینی افزوده که «گروه صنعتی زر مطالعات و مذاکرات اولیه در زمینه طراحی، تولید و مهندسی در زمینه تولید خودرو را آغاز کرده است و در آینده نزدیک جزییات



## نامه شهبانو فرح پهلوی به جیانی اینفانتینو رئیس «فیفا»: از فرصت جام جهانی فوتبال برای دفاع از حقوق زنان سرزمینم استفاده کنید!

استفاده کنید. شرم آوراست که حق بدیهی وعادی زن در سراسر جهان، به محرومیت بدیهی وعادی زن در ایران تبدیل شود. زنان شجاع میهنم از هر فرصتی برای رساندن این صدا به شما و جهان بهره برده‌اند و احترام به فیفا و مسئولیت کنونی‌تان در گرو احترام به این صدا و شنیدن آن است.

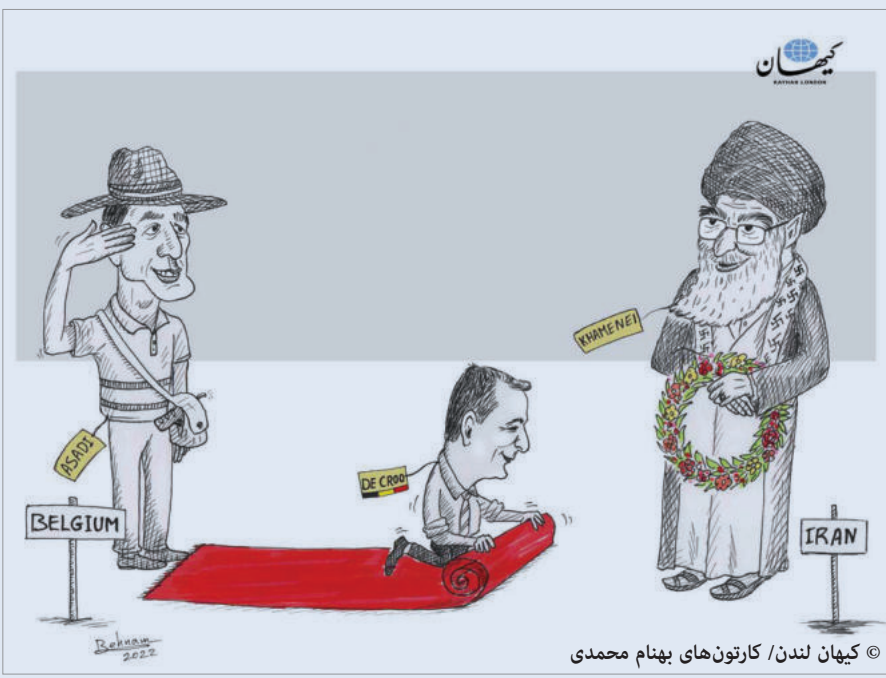
به امید پیروزی نور بر تاریکی  
۳۰ ژوئن ۲۰۲۲

دور تازه‌ای از جام جهانی فوتبال به زودی برگزار می‌شود تا بار دیگر نمایندگان ملت‌ها گرد هم آیند و در زمینی فراتر از زمین‌های شناخته شده در سیاست و ایدئولوژی و جغرافیا با یکدیگر دیدار کنند و از دیوارها پل بسازند. اکنون که جوانان میهن من نیز به عنوان بخشی از این خانواده‌ی جهانی به این میهمانی بزرگ می‌آیند جا دارد از این فرصت برای پیگیری حضور زنان سرزمینم در ورزشگاه‌ها به ویژه در بازی‌هایی که تحت نظر فیفا برگزار می‌گردد

● اکنون که جوانان میهن من نیز به عنوان بخشی از این خانواده‌ی جهانی به این میهمانی بزرگ می‌آیند جا دارد از این فرصت برای پیگیری حضور زنان سرزمینم در ورزشگاه‌ها به ویژه در بازی‌هایی که تحت نظر فیفا برگزار می‌گردد استفاده کنید. شرم آوراست که حق بدیهی وعادی زن در سراسر جهان، به محرومیت بدیهی وعادی زن در ایران تبدیل شود. عالیجناب جیانی اینفانتینو رئیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال،

## بلژیک و فرش قرمز برای تروریست‌ها؟!

لایحه‌ای که دولت بلژیک برای بررسی به پارلمان این کشور داده و در کمیسیون مربوطه تصویب نیز شده است، به نگرانی‌های جدی در میان مخالفان جمهوری اسلامی دامن زده است. بر اساس این لایحه احتمال دارد که اسدالله اسدی که به دلیل تدارکات مہب‌گذاری در نشست مجاهدین خلق به بیست سال زندان محکوم شده، برای «سپری کردن دوران محکومیت» به دامان ولی‌نعمت خود یعنی جمهوری اسلامی برگردد.



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

سال‌هاست در انحصار چند شرکت اتومبیل‌سازی داخلی و به شدت درگیر رانت و گروه‌های مافیایی است، برخی کارشناسان بازار اتومبیل امیدوار بودند با اجرای طرح واردات اتومبیل، انحصار از دست شرکت‌های داخلی وابسته به حکومت خارج شود. کارشناسان معتقدند با ورود اتومبیل‌های خارجی به کشور، خودروسازان داخلی ناچار خواهند شد کیفیت محصولات خود را بالا ببرند و از قیمت‌گذاری نجومی برای اتومبیل‌هایی که قدرت رقابت با اتومبیل‌های ساخت دیگر کشورها را ندارند، دست بردارند. با اینهمه به نظر می‌رسد وزارت صمت جمهوری اسلامی برای طرح واردات اتومبیل هم از پیش نقشه‌هایی در سر دارد. رضا فاطمی امین گفته که «البته این خودروهای وارداتی هم باید به تدریج داخلی‌سازی شوند؛ به زودی آیین‌نامه واردت خودرو نهایی و ابلاغ می‌شود.» البته واردات اتومبیل همچنان مخالفانی در حکومت دارد که مشخص نیست تحلیل اشتباه از اوضاع دارند یا اینکه جیب‌شان به رانت اتومبیل‌سازان داخلی متصل است! برای نمونه مصطفی آقامیرسلیم نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از جمله مخالفان جدی طرح واردات اتومبیل، معتقد است «واردات ۷۰ الی ۸۰ هزارتایی خودرو، تأثیری بر تعدیل قیمت خودرو ندارد بلکه صرفاً شرکتی در کنار شرکت‌های دیگری مانند کرمان خودرو ساخته خواهد شد.» به گفته مصطفی آقا میرسلیم مشکلات اتومبیل‌سازی‌های داخلی زیاد است و آنها ناچارند قیمت‌ها را افزایش دهند: «اغلب کارخانه‌های خودروسازی به دلیل اینکه قیمت تمام شده محصولاتشان، بیشتر از قیمت فروش‌شان است، در حال ضرر هستند و به ناچار باید از بانک وام بگیرند. همچنین بعد از گرفتن وام، باید ۲۰ الی ۲۵ درصد بهره وام را پرداخت کنند که با این اوصاف چاره‌ای جز گران کردن محصولاتشان ندارند. درحال حاضر زیان و بدهی صنعت خودروسازان کشور نزدیک به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان است.»

# آیا علی باقری کنی مزاحم معامله جمهوری اسلامی با آمریکا است؟ یا اینکه فقط تابع سیاست‌های علی خامنه‌ای است؟!

است. او از یکسو به اطرافیانش چراغ سبز نشان می‌دهد که علنی با برجام مخالفت کنند و برای معامله شروط تخیلی می‌گذارد اما از سوی دیگر در موارد مختلف با هدف احیای برجام مجوز عقب‌نشینی می‌دهد اما تا کنون دولت بایدن معامله را با شرایط جمهوری اسلامی نپذیرفته است. برخی معتقدند که این سیاست دوگانه ناشی از بزدلی و عدم شهامت علی خامنه‌ای است که می‌خواهد با نشست بین دو صندلی، هر نتیجه‌ای که به دست آمد، آن را به سود و سیاست‌های خودش تمام کند.

در هر صورت، علی باقری کنی و حسین امیرعبدالللهیان یا محمدجواد ظریف و عباس عراقچی صرفاً مجری سیاست‌های نظام‌اند و اختلاف آنها تنها در خط مشی آنها برای چگونگی پیشبرد سیاستی است که از سوی خامنه‌ای و قدرت اصلی در نظام دیکته می‌شود. بنابراین بود و نبود این افراد و یا جایگزینی آنها با دیگران تفاوت چندانی در اصل مسئله ندارد مگر اینکه آنها جرأت کرده و راه و سیاست خود را پیش ببرند. عین محسن فخری‌زاده که ظاهراً برخلاف «فتوای» خامنه‌ای برای دستیابی به سلاح اتمی «سیستم» درست کرده بود! و البته زندگی‌اش را نیز در این راه از دست داد.

حالا در موضوع احیای برجام نیز بعد از شکست مذاکرات دوحه علی باقری کنی در حالی هدف حملات جریان حامی توافق در نظام قرار گرفته که این جریان زورش به بالاتر از باقری کنی و عبدالللهیان نمی‌رسد! وگرنه چه «عقب‌نشینی» و چه «مقاومت» جز با مجوز خامنه‌ای ممکن نیست!

محمد مرندی مشاور تیم مذاکره کننده اتمی جمهوری اسلامی گفته بود تهران قبول کرد واشنگتن در مورد تصمیم دولت‌های بعدی تضمین ندهد، اما آمریکا حتا ارائه تضمین فقط برای دوره بایدن را هم نپذیرفت. جمهوری اسلامی حتا قید خروج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا را هم زد و به لغو تحریم‌های قرارگاه «خاتم‌الانبیاء» راضی شد اما واشنگتن این را هم نپذیرفت.

در چنین شرایطی ابراهیم رئیسی مشهور به «قاضی مرگ» در دیدار با نادین اولیویری لوزانو سفیر جدید سوئیس در تهران گفت «اقدام آمریکا و سه کشور اروپایی در پیشنهاد صدور قطعنامه در شورای حکام در زمانی که مذاکره برای توافق در جریان است، اقدامی غیرمسئولانه و ناقص روح مذاکره و توافق و بیانگر تناقض رفتاری آنها است.»

آنچه در نشست اخیر شورای امنیت با موضع‌گیری علیه رژیم ایران گذشت نشان می‌دهد غربی‌ها انگیزه خود را برای «احیای برجام» از دست داده‌اند. آنها پیش از اینها به مقامات رژیم ایران هشدار داده بودند گزینه‌هایی را در مذاکرات روی میز قرار خواهند داد که برجام برای آنها مزایا داشته باشد. وقتی از ایران نفت به اروپا صادر نشود و بازار ایران به روی شرکت‌های اروپایی بسته بماند و همزمان جمهوری اسلامی غنی‌سازی اورانیوم را به حد کافی برای ساختن بمب اتم برساند، آنگاه مرگ قطعی برجام رسیده است. از این روست که تحلیلگران جمهوری اسلامی نسبت به ارجاع پرونده اتمی به شورای امنیت هشدار می‌دهند.



علی باقری کنی

معاون وزیر خارجه روسیه دیدار کرد. امیرعبدالللهیان نیز برای نشان دادن اینکه خودش هیچ‌کاره نیست و باقری کنی با مشورت و اطلاع وی عازم مسکو شده، در حمایت از وی در توییتی نوشت او «با جدیت و در هماهنگی کامل با اینجانب به مذاکرات منطقی، مستدل و فعال برای لغو تحریم‌ها ادامه می‌دهد.»

از سوی دیگر، روزنامه «جون» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی نوشت علی باقری کنی در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا مقاومت می‌کند و این مقاومت مانع اجرای «طرح مهار ایران» و اجرای «ناتوی خاورمیانه» علیه جمهوری اسلامی شده است.

اینهمه در حالیست که اگرچه باقری کنی پیشتر یکی از مخالفان سرسخت برجام بود اما وقتی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی شد به عنوان نماینده رژیم در مذاکرات وین حضور یافت تا از سوی رژیم ایران در جسد برجام بدمد و آنرا احیاء کند! به دلیل مخالفت پیشین وی با برجام است که جریان رقیب در نظام که کنار آمدن با آمریکا و سازش با غرب را به مصلحت نظام می‌دانند معتقدند باقری کنی است که چوب لای چرخ توافق می‌گذارد. هرچند که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی پیش از اینها در مواردی که جریان‌های داخلی با تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی درگیر می‌شدند علنی گفت «همه بدانند که سیاست خارجی در همه جای دنیا مربوط به مجامع بالادستی است، مسئولین عالی‌رتبه کشور تصمیم می‌گیرند. لکن اینطور نیست که تصمیم‌گیری‌ها تابع وزارت خارجه باشد. وزارت خارجه مجری است. در کشور ما هم همینطور است.» به این ترتیب از رئیسی تا امیرعبدالللهیان و باقری کنی کاره‌ای نیستند و فقط مجری اوامر رهبرشان هستند.

حالا بر اساس آنچه خامنه‌ای درباره مجری بودن دولت و وزیرایش گفته، انتقادات به خط مشی تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی درواقع اعتراض به سیاست‌های خود خامنه‌ای به شمار می‌رود. دعوا بین جریان‌های داخلی نظام بر سر «معامله» یا «مقاومت» حاصل بازی دوگانه خامنه‌ای

● فشارها داخل نظام برای تغییر تیم مذاکره‌کننده اتمی جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرده است.

● روزنامه «جمهوری اسلامی» توصیه کرده «راه درست اینست که مسئولیت مذاکرات برجامی بر عهده کسانی باشد که به اصل برجام اعتقاد دارند.»

● روزنامه «جون» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی نوشت علی باقری کنی در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا مقاومت می‌کند و این مقاومت مانع اجرای «طرح مهار ایران» و اجرای «ناتوی خاورمیانه» علیه جمهوری اسلامی شده است.

● بر اساس آنچه خامنه‌ای درباره مجری بودن دولت و وزیرایش گفته، انتقادات به خط مشی تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی درواقع اعتراض به سیاست‌های خود خامنه‌ای به شمار می‌رود. دعوا بین جریان‌های داخلی نظام بر سر «معامله» یا «مقاومت» حاصل بازی دوگانه خامنه‌ای است. او از یکسو به اطرافیانش چراغ سبز نشان می‌دهد که علنی با برجام مخالفت کنند و برای معامله شروط تخیلی می‌گذارد اما از سوی دیگر در موارد مختلف با هدف احیای برجام مجوز عقب‌نشینی می‌دهد اما تا کنون دولت بایدن معامله را با شرایط جمهوری اسلامی نپذیرفته است. برخی معتقدند که این سیاست دوگانه ناشی از بزدلی و عدم شهامت علی خامنه‌ای است که می‌خواهد با نشست بین دو صندلی، هر نتیجه‌ای که به دست آمد، آن را به سود و سیاست‌های خودش تمام کند.

بعد از آنکه ادامه «مذاکرات وین» بین جمهوری اسلامی و آمریکا در «دوحه» نیز «بی‌نتیجه» ماند، درون نظام فشارها برای کنار گذاشتن علی باقری کنی نماینده ارشد رژیم در مذاکرات افزایش یافته است.

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۱ تیرماه در مقام نمایندگی از سوی مردم و تشخیص منافع و مشکلات آنها، با تأکید بر اینکه «تیم مذاکره‌کننده را تغییر دهید» نوشت «راه درست اینست که مسئولیت مذاکرات برجامی بر عهده کسانی باشد که اولاً به اصل برجام اعتقاد دارند، ثانیاً به نظر اکثریت مردم که خواهان رسیدن به توافق هستند احترام بگذارند و ثالثاً این واقعیت را درک کرده باشند که با احیاء برجام و لغو تحریم‌ها بسیاری از مشکلات مردم حل خواهد شد.»

در همین ارتباط کانال تلگرامی «عمارپون» نزدیک به تیم حسین طائب فرمانده پیشین اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) نیز نوشت حسین امیرعبدالللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی به مخالف سرسخت باقری کنی تبدیل شده و خواستار برکناری اوست و مهدی صفری و محمدرضا غائبی را به عنوان گزینه جایگزین او پیشنهاد داده است.

در این خبر آمده بود «عبدالللهیان معتقد است تیم فعلی روند مذاکرات را به سمت فرسایش پیش برده و باید با روی کار آمدن یک تیم هماهنگ با دولت و مجلس از طرف مقابل امتیازگیری حداکثری کرده و به یک توافق پایدار رسید.»

پس از پایان مذاکرات دوحه که فقط ساعاتی در دو روز جریان داشت، علی باقری کنی بدون اینکه به تهران بازگردد به روسیه رفت و با مقامات مسکو از جمله سرگئی ریابکوف





تصویری که روزنامه «ایران» از سردر دانشگاه تهران منتشر کرده است

## طرح شهرداری برای تخریب مجسمه‌های تاریخی تهران؛ پس از مجسمه فردوسی حالا رنگ آمیزی سردر دانشگاه تهران!

کارشناسان متخصص این حوزه، عملیات پاکسازی را انجام می‌داد که چنین اقدامی انجام نشده است و شهرداری بدون مجوز به پاکسازی غیراصولی سطح مجسمه فردوسی اقدام کرده است.»

مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول تاریخی با یادآوری تخریب مجسمه‌های میدان «حُرّ» تهران از سوی شهرداری در سال گذشته، اظهار داشت: «با توجه به آن تجربه و همچنین به سبب آسیب‌های خاص وارده، ناشی از آلودگی شدید و نیز اهمیت این آثار، شهرداری باید این احتیاط را درباره مجسمه فردوسی لحاظ می‌کرد، به ویژه آنکه مراتب ثبت آثار ملی به استانداران ابلاغ می‌شود و لازم است مرمت مجسمه‌های شهری ثبت شده توسط متخصصان این امر و با نظارت کارشناسی صورت گیرد.»

او همچنین یادآور شد: «مجسمه‌های شهری علاوه بر آسیب و آلودگی ناشی از محل قرار گرفتنشان در یک فضای عمومی، به مرور زمان به دلیل آلودگی دچار تغییرات در ظاهر خود می‌شوند. تأثیرات آب و هوا مانند آلودگی، نوسانات دمایی، نفوذ رطوبت به بافت مجسمه‌ها منجر به ایجاد آسیب‌هایی در آنها خواهد شد. همچنین ممکن است فضولات پرندگان یا جوندگان نیز به مرور زمان، سطوح این مجسمه‌ها را دچار تغییر و تخریب کند.»

به گفته‌ی ادیب‌زاده، «معاونت میراث فرهنگی استان تهران باید بررسی کند که چه آسیبی به مجسمه فردوسی وارد شده است. ظاهراً پاکسازی مجسمه نیمه‌تمام رها شده است.» شهرداری تهران از گذشته‌های دور در تخریب مجسمه‌های پایتخت سابقه سیاه و تاریکی دارد. این تخریب‌ها حتی تا سرقت سریالی مجسمه‌ها با هدف حذف و جایگزینی با مجسمه‌هایی مطابق با ایدئولوژی و باورهای نظام صورت گرفته و می‌گیرد که تا کنون نیز سارقان آنها شناسایی نشده‌اند.

سازمان زیباسازی شهرداری تهران حالا برای اجرای برنامه شستشوی سازه‌های حجمی و نمادهای شهری مثل مجسمه‌های میادین در سال ۱۴۰۱ به جان مجسمه‌ها افتاده و یکی پس از دیگری در حال وارد آوردن خسارات جبران ناپذیری به میراث شهری است.

انجمن آثار ملی ایران در دوران پهلوی قرارداد ساخت مجسمه فردوسی را به استاد ابوالحسن خان صدیقی که در آن زمان در ایتالیا بسر می‌برد، سپرد. ساخت مجسمه اوایل سال ۱۳۴۸ به پایان رسید و در سال ۱۳۵۰ در محل میدان فردوسی نصب شد. جنس مجسمه از سنگ مرمر کارارا Carrara Marble و ارتفاع آن بیش از سه متر است.

است به جریان. مگر می‌شود خبر نداشته باشد یا ندیده باشد؟ یا اینکه خدا نکند هر روز که به دفتر کارش می‌رود، توی دلش قند آب شود که «دام رنگش کردند! کهنه شده بود! سی‌وسه پل را، تخت جمشید را، ارگ کریمخان را، همه را! دادم طوسی مایل به کرم کردند!» خدا نکند.»

این نقاش درباره ویژگی‌های سردر دانشگاه تهران نوشته است: «یکی اینکه این سردر نمونه‌ای باشکوه، بی‌نقص و بی‌نظیر از تجلی اوج هنر در معماری است. شاهکاری از کوروش فرزانی که روح زمان خود را در آن دمیده است. سردر دانشگاه تهران با آن فرم‌ها و فضاهای پر و خالی خیال‌انگیز که چشم بیننده را با قوس‌های خمارش تا گنبد مسجد شاه اصفهان می‌برد و سطح خاکستری سیمانی مات دانه‌دانه‌اش که تخت جمشید بود، تالار صد ستون بود، آتشکده خورده بود، ایستاده بر دروازه علم و دانش و فرهنگ و هنر.»

سردر دانشگاه تهران نه فقط یک سرورودی ساده، بلکه نماد تحصیلات دانشگاهی و دانشگاه در ایران و اثری بسیار شناخته شده است. این سازه نشانه‌ای از علم و دانش و هنر است و همچنین یکی از نمادهای مشهور توسعه و رشد جامعه ایران در دوران پهلوی است.

بطور کلی تخریب دانشگاه تهران با بازگشایی پس از شیوع کرونا سرعت گرفته است. پیشتر درختان چندین ساله و کهن حیاط این دانشگاه به بهانه ساخت و سازها از جا کنده و خشکانده شدند. مسئولان دانشگاه گفتند، زمان کاشت دوباره این درختان گذشته و امکان کاشتشان در نقطه دیگری وجود ندارد.

در این میان، گزارش رنگ آمیزی سر در دانشگاه تهران و مخدوش کردن این اثر متعلق به میراث فرهنگی تنها چند روز پس از تخریب مجسمه مشهور فردوسی در میدان فردوسی تهران منتشر شده است. مجسمه فردوسی که جزو آثار ثبت ملی است، توسط شهرداری منطقه به شکل نادراست و غیراصولی شسته و در نتیجه دو رنگ شده است. شهرداری این مجسمه را با همین وضعیت به حال خود رها کرده است. مرتضی ادیب‌زاده مدیرکل موزه‌ها و اموال منقول تاریخی امروز یکشنبه ۱۲ تیرماه، اقدام شهرداری در شستن این مجسمه را «بدون مجوز، غیراصولی و خلاف قوانین ناظر بر آثار ثبت ملی» اعلام کرده است.

بر این مبنای هیچ نهاد یا ارگانی بدون دریافت مجوز از میراث فرهنگی، اجازه مرمت، پاکسازی و یا هر اقدام دیگری را ندارد. او تأکید کرد: «شهرداری برای پاکسازی و شستشوی مجسمه فردوسی باید مجوز میراث فرهنگی را می‌گرفت و توسط

● مظاهر آذری نقاش در روزنامه دولتی «ایران» با تیتَر «تعدی به ساحت یک اثر هنری» از رنگ آمیزی متفاوت سردر دانشگاه تهران خبر داده که هنگام عبور از کنار این دانشگاه، متوجه آن شده است.

● آذری نوشته است: «... اما یکهو پایم از رفتن بازماند، گلویم خشک شد... با دقت و حیرت دوباره نگاهش کردم. نه؛ اشتباه نمی‌دیدم. رنگش کرده بودند. رنگ روغنی براق! چیزی بین طوسی و کرم. آن بافت سیمانی با همه سنگینی‌اش بخار شده بود و رفته بود و من به قول بامداد: «از تلخی تمامی دریاها در اشک ناتوانی خود ساغری زدم...»

● سردر اصلی دانشگاه تهران در سال‌های ۴۵ و ۴۶ خورشیدی بر پایه طرحی از کوروش فرزانی یکی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ساخته شد. این اثر در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

● شهرداری تهران همچنین مجسمه معروف فردوسی در پایتخت را بطرز نادراست و غیراصولی شسته و بعد آن را دو رنگ به حال خود رها کرده است!

پس از دو رنگ شدن مجسمه مشهور فردوسی در پایتخت با سهل‌انگاری در شستشو، اکنون گفته می‌شود سر در دانشگاه تهران را با رنگ روغن، رنگ آمیزی متفاوتی کرده‌اند!

مظاهر آذری نقاش در روزنامه دولتی «ایران» با تیتَر «تعدی به ساحت یک اثر هنری» از رنگ آمیزی متفاوت سردر دانشگاه تهران خبر داده که هنگام عبور از کنار این دانشگاه، متوجه آن شده است.

آذری نوشته است: «... اما یکهو پایم از رفتن بازماند، گلویم خشک شد... با دقت و حیرت دوباره نگاهش کردم. نه؛ اشتباه نمی‌دیدم. رنگش کرده بودند. رنگ روغنی براق! چیزی بین طوسی و کرم. آن بافت سیمانی با همه سنگینی‌اش بخار شده بود و رفته بود و من به قول بامداد: «از تلخی تمامی دریاها در اشک ناتوانی خود ساغری زدم...»

سردر اصلی دانشگاه تهران در سال‌های ۴۵ و ۴۶ خورشیدی بر پایه طرحی از کوروش فرزانی یکی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ساخته شد. این اثر در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

آذری نقاش با اعتراض به تخریب سردر دانشگاه تهران نوشت: «تا آنجا که من می‌دانم و شنیده‌ام این سازه (سردر) دانشگاه تهران) در يد اختيار و تحت مسئولیت شهرداری منطقه شش تهران است. البته که دانشگاه تهران حتماً رئیس دارد و حتماً رئیس تحصیلات بالایی هم دارد و حتماً واقف

## سفر جو بایدن به منطقه و تقویت «ناتو خاورمیانه» علیه تهدیدات جمهوری اسلامی



بازدید بنی گانتز وزیر دفاع اسرائیل از مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین؛ فوریه ۲۰۲۲

قرار دهند. این مقام اسرائیلی گفت، ایده این است که سنتکام می‌تواند بین این کشورها هماهنگی ایجاد کند «تحقق دیدگاه دفاع منطقه‌ای» است.

جو بایدن در شرایطی به عربستان می‌رود که تا پیش از این به خاطر نقض حقوق بشر توسط حاکمان عربستان از آنها دوری می‌کرد. او با دفاع از این سفر اشاره کرده که تا حد زیادی به درخواست اسرائیل عمل می‌کند.

مقامات آمریکایی تا کنون جزئیات زیادی از همکاری تازه اسرائیل و اعراب ارائه نکرده‌اند.

دانیل شاپیرو سفیر پیشین اسرائیل و از حامیان برجسته ائتلاف در حال ظهور بین اسرائیل و کشورهای عربی می‌گوید «برای رهبران عرب و اسرائیل، محرک شماره یک تهدید مشترکی است که هر دو از سوی رژیم ایران و نیروهای نیابتی آن احساس می‌کنند.»

شاپیرو گفت، «به‌خصوص تا جایی که عربستان سعودی در این زمینه حضور داشته باشد، روابط امنیتی تحت هماهنگی سنتکام، چشم‌انداز تشکیل یک ائتلاف عربی سنی واقعاً متحد برای ایستادن در کنار اسرائیل در برابر رژیم ایران است که ادعای رهبری شیعیان را دارد.»

تشکیل ائتلاف علیه جمهوری اسلامی با همراهی ارتش مدرن اسرائیل می‌تواند نگرانی‌های عربستان و امارات را که گمان می‌کنند ایالات متحده به اندازه کافی برای محافظت از آنها در برابر رژیم ایران اقدام عملی نکرده کاهش می‌دهد. با وجود شکست اسرائیل در دستیابی به یک راهکار سیاسی برای صلح با فلسطینی‌ها که کشورهای عرب مدت‌ها به عنوان شرطی برای به رسمیت شناختن اسرائیل مطرح می‌کردند، شرایط منطقه به گونه‌ایست که کشورهای عرب را برای محافظت از خود به همکاری با اسرائیل ترغیب می‌کند.

موسوم به «پیمان ابراهیم»، روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی منطقه وارد مرحله‌ای تازه شد. موازی با رشد روابط سیاسی و اقتصادی میان کشورهای عربی و اسرائیل از یک سال پیش پنتاگون در هماهنگی با اسرائیل کنترل تحرکات نظامی آمریکا را از فرماندهی آمریکا در اروپا به فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) تغییر داد. هرچند که عربستان سعودی هنوز رسماً روابط خود با اسرائیل را عادی نکرده اما تهدیدات مشترک منطقه‌ای و «پیمان ابراهیم» سبب شکل گرفتن یک ائتلاف مشترک میان ریاض و متحدانش با اسرائیل علیه جمهوری اسلامی شده است.

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا می‌گوید تشویق کشورهای عربی به تقویت روابط امنیتی و روابط سیاسی عمومی با اسرائیل یکی از اهداف سفر هفته آینده بایدن به اسرائیل و عربستان سعودی است.

ائتلاف علیه جمهوری اسلامی تا جایی تقویت شده که قرار است یک افسر رابط اسرائیلی در مقر ناوگان پنجم ایالات متحده در بحرین منصوب شود.

قانونگذاران جمهوریخواه و دموکرات ماه گذشته قانونی را ارائه کردند که به پنتاگون دستور می‌دهد تا یک سیستم دفاع هوایی مشترک برای اسرائیل و کشورهای عربی علیه موشک‌های بالستیک و پهپادهای رژیم ایران مستقر کند. جان کربی می‌گوید ایالات متحده بر هماهنگی سیستم‌های دفاع هوایی منطقه‌ای به عنوان گام اولیه در ائتلاف تأکید می‌کند و «بر همین اساس واقعاً پوششی مؤثر برای مقابله با رژیم ایران ایجاد خواهد شد.»

یک مقام اسرائیلی که نخواست نامش فاش شود، به آسوشیتدپرس گفت که اعضای سنتکام برای امنیت دریایی مشترک همکاری خواهند کرد و مذاکرات امنیتی اعراب و اسرائیل را که هنوز عمدتاً پشت پرده است مورد بحث

آسوشیتدپرس می‌نویسد اولین سفر بایدن به خاورمیانه به عنوان رئیس جمهور در شرایطی صورت می‌گیرد که هماهنگی غیرقابل تصویری بین نظامیان اسرائیلی و نیروهای مسلح عرب منطقه برقرار شده است. ائتلاف علیه جمهوری اسلامی تا جایی تقویت شده که قرار است یک افسر رابط اسرائیلی در مقر ناوگان پنجم ایالات متحده در بحرین منصوب شود.

دانیل شاپیرو سفیر پیشین اسرائیل و از حامیان برجسته ائتلاف در حال ظهور بین اسرائیل و کشورهای عربی می‌گوید «برای رهبران عرب و اسرائیل، محرک شماره یک تهدید مشترکی است که هر دو از سوی رژیم ایران و نیروهای نیابتی آن احساس می‌کنند.»

جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا هفته آینده به منطقه سفر می‌کند و قرار است با رهبران اسرائیل و عربستان سعودی دیدار کند.

گفته می‌شود یکی از اصلی‌ترین اهداف سفر بایدن مذاکره با متحدان واشنگتن در مورد «فعالیت‌های امنیتی جمهوری اسلامی» است. همزمان گزارش شده که قرار است از تشکیل «ناتوی خاورمیانه» علیه تهدیدات جمهوری اسلامی نیز رونمایی شود.

آسوشیتدپرس می‌نویسد اولین سفر بایدن به خاورمیانه به عنوان رئیس جمهور در شرایطی صورت می‌گیرد که هماهنگی غیرقابل تصویری بین نظامیان اسرائیلی و نیروهای مسلح عرب منطقه برقرار شده است و موضوع ابتکار جدید برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی مطرح است. این مسئله «احتمال وقوع جنگ منطقه‌ای را تشدید می‌کند.»

بعد از امضای توافق عادی ساختن روابط میان چند کشور عربی با اسرائیل در سال ۲۰۲۰ در دوران ترامپ،

## زمین لرزان و آسمان خونین

شاه سلطان حسین که قلبی رئوف داشت از شنیدن سخنان اعتمادالدوله در مجلس محاکمه، شدیداً متأثر شد و گریست. اما راه برگشت وجود نداشت. اگر به اشتباه خود اقرار می‌کرد چیزی عوض نمی‌شد. نه می‌توانست چشمان اعتمادالدوله و دستار صدارتش را به وی بازگرداند، نه مصلحت بود ستمی را که بر فتحعلی خان رفته بود با تفویض مجدد منصب فرماندهی به او، جبران کند. از طرفی مجبور می‌شد توطئه‌گران را که نزدیکان و محارمش بودند برکنار و مجازات کند که در آن صورت کسی برایش باقی نمی‌ماند. راهی که برگزید تبعید محترمانه فتحعلی خان بود به شیراز و تحت نظر قرار دادن لطفعلی خان در اصفهان.

سالی گذشت. شاه همچنان در تهران اقامت داشت اما هر روز از گوشه‌ای خبر طغیان و بلوا به او می‌رسید. طغیانها عموماً در مناطق سنی‌نشین به ظهور می‌پیوست و از غیرت مذهبی یا تعصبات قومی و قبیله‌ای ریشه می‌گرفت. لرگی‌ها شوریدند زیرا مغضوبیت فتحعلی خان و لطفعلی خان داغستانی تخم کینه را نسبت به شاه و درباریان در دل آنها کاشته بود. در شیروان، سَنیان به‌رهبری حاجی داوود بسیج شدند و به شورشیان لرگی پیوستند زیرا به‌روایت لکه‌هارت «متعصبان شیعه بر این سَنیان نگویند بخت، با ادای بی‌حرمتی به مساجدشان و تبدیل آن مساجد به اصطبل و کشتی اکثر وعاظ ایشان و به‌آتش افکندن کتابهایشان، ستمها وارد کرده بودند». آنها بر اثر نارضایی، از مدتی پیش دست استمداد به جانب دربار عثمانلو دراز کرده بودند و پس از آن که با کمک اهالی سنی مذهب «شماخی» این شهر را به‌تصرف درآوردند و بین ۴ تا ۵ هزار شیعه را از دم تیغ گذراندند و از این پایگاه سراسر ایرون را مورد تاخت و تاز قرار دادند، سلطان عثمانی درخواست حمایتشان را لیبیک اجابت گفت و حاجی داوود را با صدور فرمانی، لقب «داوودبیگ» و منصب حکمرانی شیروان عطا کرد. سنی‌مذهبان گرد در کردستان شوریدند، لرها در لرستان، بلوچها در بلوچستان و در خراسان ملک محمود سیستانی حاکم «تون» علم طغیان و خودسری برافراشت.

قهر طبیعت نیز بر وقایعی از این قبیل که پایه‌های تخت سلطنت را می‌لرزاند اضافه شد. در تبریز زلزله سختی شهر را درهم کوبید و نیمی از جمعیت شهر در زیر ویرانه‌ها یا بر اثر مصائب ناشی از زلزله جان باختند. حادثه غیر متعارفی هم در اصفهان رخ نمود. ده روز در آسمان اثری از خورشید نبود و ابری به‌رنگ خون افق را پوشانده بود. در تمام روز جز روشنایی کم‌رنگی، همانند زمان خورشیدگرفتگی، وجود نداشت. خرافه‌پرستان آن را از علائم آخرالزمان و طلیعه بلاهای بزرگ دانستند و وحشت به جان مردم انداختند.

شاه به اصفهان بازگشت و چون معتقد شده بود این همه مصائب ناشی از خشم خدا به‌دلیل رواج منہیات و ارتکاب معاصی است فرمان داد زنان روسپی را از شهر اخراج و تفریحات عمومی را تعطیل کنند. همگان روزه بگیرند و نماز جماعت بخوانند. در میدانهای شهر علما به منبر رفتند و مردم را به توبه از معاصی و طلب بخشایش از درگاه الهی توصیه کردند. اما بلا نه از جانب آسمان، که از جانب قندهار در راه بود.

\*\*\*

محمود غلچه‌زایی هنگامی که از واقعه عزل اعتمادالدوله و حبس لطفعلی‌خان و پراکنده شدن لشکر او آگاه شد تصمیم گرفت بار دیگر به داخل ایران بتازد. با غناهی که

## کالدشکافی یک طغیان (۷)

(کیهان لندن شماره ۱۱۲۵-۱۱۰۰)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵



احمد احرار

در لشکرکشی اول به‌چنگ آورده بود جنگ افزار خرید و سپاه منظمی تدارک دید. آنگاه به این سوی و آن سوی پیام فرستاد و از حاکمان و متنفذین محلی دعوت کرد با او در قیام علیه حکومت مرکزی متحد شوند. آوازه بزل و بخشش و شجاعت و درایت او نیز در اکتاف پیچید و مردم جنگجو از دور و نزدیک به قندهار روی آوردند و تعداد سپاهیان‌ش به ۲۵ هزار تن رسید.

با این سپاه که از ترک و تاجیک و پشتون و ابدالی و هزاره و بلوچ و زرتشتی و هندو تشکیل می‌شد، محمود دومین یورش خود را آغاز کرد و در ربیع‌الآخر ۱۱۳۴ هجری (ژانویه

«افاغنه مانند گرگان خونخوار در خروش آمده بر اسبان بادپای سوار و شب و روز به ایلغار آمدند و قلعه‌های منسده بسیار مفتوح نمودند. بعضی به رضا و رغبت و بعضی به‌زور و شدت و حدت تا به چهار فرسخی اصفهان، به قریه‌ای که آن را گلونه‌آباد گویند نزول نمودند و دارالسلطنه اصفهان از آوازه ورود افاغنه پر آسیب و آزار خونخوار، مانند حمام پر از زنان، پر ولوله و های و هوی و گیر و دار و غلغله و هراس و بیم بسیار گردید.

پس سلطان جمشیدنشان به وزرا و امرا و ارکان دولت خود فرمود که در دفع دشمن چندان غفلت و اهمال و تکاهل ورزیدید تا آنکه دشمنان به‌تدریج تسلط و اقتدار و غلبه و استیلا یافتند و ممالک و قلمروم را مسخر نمودند و تصرف نمودند و نرم نرم آمدند تا به در خانه من رسیدند.

مقرّبین درگاه ملوک سجده‌گاه، از روی خضوع و خشوع عرض نمودند که جهان‌پناها، هیچ تشویش مفرما، و دغدغه به خاطر خطیر مبارک راه مده که دولت خدا داده تو مخلد (ابدی) می‌باشد، و در این وقت مشیت الله قرار گرفته که نیروی بخت فرخنده تو و فیروزی طالع سعد تو بر جهانیان ظاهر گردد. توکل بر خدا کن و صبر پیشه کن و آرام داشته باش که از قوت طاعت کار درست خواهد شد...  
 علما و فضلا و فقها و عرفا و صلحا و زهاد هر روز به



تهای جنوبی اصفهان - ۱۷۲۲

خدمت سلطان جمشیدنشان، از روی تملق و مزاج‌گویی می‌آمدند و عرض می‌کردند که جهان‌پناها، هیچ تشویش مکن که دولت تو مخلد و به ظهور قائم آل محمد متصل خواهد بود و همه اهل ایران، خصوصاً اهل اصفهان، شب و روز دعا به دولت روزافزون تو می‌کنند، دشمنان تو ناگهان نیست و نابود و مانند قوم عاد و ثمود مفقود خواهند شد...» شاه، امر به تشکیل مجلس مشورتی داد. در آنجا هم بین مشاوران اختلاف رأی بروز کرد. محمدقلی‌خان شاملوی قورچی‌باشی که لقب و منصب اعتمادالدوله گرفته بود عقیده به جنگ فرسایشی داشت و حمله سریع برای ضربه زدن و در هم شکستن قشون مهاجم را به مصلحت نمی‌دانست. در حالی که عبدالله خان، والی عربستان (خوزستان) می‌گفت شایسته شاه و دولت و مملکت نیست که در برابر شورشیان به دفع‌الوقت بگذرانیم.

سرانجام، شاه تصمیم گرفت پیشنهاد صلحی برای محمود افغان بفرستد. این پیشنهاد، محمود را بیش از پیش از ضعف دربار مطمئن و در ادامه نبرد مصمم کرد. قاصد را بدون هیچ پاسخی به اصفهان بازگرداند و به تدارک حمله پرداخت. از آن سو برای شاه و دولت مرکزی نیز راهی جز مقابله و محاربه باقی نماند.

(در شماره آینده: آبگوش سحرآمیز)

۱۷۲۲) به کرمان رسید. شهر کرمان در برابر سپاه مهاجم پایداری چندانی نکرد. زرتشتیان و هندیان از جنگیدن با لشکری که همکیشانان در آن بودند امتناع ورزیدند و سایر اهالی را که حاضر به مقاومت نبودند با خود همراه ساختند و دروازه شهر را به روی محمود گشودند. محمود بنا نداشت که مدت طولانی در کرمان بماند و به دولت مرکزی فرصت دهد سپاهی گردآورده مثل دفعه پیش بر سر او بتازد. همچنین بر آن بود که برخلاف بار اول، به‌جای روی آوردن به فارس و بنادر، از کوتاهترین راه، یعنی راه یزد، به جانب اصفهان براند. یزد را در محاصره گرفت ولی چون با مقاومت سختی روبرو شد و تلفات زیادی محتمل گشت از ادامه محاصره دست کشید و در حالی که مردم دهات و شهرهای کوچک از سر راه لشکر جزا او می‌گریختند به چهارمزنلی اصفهان رسید.

پیشاپیش، وحشت اصفهان را فرا گرفته بود. شاه سلطان حسین، محصور در میان ملایان و رمالان که او را به امدادهای غیبی امیدوار می‌ساختند و امیران و وزیران که آراء متناقض عرضه می‌داشتند، انگشت حیرت و ندامت به دندان می‌گریزد و نمی‌دانست چه راهی باید برگزید: محاربه یا مصالحه؟

محمدهاشم رستم‌الحکما در رستم‌التواریخ می‌نویسد



## دیوار برلین چگونه فرو ریخت؟

(تاریخ نشر در کیهان لندن: آذر ۱۳۸۸ شماره‌های ۱۲۸۳)

علی امینی نجفی

کتک خوردند. پلیس امنیتی در روزهای پیش ۱۱ نفر از دعوت‌کنندگان به این راه‌پیمایی را دستگیر کرده بود. درست یک سال پیش از این یعنی در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۸ نخستین اعتراض جدی به سیاست حزب حاکم صورت گرفته بود. سالروز مرگ روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت، دو

دیواری که قاره اروپا را دو قسمت کرده بود، روز ۹ نوامبر ۱۹۸۹ فرو ریخت. با سقوط دیوار برلین مهم‌ترین انقلاب قرن بیستم بدون ریخته شدن یک قطره خون به ثمر رسید. رژیم آلمان شرقی در ۱۳ اوت ۱۹۶۱ بنای دیوار برلین را آغاز کرد. دیوار به دور سراسر منطقه غربی شهر کشیده شد، تا از



عده‌ای از سران جهان در سالگرد فروپاشی دیوار برلین

رهبر جنبش کارگری، از روزهای مهم تاریخی در «جمهوری دموکراتیک آلمان» بود.

در تظاهراتی که «حزب متحد کارگری» برپا کرده بود، عده‌ای از جوانان ناراضی با شعار تاریخی روزا لوکزامبورگ به میان جمعیت آمدند: «آزادی واقعی یعنی آزادی برای دگراندیشان!» این عده به سرعت توسط افراد پلیس و دستگاه امنیتی (اشتازی) دستگیر شدند. «نیروهای اجتماعی» (کادراهی حزبی) با لباس شخصی و با حمایت مأموران انتظامی به مردم حمله کردند. اما سرکوب خشن، مردم را نسبت به ماهیت رژیم هشیارتر کرد.

### بحران مشروعیت

بیشتر تحلیلگران عقیده دارند که از نیمه‌ی دهه ۱۹۷۰ مشروعیت رژیم‌های کمونیستی شرق اروپا از بین رفته بود و تنها اقلیتی از افراد متعصب یا عناصر مزدبگیر بودند که از رژیم حمایت می‌کردند.

در آلمان شرقی، عده‌ای از چهره‌های نامدار فرهنگی و کلیسایی با جنبش اعتراضی همراه بودند که دولت به سادگی نمی‌توانست به آنها انگ «خیانتکار» یا «جاسوس خارجی» بزند. در سراسر زمستان ۱۹۸۸ در برلین شرقی و لایپزیگ و درسدن اعتراضات ادامه داشت و پیوسته وسیع‌تر می‌شد.

### تقلب در انتخابات

در انتخابات ایالتی که در اوایل سال ۱۹۸۹ انجام گرفت، حزب حاکم مدعی شد که ۹۹ درصد آرا را به دست آورده است. این خبر به خشم مردم دامن زد.

عده‌ای از فعالان شجاع جنبش مدنی با انتشار شب‌نامه‌ای دولت را به تقلب در انتخابات و نقض قانون اساسی کشور متهم کردند. آنها مردم را به شرکت در راه‌پیمایی اعتراضی دعوت کردند.

پس از سرکوب تظاهرات ۱۵ ژوئن ۱۹۸۹ و دستگیری

فرار شهروندان برلین شرقی جلوگیری کند. عده بیشتری از مردم، از آخرین فرصت استفاده کردند و با به خاطر انداختن جان خود، به غرب گریختند. از آن پس نگاهبانان دیوار دستور داشتند به سوی کسانی که به طور غیرمجاز از دیوار عبور می‌کنند، شلیک کنند.

### اولین شکاف در دیوار

در سال ۱۹۸۵ میخائیل گورباچف در اتحاد شوروی به رهبری رسید. او اعلام کرد که خواهان برداشتن «پردهٔ آهنین» از دور کشورهای بلوک شرق و پایان دادن به «جنگ سرد» است که پس از جنگ جهانی دوم میان دو اردوگاه سرمایه‌داری و سوسیالیستی به راه افتاده بود. او تأکید کرد که «سوسیالیسم با سیمای انسانی» باید با دموکراسی و حقوق بشر همراه باشد. زمامداران تازه «اتحاد شوروی» آشکارا گفتند که کشور در رقابت اقتصادی با غرب از پا در آمده است. شوروی نزدیک چهار سال «جنگ سرد» را با تکیه بر تبلیغات دروغین، شعارهای فریبنده و آمار قلابی ادامه داده بود، اما دیگر این حربه‌ها کارساز نبود.

در پایتخت‌های «سوسیالیسم» مردم با اجتماع در پیرامون سفارتخانه‌های غربی خواهان ترک کشور بودند. در آلمان شرقی این پدیده با حساسیت بیشتری همراه بود، زیرا شرق و غرب خود را همچنان یک ملت واحد می‌دانستند.

هر روز مردم بیشتری در اعتراض به دیکتاتوری و انحصارطلبی حزب حاکم زبان باز می‌کردند. روشنفکران و هنرمندان، فعالان مدنی و کشیش‌های مترقی در رأس جنبش بودند.

### اعتراض به اختناق

روز ۱۵ ژانویه ۱۹۸۹ حدود ۸۰۰ نفر از روشنفکران در لایپزیگ به خیابان آمدند. آنها فریاد می‌زدند: «مردم نترسید، به ما بپیوندید!» آنها اندکی پس از حرکت با نیروهای انتظامی روبرو شدند: ۵۳ نفر از جمعیت دستگیر شدند و بسیاری

سختگوییان جنبش، مدتی رعب و وحشت بر کشور سایه انداخت، اما چیزی نگذشت که عده بیشتری از مردم با خواسته‌های اساسی‌تر به میدان آمدند.

در همین شرایط دشوار در کشور چند نهاد مدنی شکل گرفت. ارگانی متشکل از روشنفکران ناراضی به نام «پایگاه تازه» (نویس فوروم) در اعلامی‌های به مردم هشدار داد که از راه مسالمت بیرون نروند: «از هرگونه خشونت پرهیز کنید! به مأموران نزدیک نشوید! از مانع‌ها دوری کنید! به افراد و خودروها حمله نکنید! شعارهای قهرآمیز ندهید! در میان خود همبستگی داشته باشید و دیگران را تحریک نکنید! به افراد حکومتی هم هشدار می‌دهیم: مسالمت مردم را با خشونت جواب ندهید! ما یک ملت هستیم!»

### ماندن یا رفتن؟

در میان انبوه ناراضیان دو گرایش پدید آمده بود: عده‌ای قصد داشتند به هر قیمتی از کشور بیرون بروند. آنها هر روز با تجمع در مرز یا در کنار سفارتخانه‌های خارجی فریاد می‌زدند: «بگذارید خارج شویم».

اما دیدگاهی دیگر هر روز طرفداران بیشتری پیدا می‌کند: باید بمانیم و این کشور را بسازیم.

از اول سپتامبر ۱۹۸۹ در شهرهایی مانند لایپزیگ و برلین شرقی مخالفان هفته‌ای یک بار در کلیسایی گرد می‌آیند. آنها بحث می‌کنند و از دولت می‌خواهند که به حرف آنها گوش دهد.

روز هفتم اکتبر دولت مراسم چهلمین سالگرد تأسیس «آلمان دموکراتیک» را با بوق و کرنای فراوان برگزار می‌کند. میخائیل گورباچف به آلمان می‌آید و در مراسم شرکت می‌کند. اما زمامداران نمی‌توانند حمایت دلخواه را از او کسب کنند.

### خلق ما هستیم!

روز نهم اکتبر رژیم با حادثه‌ای غافلگیرکننده روبرو می‌شود: با وجود سرکوب خشن اعتراضات و دستگیری دهها نفر از «اغتشاشگران»، در لایپزیگ بیش از هفتاد هزار نفر به خیابان می‌روند. آنها رو در روی رژیم می‌ایستند که به نام «خلق» تسمه از گرده‌ی آنها کشیده است یکصدا فریاد می‌زنند: «خلق ما هستیم!»

مردم در آلمان و حتی سرتاسر کشورهای بلوک شرق به این راه‌پیمایی چشم دوخته‌اند. آیا «انقلاب پاییزی» در خون غرقه می‌شود؟ آیا اتحاد شوروی باز هم تانک‌های خود را روانه‌ی میدان خواهد کرد؟

انبوه مردم با فریاد «گوربی، گوربی» ما را یاری بده! از رهبر اتحاد شوروی می‌خواهند که ندای حق‌طلبانه‌ی آنها را خفه نکند.

نماینده‌ی گورباچف به رهبران آلمان شرقی اطلاع می‌دهد که اتحاد شوروی دیگر حاضر نیست مانند گذشته در سرکوب خونین مردم کشورهای «پیمان ورشو» شرکت کند.

تظاهرات نهم اکتبر با آرامش به پایان می‌رسد. مردم نفس راحتی می‌کشند و خبر به سراسر جهان مخابره می‌شود. ناظران دورنگر نتیجه می‌گیرند: کار رژیم تمام است!

گفته شده است که بیشتر کادراهی قدیمی حزب و فرماندهان نیروهای مسلح، به سرکوب خونین جنبش مصمم بودند. اما راه‌پیمایی وسیع روز نهم اکتبر آنها را در برابر واقعیتی تلخ قرار داد: اکثریت بزرگ مردم کشور به آنها پشت کرده بودند. آیا می‌توان دهها هزار نفر را دستگیر کرد یا به قتل رساند؟ حاکمیت قدرت داشت، اما توان استفاده از آن را از کف داده بود.

### بن بست سیاسی

پیروزی راه‌پیمایی لایپزیگ سرمشقی برای سراسر کشور شد. اینک حتی برخی از سران حزب حاکم از فساد و دیکتاتوری انتقاد می‌کردند.



مرز از میانه ماه اردیبهشت و آغاز اعتراض‌های مردمی، اینترنت در بسیاری از شهرهای ایران قطع یا مختل شده است. نخست همزمان با اعتراض به گرانی‌ها و افزایش قیمت مواد غذایی و سپس با فرو ریختن ساختمان متروپل در آبادان که منجر به کشته شدن ده‌ها نفر شد و موج اعتراض و همبستگی با قربانیان را در ایران برانگیخت. در روزهای اخیر این رویدادهای جهانی هستند که بهانه‌ای برای اخلاف در اینترنت شده‌اند از آن میان جلسه گروه هفت (G7) هفت کشور صنعتی جهان) در خارج از مرزهای ایران و سفر جوزپ بورل رییس دیپلماسی اتحادیه اروپا به تهران برای پیشبرد مذاکرات هسته‌ای و احیای برجام. با هر رخداد مهم جمهوری اسلامی سانسور خود را به لطف ساختن شبکه‌ای برای توزیع محتوا که بر زیرساخت‌های دیجیتال کشور تکیه دارد، تحمیل می‌کند.

وانسان برتیه مسئول دفتر فناوری «RSF» در اینباره می‌گوید: «این شبکه محتوایی را که مردم ایران می‌توانند به آنها دسترسی داشته باشند پالایش می‌کنند. شرکت ابرآوان که در اروپا نیز فعال است نقش دفاکتو در راهبرد مهار دسترسی به اطلاعات در ایران ایفا می‌کند. این شرکت باید به این همکاری و در اختیار رژیم قرار دادن ابزارهای سانسور پایان دهد.»

از ۱۵ سال پیش رژیم تهران، «اینترنت حلال» یا همان شبکه اطلاعات ملی را به عنوان ابزاری مناسب برای ارائه خدمات و امنیت بیشتر راه‌اندازی کرده است. از سال ۲۰۱۱

## گزارشگران بدون مرز: شرکت «ابرآوان» همدست جمهوری اسلامی در آپارتاید دیجیتال و سرکوب

● «این شبکه محتوایی را که مردم ایران می‌توانند به آنها دسترسی داشته باشند پالایش می‌کنند. شرکت ابرآوان که در اروپا نیز فعال است نقش دفاکتو در راهبرد مهار دسترسی به اطلاعات در ایران ایفا می‌کند. این شرکت باید به این همکاری و در اختیار رژیم قرار دادن ابزارهای سانسور پایان دهد.»

● از ۱۵ سال پیش رژیم تهران، «اینترنت حلال» یا همان شبکه اطلاعات ملی را به عنوان ابزاری مناسب برای ارائه خدمات و امنیت بیشتر راه‌اندازی کرده است. از سال ۲۰۱۱ حکومت راه‌اندازی را تسریع کرد و از سال ۲۰۱۷ شرکت ابرآوان که دفتر نمایندگی در شهر دوسلدروف آلمان دارد، در پروژه‌ای به نام «شما» همکاری گسترده‌ای را با رژیم در «زیرساخت یکپارچه ابری» و تسهیل دسترسی به شبکه اطلاعات ملی آغاز کرد.



حکومت راه‌اندازی را تسریع کرد و از سال ۲۰۱۷ شرکت ابرآوان که دفتر نمایندگی در شهر دوسلدروف آلمان دارد، در پروژه‌ای به نام «شما» همکاری گسترده‌ای را با رژیم در «زیرساخت یکپارچه ابری» و تسهیل دسترسی به شبکه اطلاعات ملی آغاز کرد.

جمهوری اسلامی از سوی دیگر با افزایش بهای دسترسی به اینترنت کاربران را به استفاده از شبکه ملی اطلاعات و ادار می‌کند این اقدام به وضوح تحمیل آپارتاید دیجیتال است بر مردم ایران که بنا بر توانایی مالی امکان دسترسی بیشتر به اینترنت را برای بخشی تسهیل می‌کند.

تاثیرات عدم دسترسی به اطلاعات ویرانگرند. در روزهای اعتراض‌ها در ایران دست‌کم ۲۰ میلیون از حق دسترسی به اطلاعات محروم شدند و همچنان وبسایت‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های بسیاری به بهانه «تبلیغ ضدانقلاب و برانداز» و یا تبلیغ علیه نظام و توهین به مقدسات مسدود هستند.

در حالی که اعتراض‌های مردمی در ایران گسترش یافته‌اند، رژیم جمهوری اسلامی با قطع و اخلاف در دسترسی به اینترنت سعی در سرکوب دارد. گزارشگران بدون مرز (RSF) این سرکوب را محکوم و شرکت ابرآوان را فرا می‌خواند به همکاری با رژیم در سانسور اینترنت پایان دهد.

رضا معینی مسئول دفتر افغانستان و ایران «RSF» در اینباره گفت: «جمهوری اسلامی حق شهروندان را برای مطلع شدن از وضعیت کشور نادیده می‌گیرد. RSF موج جدید سرکوب حقوق بنیادین از آن میان آزادی اطلاع‌رسانی را محکوم می‌کند. رژیم تهران باید به سکوت وادار کردن آخرین سرچشمه‌های اطلاعات آزاد و مستقل که بسیاری از ایرانی‌ها از آن بهره‌مند می‌شوند پایان دهد و تعهدات جهانی خود در اینباره را اجرا کرده و از آپارتاید دیجیتال دست بردارد.»

بنا بر اطلاعات گردآوری شده به دست گزارشگران بدون

روز ۱۸ اکتبر اریش هونکر رهبر حزب و دولت استعفا داد. رژیم به بحران سیاسی عمیقی دچار شده بود. روز چهارم نوامبر صدها هزار نفر در برلین شرقی در میدان بزرگ شهر (الکساندر پلاتس) گرد آمدند. آنها خواهان اصلاحات بنیادین بودند و آشکارا از تغییر نظام سخن می‌گفتند.  
**به سوی دیوار!**

رژیم که زیر فشار مردم در تنگنا قرار گرفته بود، از درون نیز به چنددستگی افتاده و هر دم تصمیمی تازه می‌گرفت. شامگاه نهم نوامبر نزدیک ساعت ۷ شب گوئتر شابووسکی عضو هیئت سیاسی حزب حاکم در کنفرانس مطبوعاتی اعلام می‌کند: «هر شهروند آلمان دموکراتیک می‌تواند کشور را ترک کند.» تا امروز به روشنی معلوم نشده که شابووسکی این



سالها فعالیت غرب برای تخریب دیوار برلین و فروپاشی سیستم کمونیسم شوروی به دست دو سوسیالیست روشنفکر و آزادیخواه انجام شد.

لیخ والسا (سمت چپ) فعال سیاسی و رئیس جمهوری پیشین لهستان و میخائیل گورباچف رهبر پیشین شوروی در سالگرد تخریب دیوار برلین؛ و این هر دو به دریافت جایزه صلح نوبل نائل شدند

گفته را در چه شرایطی و به چه منظوری اعلام کرده است. خبرنگاران خارجی از گفته‌ی شابووسکی مات و مبهوت شدند. آنها منظور او را درست درنیافته بودند. آیا مردم به راستی می‌توانند کشور را ترک کنند و به غرب بروند؟ این که یعنی سقوط دیوار!

اما مردم پیام را جدی گرفتند. دقیقی بعد از پخش سخن شابووسکی از تلویزیون، هزاران نفر از مردم برلین شرقی به طرف دیوار سرازیر شدند و در برابر گذرگاه‌های مرزی صف بستند. در مرز آشوب و سردرگمی حاکم بود. مأموران که دستوری دریافت نکرده بودند، از مردم برگه‌ی عبور می‌خواستند!

تا پاسی از شب مأموران مرزی حیران و درمانده در برابر انبوه جمعیت ایستاده بودند. از طرف مقامات «بالا» هیچ دستوری نمی‌رسید. در این فضای تنش‌آلود مانع مرزی که ۲۸ سال برقرار بود، ناگهان کنار رفت. با همین حرکت تاریخ اروپا ورق خورد.

از روز بعد مردم از دو سوی دیوار برای ویران کردن آن بنای شوم دست به کار شدند. دیواری که ۲۸ سال شهروندان برلین شرقی را محاصره کرده و از آنها بیش از صد قربانی گرفته بود، دیگر چیزی نبود مگر بنایی مضحک، توده‌ای بی‌مصرف از سنگ و بتون.



پروژه قطار سریع‌السیر قم - اصفهان

## وام تبهکارانه از چین با بهره ۳۵ درصد برای پروژه غیراقتصادی و خطرناک قطار پرسرعت اما با ریل‌های فرسوده!

بی‌خاصیت کند: «عرض خطوط آهن ایران هزار و ۴۳۵ میلی‌متر است و عرض راه‌آهن چین و روسیه هزار و ۵۲۴ میلی‌متر. سال‌ها پیش برای آنکه بتوانیم قطار با سرعت بیشتر را روی خطوط راه‌آهن ایران به حرکت درآوریم، قطارهایی از روسیه اجاره کردیم و با تعویض بوژی قطار (گونه‌ای شاسی) سعی کردیم آن را برای حرکت روی خطوط ریل با عرض کمتر آماده کنیم، اما مشکلات فنی زیادی ایجاد شد و قطار مدام از ریل خارج می‌شد و به ناچار آن را پس دادیم. اگر قرار است قطار پرسرعت با این شرایط از چین به ایران بیاید و مشکلات فنی ایجاد شود، ممکن است تمام هزینه کلانی که برای این طرح انجام شده است، هدر برود و خوب بود مجریان این طرح در ابتدا قطارهای چینی پرسرعت را به صورت آزمایشی اجاره می‌کردند و بعد درباره دریافت این رقم کلان فاینانس تصمیم‌گیری می‌کردند.»

مهرداد تقی‌زاده معاون سابق حمل و نقل وزارت راه و شهرسازی هم معتقد است زیرساخت‌های استفاده از قطارهای سریع‌السیر هنوز در سیستم ریلی فرسوده ایران موجود نیست. مهرداد تقی‌زاده توضیح داده که «این پروژه تا دو سال پیش در خط نقشه‌برداری بود و روی همان نقشه هم اختلافات زیادی وجود داشت. پروژه قطار سریع‌السیر گرفتاری‌های زیادی دارد و استانداردهای پیچیده و ایمنی بالایی می‌طلبد که در حد ایمنی پرواز هواپیماست. همچنین این قطارهای امکانات نرم‌افزاری پیچیده و نیروی انسانی بسیار ماهر می‌طلبد و نیاز به مهندسی و نگهداری پیچیده‌ای دارند، اما تقریباً هیچیک از این امکانات در خطوط ریلی فرسوده ایران وجود ندارد و به همین دلیل طرح سال‌ها از مرحله نقشه‌برداری جلوتر نرفت.»

قطار سریع‌السیر قم- اصفهان بخشی از طرح بزرگتری بود که بر اساس آن قرار بود مسیر سریع‌السیر ریلی در محور تهران- قم- اصفهان احداث شود اما طی ۱۵ سال از زمان آغاز تا پارسل تنها ۵ درصد آن پیش رفته است.

به نظر می‌رسد در مراحل مختلف پروژه قطار پرسرعت قم- اصفهان و دریافت وام از چین و سپردن بخشی از کار به شرکت‌های چینی نیز رانت و رشوه و سود بسیاری نیز برای برخی «خودی»‌ها در کار بوده که پروژه‌ای غیراقتصادی و خطرناک را که سال گذشته مجلس شورای اسلامی به دنبال متوقف کردن آن بود، حالا با وام کلان چین فعال شده است! خردادماه ۱۴۰۰ کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی خبر از آغاز بررسی برای توقف این پروژه داده بود. اقبال شاکری عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی درباره طرح قطار سریع‌السیر تهران- قم- اصفهان گفته بود که نهایتاً کمیسیون عمران مجلس، این طرح را فاقد توجیهات لازم برای ادامه کار دانست و با ادامه اجرای این طرح

نگران نبود نقدبینگی نزد جمهوری اسلامی نیستند و نفت و گاز و منابع خام کشور را ضمانت وام گذاشته‌اند! این وام با بهره‌ای حدود ۳۵ درصد برای پروژه قطار پرسرعت قم- اصفهان دریافت شده در حالی که به گفته کارشناسان بخش حمل مسافری راه‌آهن زیان‌ده است و در عوض پروژه‌های ترانزیتی بسیار مهم و درآمدزا مانند راه‌آهن رشت- آستارا و راه‌آهن چابهار به زاهدان روی زمین مانده‌اند.

علیرضا صلواتی مجری طرح‌های زیربنایی وزارت راه و شهرسازی در استان اصفهان دریافت این وام را از چین تأیید کرده و گفته که اولین پروژه قطار سریع‌السیر ایران با فاینانس چینی‌ها به رقم ۱۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون یوان در آینده نزدیک به بهره‌برداری می‌رسد و بازپرداخت این فاینانس تا سال ۱۴۰۸ ادامه داشته و مبلغی حدود ۲۱ میلیارد و ۸۸۱ میلیون یوان برگشت داده می‌شود.

البته موضوع فقط دریافت وامی سنگین در شرایط بحرانی کنونی اقتصاد ایران و بازپرداخت با سود حدود ۳۵ درصدی نیست. این اقدام دولت حاشیه‌های دیگری از جمله افزایش ارزش یوان در ایران و تحمیل نیروی کار چینی به بازار کار ایران را هم دارد که خودش با بحران بیکاری دست و پنجه نرم می‌کند!

علیرضا صلواتی گفته که «پروژه تا کنون بارها عقب افتاده است و قیمت یوان با تأخیر در اجرای پروژه ۲۵ برابر شده و هزینه‌های اتمام طرح بطور چشمگیری بالا رفته است» و «چینی‌ها نه تنها منابع مالی این طرح را به صورت تسهیلات و وام فراهم کرده‌اند، بلکه برای اجرا و نظارت بر پروژه هم به ایران آمده و مشغول کار شده‌اند.»

محمود حشمتی مدیرکل سابق اداره ایمنی سیر حرکت شرکت راه‌آهن با «غیراقتصادی» خواندن این پروژه گفته که «در کشورهایی مانند ترکیه و عربستان که قطار پرسرعت راه افتاده، میلیون‌ها گردشگر خارجی و توریست وجود دارد و مسئله توجیه اقتصادی دارد، اما در ایران مسیر قم به اصفهان تا چه اندازه توجیه اقتصادی دارد؟!»

محمود حشمتی افزوده «زمانی که کریدر ترانزیتی بسیار مهم شمال به جنوب معطل بسیاری از زیرساخت‌های ناقص است، چرا باید هزینه‌ای به این سنگینی برای یک مسیر مسافری در اولویت باشد؟ گذشته از اینکه ایران در صنعت توریسم و جذب گردشگر خارجی توفیقی چندانی نداشته است، تورم بالا و کاهش قدرت خرید مسافران ایرانی، باعث شده حجم سفرهای داخلی نیز کاهش داشته باشد.»

اما توضیحات محمود حشمتی ابعاد نگران‌کننده دیگری را نیز مطرح می‌کند که نه تنها با جان مسافران بازی می‌شود بلکه ممکن است کل سرمایه‌گذاری و وام پُر بهره چین را

● جمهوری اسلامی با بهره سنگین ۳۵ درصدی این وام را به چینی‌ها بازپرداخت می‌کند و در ازای ۱۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون یوان قرار است ۲۱ میلیارد و ۸۸۱ میلیون یوان به چین برگرداند.

● «زمانی که کریدر ترانزیتی بسیار مهم شمال به جنوب معطل بسیاری از زیرساخت‌های ناقص است، چرا باید هزینه‌ای به این سنگینی برای یک مسیر مسافری در اولویت باشد؟»

● پروژه قطار سریع‌السیر گرفتاری‌های زیادی دارد و استانداردهای پیچیده و ایمنی بالایی می‌طلبد که در حد ایمنی پرواز هواپیماست. همچنین این قطارهای امکانات نرم‌افزاری پیچیده و نیروی انسانی بسیار ماهر می‌طلبد و نیاز به مهندسی و نگهداری پیچیده‌ای دارند، اما تقریباً هیچیک از این امکانات در خطوط ریلی فرسوده ایران وجود ندارد و به همین دلیل طرح سال‌ها از مرحله نقشه‌برداری جلوتر نرفت.»

● به نظر می‌رسد در مراحل مختلف پروژه قطار پرسرعت قم- اصفهان و دریافت وام از چین و سپردن بخشی از کار به شرکت‌های چینی نیز رانت و رشوه و سود زیادی برای برخی «خودی»‌ها در کار بوده است.

● هنوز مشخص نیست دریافت وامی با بهره زیاد از چین برای اجرای این پروژه در ذیل قرارداد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی با چین است یا نه؟!

در ادامه تبهکاری و ایران‌فروشی زیر سایه «نگاه به شرق»، جمهوری اسلامی برای یک پروژه غیراقتصادی و همچنین غیرضروری در شرایط تحریم، وامی کلان با مبلغ ۱۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون یوان از چین گرفته و «برادران کمونیست چین» هم قرار است با محاسبه سود آن، حدود ۲۱ میلیارد و ۸۸۱ میلیون یوان از ایران پس بگیرند. از سوی دیگر با تأخیر در اجرای پروژه قیمت یوان ۲۵ برابر شده و هزینه‌های اتمام طرح بطور چشمگیری بالا رفته است!

روزنامه شرق در گزارشی با عنوان «تله وام چین» به قلم مریم شکرانی از یکی دیگر از اقدامات تبهکارانه در روابط تجاری با چین پرده برداشته است. بر اساس این گزارش، دولت برای یک پروژه غیراقتصادی خود را بدهکار چین کرده و وامی به مبلغ ۱۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون یوان از چین گرفته است.

جمهوری اسلامی در مقابل متعهد شده با بهره سنگین ۳۵ درصدی این وام را به چینی‌ها بازپرداخت کند بطوری که در ازای ۱۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون یوان قرار است ۲۱ میلیارد و ۸۸۱ میلیون یوان به چین برگرداند. با توجه به شرایط ناپایداری اقتصاد ایران، چینی‌ها همه جوانب را سنجیده و

اقبال شاکری افزوده بود که «به وزارت راه و شهرسازی اعلام شد که باید این پروژه متوقف شود. به علت عدم مدیریت درست در این طرح و از دست رفتن فرصت و سرمایه کشور بنده پیشنهاد دادم که تحقیق و تفحص از این طرح در وزارت و راه شهرسازی کلید بخورد.»

مدتی بعد اما عباس خطیبی معاون وقت ساخت و توسعه راه آهن در شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل کشور، خبر از عدم حذف این پروژه داد و گفت: «فعلاً ساخت این پروژه منتفی نشده است، سیاستی که وزارت راه و شهرسازی دنبال می کند سبک کردن بخشی هایی از این پروژه است تا هزینه های احداث آن کاهش یابد.»

در نهایت آبان سال گذشته خبر رسید که تهران از پروژه مسیر ریلی پر سرعت تهران - قم - اصفهان حذف شده است. مسعود میرکامی رئیس سازمان برنامه و بودجه گفته بود که حذف تهران به کاهش هزینه ها منجر و امکان عملیاتی شدن پروژه و بهره برداری آن تا سال ۱۴۰۳ را خواهد داد.

هنوز مشخص نیست دریافت وامی با بهره زیاد از چین برای اجرای این پروژه در ذیل قرارداد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی با چین است یا نه؟! قرارداد ۲۵ ساله سال گذشته در حوزه های مختلف تجاری،

عمرانی، صنعتی، نظامی و امنیتی پس از پنج سال مذاکره پنهانی میان رژیم اسلامی ایران و حکومت کمونیست چین امضا شد. هر چند متن این قرارداد هیچوقت از سوی دو کشور منتشر نشد اما جزئیات منتشر شده از آن نشان از خیانت بزرگ جمهوری اسلامی به منافع عمومی مردم و کشور دارد. این قرارداد که به «ایران فروشی» معروف شده ایران را به یکی از پتانسیل های بهره برداری اقتصادی چین تبدیل کرده است. وبسایت «اوایل پرایس» گزارش داده بود که بخشی از قرارداد به سرمایه گذاری ۱۲۰ میلیارد دلاری برای ارتقای زیرساخت های حمل و نقل طی یک دوره پنج ساله است و مانند قرارداد نفت، گاز و پتروشیمی در صورت موافقت هر دو طرف، در هر دوره پنج ساله بعدی افزایش می یابد. در مقابل، یکی از امتیازهایی که به چین داده خواهد شد اینست که شرکت های چینی گزینه و اولویت اول برای پیمانکاری همه پروژه های نفتی، گازی و پتروشیمی جدید، نیمه کاره و یا متوقف شده در ایران در طول ربع قرن این قرارداد خواهند بود.

وبسایت «اوایل پرایس» در ادامه به تخفیف های نفتی به چین طی ۲۵ سال بر اساس این قرارداد خبر داده و نوشته که چین قادر خواهد بود هرگونه محصولات نفتی، گازی و پتروشیمی را با حداقل تخفیف تضمینی ۱۲ درصد به میانگین قیمت متوسط ۶ ماهه آن محصول خریداری کند. در این گزارش تأکید شده بود که با توجه به نرخ تبدیل ارزهای ضعیف دریافتی از چین به ارزهای قوی که ایران می تواند از بانک های غربی دوست خود دریافت کند، تخفیف ۸ تا ۱۲ درصدی دیگر نیز مشمول چین خواهد شد. این به معنای آنست که چین در مجموع از تخفیف ۳۲ درصدی برای خرید نفت، گاز و محصولات پتروشیمی از جمله بنزین و مواد معدنی، طی ۲۵ سال آینده برخوردار خواهد بود.

این گزارش افزوده بود که حضور نظامی چین در ایران بخش دیگری از این قرارداد است. بر اساس این قرارداد ۲۵ ساله، بخشی از همکاری سه جانبه نظامی میان ایران و چین و روسیه، در تبادل نیروهای نظامی است. قرار است سالانه ۱۱۰ افسر ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای آموزش به پکن و مسکو بروند و در مقابل ۱۱۰ مستشار چینی و روسی برای آموزش در ایران مستقر می شوند.

## بازداشت معترضان پیش از برگزاری تجمع!

### یکی از کارکنان وزارت کشاورزی: «جهاد کشاورزی» سنگر نمادین و معنوی نظام در دستگاه اداری است!



و برخی بازداشت شدند. اکثر معترضان پس از انتقال به نقاط مختلف شهر تهران و اخذ تعهد از آنان مبنی بر اینکه دیگر در هیچ تجمعی شرکت نخواهند نمود، پس از پایان وقت اداری آزاد شدند. حتی تعدادی از کارکنان این وزارتخانه که در اعتراض به این اقدام غیرقانونی پلیس و با استناد به قانون اساسی، بر حق خود برای تجمع مسالمت آمیز تأکید نمودند، مورد رفتار خشونت آمیز مأموران امنیتی قرار گرفته و به مکان نامشخصی منتقل شدند. این شاهد می گوید اینقدر اتوبوس و مینی بوس برای بازداشت معترضان آورده بودند و شمار بازداشت شدگان آنقدر زیاد بوده که ترافیک و راهبندان سنگینی در خیابان های اطراف ایجاد شده بود. این کارمند معترض وزارت جهاد کشاورزی به کیهان لندن می گوید: «وزارت جهاد سازندگی یکی از وزارتخانه های نمادین جمهوری اسلامی است که به دستور خمینی تشکیل شد و از ابتدا، تندروترین و متعصب ترین هواداران رژیم را در خود جای داده بود. در سال های اخیر کارکنان این وزارتخانه به دفعات در اعتراض به پایین بودن حقوق خود تجمعات اعتراضی برگزار نموده اند که خواسته های آنان با بی اعتنایی کامل مواجه شد و به همین دلیل هم تجمع اعتراضی امروز دارای ابعاد بسیار گسترده و بی سابقه ای بوده است. این تجمع اعتراضی می توانست تبعات سنگینی برای رژیم داشته باشد، چرا که اگر مشخص می شد این وزارتخانه به عنوان فرزند معنوی خمینی نیز از رژیم روی برگردانده، رسوایی بی سابقه ای پیش می آمد و بر همگان مسلج می شد آخرین و سبلیک ترین سنگر اداری رژیم جمهوری اسلامی نابود و نظام از درون در حال تلاشی شدن است.»

وزارت کشاورزی که پس از انقلاب به «جهاد کشاورزی» تغییر نام داد از این نظر برای رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی اهمیت داشت که موضوع «کشاورزی» برای وی با سیستم فئودالی قرون وسطایی که بند ناف ذهنیت و تفکر حکومت اسلامی به آن متصل است، گره خورده! جمهوری اسلامی شعار «خودکفایی» را نیز عمدتاً در رابطه با «کشاورزی» مطرح کرد. غافل از اینکه کشاورزی نیز در جهان مدرن ویژگی های خود را در دارد و با سیاست های «جهادی» نمی توان از زمین و خاک به همان خمس و زکاتی رسید که زمانی ملایان از زمینداران بزرگ و خرده مالکان دریافت می کردند تا برای دهقانان تنگدست و نیازمند کاغذ دعا بپیچند! نتیجه این شد که کشاورزی نیز مانند دیگر عرصه های اقتصادی در طول چهار دهه با میکیدن شیرهی جان زمین به قهقرا رفت و در آستانه ی نابودی قرار گرفت. حالا کارکنان این وزارتخانه نیز مانند هزاران کارمند پدنه ی فربه ی دولت اسلامی با مشکلات معیشتی دست و پنجه نرم می کنند و وقتی می خواهند دست به اعتراض بزنند، پیشاپیش بازداشت می شوند تا کسی نبیند که کارمندان «جهاد کشاورزی» نیز مجبور به «جهاد» برای حقوق خود شده اند!

● نیروهای نیروی انتظامی و پلیس ضد شورش ساعت ها قبل از شروع این تجمع اعتراضی در هماهنگی قبلی با وزارت اطلاعات در محل مستقر شده بودند و اکثر شرکت کنندگان را بازداشت کردند.

● وزارت کشاورزی که پس از انقلاب به «جهاد کشاورزی» تغییر نام داد از این نظر برای رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی اهمیت داشت که موضوع «کشاورزی» برای وی با سیستم فئودالی قرون وسطایی که بند ناف ذهنیت و تفکر حکومت اسلامی به آن متصل است، گره خورده است!

● یکی از کارکنان این وزارتخانه به کیهان لندن می گوید «اگر مشخص می شد این وزارتخانه به عنوان فرزند معنوی خمینی نیز از رژیم روی برگردانده، رسوایی بی سابقه ای پیش می آمد و بر همگان مسلج می شد آخرین و سبلیک ترین سنگر اداری رژیم جمهوری اسلامی نابود و نظام از درون در حال تلاشی شدن است.»

روز سه شنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۱ به دنبال تجمع اعتراضی کارکنان وزارت جهاد کشاورزی در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی، همه شرکت کنندگان در تجمع بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

افزایش بیش از ۱۰ درصدی حقوق، یکسان سازی و همسان سازی با سایر وزارتخانه ها و عدم تبعیض حقوقی میان ادارات دولتی و عمومی از جمله خواسته های حقوقی است که سبب تجمع اعتراضی کارمندان شده است.

خرگزاری اینها به نقل از یکی از معترضان نوشته که «بسیاری از همکاران ما با ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه و مدرک کارشناسی ارشد قرار است با ۶ تا ۱۶ میلیون تومان دریافتی بازنشست شوند. آنها می گویند با تورم موجود نمی توان با این حقوق زندگی کرد.» کارکنان معترض وزارت جهاد کشاورزی می گویند: «بسیاری از وزارتخانه ها در سطوح مشابه، دریافتی و حقوق بالاتری دارند و این دریافتی ها به همراه افزایش مزایای ریالی، باعث فاصله زیاد میان دریافتی کارکنان وزارت جهاد کشاورزی و سایر وزارتخانه ها شده است.»

یکی از معترضان در گفتگو با کیهان لندن با بیان اینکه تجمع کارکنان وزارت جهاد کشاورزی با بازداشت تقریباً همه کارکنان معترض پایان یافته، می گوید «این اقدام در تاریخ تجمعات کارکنان این وزارتخانه بی سابقه بوده است.»

او توضیح داده که «کارکنان وزارت جهاد کشاورزی که در اعتراض به پایین بودن حقوق، روز سه شنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۱ از سراسر کشور یک تجمع اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی ترتیب داده و از شهرهای دوردست با اتوبوس عازم تهران شده بودند، از نقاط مختلف شهر تهران سوار اتوبوس و مترو شدند، غافل از اینکه قرار است پیش از رسیدن به مقصد و بدون سر دادن حتی یک شعار، بازداشت شوند!»

به گفته این منبع آگاه «مأموران نیروی انتظامی و پلیس ضد شورش ساعت ها قبل از شروع تجمع اعتراضی با هماهنگی قبلی با وزارت اطلاعات در محل مستقر شده و تعداد بسیار زیادی خودرو مخصوص در خیابان ها پارک کرده بود و هر کدام از کارکنان که در ایستگاه بهارستان و ایستگاه های مترو و اتوبوس منتهی به محل پیاده می شد، مورد پرسش قرار می گرفت و در صورتی که از کارکنان وزارت جهاد کشاورزی بود، بلافاصله بازداشت و به مینی بوس ها و اتوبوس های نهادهای امنیتی منتقل می شد.» او در ادامه به کیهان لندن گفته که «کارمندان ساکن سایر شهرها که با اتوبوس عازم تهران شده بودند نیز به محض پیاده شدن از اتوبوس بین شهری، با هجوم موتورسواران ضد شورش مواجه شده و بعضی با اعمال زور و تهدید به اتوبوس ها بازگردانده شده

بیانیه ۲۸۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های

ایران و آلمان به مناسبت ۱۸ تیر:

# به شاهزاده رضا پهلوی اعتماد داریم و از او حمایت می‌کنیم



● ما امضاکنندگان این نامه ضمن گرامیداشت یاد و خاطره همه‌ی جانب‌اختگان راه آزادی در ایران اعلام می‌کنیم که شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان نمادی ملی در جریان گذار از جمهوری جهل و ظلم اسلامی، به رسمیت می‌شناسیم؛ به او اعتماد داریم و از او حمایت می‌کنیم.

۱۸ تیر دیگری در راه است؛ روزی که برای ما دانشجویان نمادی از مبارزه برای گذار از جمهوری اسلامی است. اما ۱۸ تیرماه امسال در حالی فرا می‌رسد که جنبش ایرانی برای رهایی از جمهوری اسلامی بیش از گذشته فراگیر شده است.

دانشجویان دوشادوش دیگر گروه‌های اجتماعی همواره مطالبات آزادیخواهانه مردم ایران را فریاد زده و علیرغم همه سرکوب‌ها و فشارها و با فراز و فرودهای بسیار اما همواره در کنار مردم ایران باقی مانده و خواهند ماند. حال مدت‌هاست که تشنه ناکارآمدی حکومت جمهوری اسلامی فروافتاده و راهی جز تغییر کلی و بنیادی نظام سیاسی حاکم بر ایران، باقی نمانده است؛ اعتراض‌های گسترده در سال‌های اخیر نیز به خوبی گویای این واقعیت است که اکثریت بزرگی از مردم ایران نیز به این نتیجه رسیده‌اند که ایران آزاد و آباد در مسیر توسعه و آرامش، تنها با عبور از جمهوری اسلامی- این حکومت ایران ویران‌کن- تحقق‌پذیر خواهد شد.

ما امضاکنندگان این نامه ضمن گرامیداشت یاد و خاطره همه‌ی جانب‌اختگان راه آزادی در ایران اعلام می‌کنیم که شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان نمادی ملی در جریان گذار از جمهوری جهل و ظلم اسلامی، به رسمیت می‌شناسیم؛ به او اعتماد داریم و از او حمایت می‌کنیم.

به امید روزی هستیم که دوباره ایران‌مان آزاد و آباد خواهد شد. روزی که باور داریم نه دور است و نه دیر! تیرماه ۱۴۰۱

\*[به کوشش «موسسه ترویج جامعه باز» در آلمان تهیه و منتشر می‌شود. اسامی کامل امضاکنندگان به علت مسائل امنیتی در موسسه محفوظ است.]

- ۱- ا.ل- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
- ۲- ا.و- دانشگاه هنر تهران
- ۳- ا.ب- دانشگاه علم و صنعت
- ۴- ا.ک- دانشگاه علم و صنعت
- ۵- ا.ت.م- دانشگاه علم و صنعت
- ۶- ا.ب- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
- ۷- ا.ش- دانشگاه صنعتی اصفهان

- ۸- ا.ج- دانشگاه علم و صنعت
- ۹- ا.ش.م- دانشگاه علم و صنعت
- ۱۰- ا.ا- دانشگاه علم و صنعت
- ۱۱- ا.م- دانشگاه صنعتی سهند
- ۱۲- ا.ک- دانشگاه شیراز
- ۱۳- ا.ک- دانشگاه مازندران
- ۱۴- ا.م- دانشگاه صنعتی شاهرود
- ۱۵- ا.آ- دانشگاه علم و صنعت
- ۱۶- ا.ن- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
- ۱۷- ا.ن- دانشگاه علم و صنعت
- ۱۸- ا.خ- دانشگاه علم و صنعت
- ۱۹- ا.ف- دانشگاه علم و صنعت
- ۲۰- آ.ا- دانشگاه علم و صنعت
- ۲۱- آ.ع- دانشگاه خواجه نصیر
- ۲۲- آ.ش- دانشگاه شریف
- ۲۳- آ.م- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
- ۲۴- آ.ج.ت- دانشگاه علم و صنعت
- ۲۵- آ.روین رستمی- دانشگاه توبینگن
- ۲۶- آ.طن- دانشگاه شریف
- ۲۷- آ.ا.ف- دانشگاه لودویگ ماکسیمیلیان مونیخ
- ۲۸- آ.خ.پ- دانشگاه شیراز
- ۲۹- ب.م- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
- ۳۰- ب.ل- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۳۱- ب.ص- دانشگاه علم و صنعت
- ۳۲- ب.ش.ز- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۳۳- ب.م- دانشگاه علم و صنعت
- ۳۴- پ.ش- دانشگاه شیراز
- ۳۵- پ.د.رام ابراهیمی- دانشگاه TUM مونیخ
- ۳۶- پ.م- دانشگاه تهران
- ۳۷- پ.ب- دانشگاه صنعتی شاهرود
- ۳۸- پ.م- دانشگاه صنعتی شاهرود
- ۳۹- پ.خ- دانشگاه علم و صنعت
- ۴۰- پیام قاسلمو- دانشگاه کلاوستال
- ۴۱- ت.ک- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۴۲- ت.م- دانشگاه خواجه نصیر
- ۴۳- ت.ی- دانشگاه توبینگن
- ۴۴- تانیا کلیچی- دانشگاه توبینگن
- ۴۵- ت.م.ز- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۴۶- ث.ا- دانشگاه صنعتی سهند
- ۴۷- ث.ب- دانشگاه صنعتی سهند
- ۴۸- ج.ع- دانشگاه علم و صنعت
- ۴۹- جمشید روزبهانی- دانشگاه کلاوستال
- ۵۰- ج.غ- دانشگاه صنعتی سهند
- ۵۱- ج.ف.ا- دانشگاه علم و صنعت
- ۵۲- ج.خ- دانشگاه علم و صنعت
- ۵۳- ح.ک- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
- ۵۴- حامد نیکوروش- دانشگاه کلاوستال
- ۵۵- ح.ب.پ- دانشگاه شریف
- ۵۶- ح.ا- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
- ۵۷- ح.ج- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۵۸- ح.م- دانشگاه علم و صنعت
- ۵۹- ح.ن- دانشگاه صنعتی سهند
- ۶۰- ح.ش.ف- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۶۱- ح.ر- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۶۲- خ.ب- دانشگاه علم و صنعت
- ۶۳- خ.م- دانشگاه شریف
- ۶۴- خ.م.د- دانشگاه علم و صنعت
- ۶۵- د.ز- دانشگاه علم و صنعت
- ۶۶- د.ش- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
- ۶۷- د.ط- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
- ۶۸- د.ر- دانشگاه هنر تهران
- ۶۹- د.گ- دانشگاه مازندران
- ۷۰- دن- دانشگاه پزشکی ایران
- ۷۱- دی.ا- دانشگاه شیراز
- ۷۲- ر.ذ- دانشگاه صنعتی سهند
- ۷۳- ر.ص- دانشگاه صنعتی سهند
- ۷۴- ر.پ- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۷۵- ر.ف- دانشگاه تهران
- ۷۶- رضا احمدی- دانشگاه فولدا
- ۷۷- ر.پ.م- دانشگاه صنعتی سهند
- ۷۸- ر.د- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۷۹- ر.د- دانشگاه صنعتی شاهرود
- ۸۰- ر.ص- دانشگاه علم و صنعت
- ۸۱- ر.ه- دانشگاه علم و صنعت
- ۸۲- ر.م.ز- دانشگاه علم و صنعت
- ۸۳- ر.ق- دانشگاه شهید بهشتی
- ۸۴- رویا ابراهیمی- فرد- دانشگاه دوسلدورف
- ۸۵- ز.ب- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۸۶- ز.ک- دانشگاه تهران
- ۸۷- ز.ک- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
- ۸۸- ز.م- دانشگاه صنعتی سهند
- ۸۹- ز.ه- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
- ۹۰- ز.د- دانشگاه صنعتی شاهرود
- ۹۱- ز.ر.ن- دانشگاه صنعتی شاهرود
- ۹۲- ژ.خ- دانشگاه علم و صنعت
- ۹۳- ژ.م- دانشگاه تهران
- ۹۴- ژ.م- دانشگاه هنر تهران
- ۹۵- س.غ- دانشگاه هنر تهران
- ۹۶- الینا مفید- دانشگاه فولدا
- ۹۷- س.ح- دانشگاه ابوعلی سینا همدان





۶۰	ف.ح.ر- دانشگاه شریف	۲۲۳	م.ص- دانشگاه صنعتی سهند
۱۶۱	ف.ن.پ- دانشگاه تهران	۲۲۴	م.ا- دانشگاه علم و صنعت
۱۶۲	ف.ن- دانشگاه علم و صنعت	۲۲۵	م.ش- دانشگاه تهران
۱۶۳	ف.س.ج- دانشگاه علم و صنعت	۲۲۶	م.ی- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
۱۶۴	ف.پ- دانشگاه صنعتی شاهرود	۲۲۷	م.ک- دانشگاه صنعتی سهند
۱۶۵	فرزانه شکوری- دانشگاه اتریش	۲۲۸	م.ص- دانشگاه علم و صنعت
۱۶۶	ف.م- دانشگاه صنعتی اصفهان	۲۲۹	م.م- دانشگاه صنعتی سهند
۱۶۷	ف.گ- دانشگاه صنعتی سهند	۲۳۰	م.ط- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
۱۶۸	ف.خ- دانشگاه صنعتی سهند	۲۳۱	م.ا- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
۱۶۹	فرهاد فروتن- دانشگاه فولدا	۲۳۲	م.ا.ر.م- دانشگاه شیراز
۱۷۰	ف.ی- دانشگاه صنعتی سهند	۲۳۳	م.ب- دانشگاه صنعتی شاهرود
۱۷۱	ف.ج.و- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۳۴	م.ج.س.ف- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
۱۷۲	ف.م- دانشگاه صنعتی شاهرود	۲۳۵	م.ج.ر- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
۱۷۳	ف.م- دانشگاه علم و صنعت	۲۳۶	م.ج.ا- دانشگاه علم و صنعت
۱۷۴	ف.ح.آ.ب- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر	۲۳۷	م.ح.ش- دانشگاه تهران
۱۷۵	ف.س- دانشگاه تهران	۲۳۸	م.ح.ع- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
۱۷۶	ف.س- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۳۹	م.ر.ص- دانشگاه صنعتی سهند
۱۷۷	ف.ج- دانشگاه مازندران	۲۴۰	م.ش- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
۱۷۸	ف.پ- دانشگاه صنعتی شاهرود	۲۴۱	م.ش- دانشگاه شیراز
۱۷۹	ف.ا- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر	۲۴۲	م.ف.گ- دانشگاه علم و صنعت
۱۸۰	ق.ت- دانشگاه علم و صنعت	۲۴۳	م.ک- دانشگاه علم و صنعت
۱۸۱	ق.ا- دانشگاه علم و صنعت	۲۴۴	م.م- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
۱۸۲	ک.ج- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۴۵	م.ر.ا- دانشگاه مازندران
۱۸۳	ک.ن- دانشگاه تهران	۲۴۶	م.م.ک- دانشگاه شیراز
۱۸۴	ک.ق.ز- دانشگاه صنعتی سهند	۲۴۷	م.ج- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
۱۸۵	ک.پ.ر- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۴۸	م.م- دانشگاه علم و صنعت
۱۸۶	ک.ح- دانشگاه علم و صنعت	۲۴۹	م.ع- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
۱۸۷	ک.س- دانشگاه هنر تهران	۲۵۰	م.خ- دانشگاه شیراز
۱۸۸	ک.ج.ا- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر	۲۵۱	م.ک.م- دانشگاه شیراز
۱۸۹	ک.م- دانشگاه شیراز	۲۵۲	م.پ.ر- دانشگاه علم و صنعت
۱۹۰	ک.م- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر	۲۵۳	م.ت.ا- دانشگاه شریف
۱۹۱	ک.م.ف- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر	۲۵۴	م.س- دانشگاه شیراز
۱۹۲	ک.ع- دانشگاه علم و صنعت	۲۵۵	م.و- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
۱۹۳	ک.م- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۵۶	م.ب.م- دانشگاه هنر تهران
۱۹۴	ک.م- دانشگاه مازندران	۲۵۷	م.ا- دانشگاه صنعتی سهند
۱۹۵	ک.م- دانشگاه صنعتی سهند	۲۵۸	م.ق- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
۱۹۶	ک.ح.ف- دانشگاه علم و صنعت	۲۵۹	م.م- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
۱۹۷	ک.س.ر- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۶۰	م.آن- دانشگاه هنر تهران
۱۹۸	ک.ن.ز- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر	۲۶۱	م.ا.م- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
۱۹۹	ک.پ.ن- دانشگاه علم و صنعت	۲۶۲	م.ا- دانشگاه صنعتی شاهرود
۲۰۰	ک.م- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۶۳	م.ش- دانشگاه صنعتی شاهرود
۲۰۱	ک.آ- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۶۴	م.ا- دانشگاه صنعتی سهند
۲۰۲	گ.ب.م- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر	۲۶۵	م.ج.پ- دانشگاه علم و صنعت
۲۰۳	گ.غ.ن- دانشگاه شیراز	۲۶۶	م.خ- دانشگاه صنعتی سهند
۲۰۴	ل.س- دانشگاه صنعتی سهند	۲۶۷	م.م- دانشگاه صنعتی شاهرود
۲۰۵	م.آن- دانشگاه علم و صنعت	۲۶۸	ن.ج.پ- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
۲۰۶	م.ب- دانشگاه علم و صنعت	۲۶۹	ن.س- دانشگاه علم و صنعت
۲۰۷	م.ب- دانشگاه علم و صنعت	۲۷۰	ن.ش- دانشگاه علم و صنعت
۲۰۸	م.ک- دانشگاه علم و صنعت	۲۷۱	ن.ن- دانشگاه صنعتی شاهرود
۲۰۹	م.و- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۷۲	ن.ش- دانشگاه صنعتی سهند
۲۱۰	م.ه- دانشگاه علم و صنعت	۲۷۳	ن.س- دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۲۱۱	م.ک- دانشگاه صنعتی سهند	۲۷۴	ن.ا.م- دانشگاه تهران
۲۱۲	م.خ- دانشگاه صنعتی سهند	۲۷۵	ن.ز- دانشگاه علم و صنعت
۲۱۳	م.خ- دانشگاه علم و صنعت	۲۷۶	ن.ک- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
۲۱۴	م.د- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۷۷	و.ن- دانشگاه خواجه نصیر
۲۱۵	م.ر- دانشگاه صنعتی سهند	۲۷۸	ه.ر- دانشگاه علم و صنعت
۲۱۶	م.ش- دانشگاه هنر تهران	۲۷۹	ه.پ.م- دانشگاه صنعتی سهند
۲۱۷	م.ف- دانشگاه تهران	۲۸۰	ه.م- دانشگاه شهید بهشتی
۲۱۸	م.ط- دانشگاه مازندران	۲۸۱	ه.م- دانشگاه هنر تهران
۲۱۹	م.ج- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر	۲۸۲	ه.و.م- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
۲۲۰	م.ز- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر	۲۸۳	ه.خ- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر
۲۲۱	م.ر- دانشگاه ابوعلی سینا همدان	۲۸۴	ا.پ.ا- دانشگاه ابوعلی سینا همدان
۲۲۲	م.ش- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر	۲۸۵	ی.ک- دانشگاه صنعتی سهند
۹۸	س.ا- دانشگاه صنعتی سهند		
۹۹	س.ک.پ- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۰۰	س.گ- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۰۱	س.خ- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۰۲	س.ق- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۰۳	س.ا.ی- دانشگاه علم و صنعت		
۱۰۴	س.م- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۰۵	س.گ- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۰۶	س.ه.ن- دانشگاه خواجه نصیر		
۱۰۷	س.ش- دانشگاه هنر تهران		
۱۰۸	س.ح.ن- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۰۹	س.ش- دانشگاه مازندران		
۱۱۰	س.ش- دانشگاه مازندران		
۱۱۱	س.م- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۱۲	س.ب- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر		
۱۱۳	س.م.ق- دانشگاه علم و صنعت		
۱۱۴	س.آ- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۱۵	س.ا- دانشگاه مازندران		
۱۱۶	س.خ- دانشگاه صنعتی شاهرود		
۱۱۷	ش.ک- دانشگاه علم و صنعت		
۱۱۸	ش.ک- دانشگاه علم و صنعت		
۱۱۹	ش.م- دانشگاه علم و صنعت		
۱۲۰	ش.ت- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۲۱	ش.س- دانشگاه علوم پزشکی مازندران		
۱۲۲	ش.ک- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۲۳	ش.ع- دانشگاه پزشکی ایران		
۱۲۴	ش.ش- دانشگاه توبینگن		
۱۲۵	ش.ش- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۲۶	ش.گ.پ- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر		
۱۲۷	ش.ج.م- دانشگاه علم و صنعت		
۱۲۸	ش.ب- دانشگاه علم و صنعت		
۱۲۹	ش.خ- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر		
۱۳۰	ش.ق- دانشگاه تهران		
۱۳۱	ش.س- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۳۲	ش.ک.ز- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۳۳	ش.ج- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۳۴	ص.ن- دانشگاه خواجه نصیر		
۱۳۵	ص.ف- دانشگاه علم و صنعت		
۱۳۶	ص.م- دانشگاه مازندران		
۱۳۷	ص.ق- دانشگاه خواجه نصیر		
۱۳۸	ص.ط- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۳۹	ص.ز- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۴۰	ع.ث- دانشگاه علم و صنعت		
۱۴۱	ع.م- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۴۲	ع.م.ن- دانشگاه علم و صنعت		
۱۴۳	ع.ا- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر		
۱۴۴	ع.ت- دانشگاه صنعتی شاهرود		
۱۴۵	ع.ح.م- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۴۶	ع.ر.ق- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۴۷	ع.ف- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۴۸	ع.ک- دانشگاه هنر تهران		
۱۴۹	ع.م.م- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۵۰	ع.ذ- دانشگاه خواجه نصیر		
۱۵۱	ع.آ.خ- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۵۲	ع.ف- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۵۳	ع.ق- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۵۴	ع.س- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر		
۱۵۵	ف.ک- دانشگاه ابوعلی سینا همدان		
۱۵۶	ف.ک- دانشگاه علم و صنعت		
۱۵۷	ف.ر- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۵۸	ف.م- دانشگاه صنعتی سهند		
۱۵۹	ف.ن- دانشگاه (پلی تکنیک) امیرکبیر		

مشکلات صنفی و رفاهی اینترن‌ها» از جمله مطالبات این دانشجویان عنوان شد.

همزمان کارگران سد شفاورد واقع در شهرستان رضوانشهر، در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌هایشان و پرداخت نشدن هفت ماه حقوق، در مقابل ورودی ساختمان فرمانداری دست به تجمع زدند.

شماره از اعضای تعاونی مسکن دانشگاه پزشکی زنجان، در مقابل ساختمان اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع کردند. این شهروندان ضمن سردادن شعارهای اعتراضی، «رویکرد منفعت‌طلبانه هیات مدیره و عملکرد خلاف قانون اداره تعاون» را از دلایل برگزاری این تجمع عنوان کردند.

این تجمعات در حالی هر روز در شهرهای مختلف ایران و از سوی اصناف مختلف، کارگر، آموزگار، بازنشسته، تولیدکننده، مالباخته، دانشجوی و بازاری برقرار می‌شود که روزنامه «همشهری» در گزارشی به «عادی‌سازی» مشکلات معیشتی مردم پرداخته و مدعی شده مردم ایران فقر و فلاکت را پذیرفته‌اند!

در این گزارش که دوشنبه سیزدهم تیرماه منتشر شده آمده که «دولتمردان این روزها از بهبود وضعیت اقتصادی می‌گویند. مردم دلایل گرانی‌ها را می‌دانند، یارانه متناسب با آن را دریافت کرده‌اند و در ضمن چشم امید به آینده اقتصاد کشور دوخته‌اند.»

در ادامه نیز آمده است که «ماجرای گران شدن بنزین در آبان ۹۸ با افزایش قیمت کالاهای اساسی در اردیبهشت امسال را مقایسه کنید. منطق آن گرانی آبان ۹۸ به مردم توضیح داده نشد، اقبال عمومی صورت نگرفت و امیدی هم به آینده وجود نداشت، برای همین آتش خشمی در کف خیابان شعله‌ور شد که معاندان نظام هم بر آن دمیدند اما در ماجرای افزایش قیمت کالاهای اساسی، با اینکه ابعاد گسترده‌تر و وسیع‌تری برای سفره مردم داشت به ناآرامی در کف خیابان منجر نشد، چون هم مردم نسبت به این افزایش قیمت قانع شدند و هم پذیرفتند که آن اقتصاد ویران شده در ۸ سال گذشته، در حال بازسازی است!»

برخلاف آنچه روزنامه حکومتی «همشهری» ادعا کرده که گویا مردم «گرانی» را پذیرفته‌اند، اعتراضات گروه‌های مختلف جامعه همچنان در جریان است.

کارکنان رسمی صنعت نفت امروز چهارشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای تهدید کرده‌اند که اگر دستمزدهایشان افزایش نیابد و دیگر خواست‌های حقوقی آنان مورد توجه مقامات قرار نگیرد از هفته دوم امرداد دست به اعتصاب خواهند زد. متن کامل بیانیه جمعی از کارکنان رسمی صنعت نفت ایران را در ادامه می‌خوانید:

با توجه به گرانی‌ها و بالا رفتن سرسام‌آور قیمت اجناس و نرخ تورم، افزایش حقوق اولین خواست و مطالبه ماست. حقوق پایه هیچ کارگر رسمی‌ای نباید از ده میلیون و کل دریافتی از ۲۵ میلیون کمتر باشد.

ما خواهان اجرای کامل ماده ده قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و محاسبه پرداخت پی‌بک آن از زمان تصویب این قانون هستیم.

ما خواهان ارتقای پایه سمت‌های سازمانی هستیم ←



اعتصاب کارکنان مخابرات در ایلام / چهارشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۱

سونگون در شهرستان ورزقان استان آذربایجان شرقی به دلیل تبعیض در حقوق و مزایا بین پرسنل رسمی و پیمانکاری دست به اعتصاب زدند.

کارگران این معدن می‌گویند به دلیل بی‌توجهی مسئولان شرکت مس ایران و مسئولان این معدن به همسان‌سازی حقوق خود و به قول‌های داده شده در مورد کارگران این معدن اعتصاب کرده و از روز گذشته ورودی معدن را بسته‌اند. بر اساس گزارش‌ها، مدیران معدن پس از آنکه کارگران اعتصاب‌کننده راه ورود به معدن را بستند، دستور دادند تا آب به روی کارگرانی که در محوطه معدن اعتصاب کرده‌اند بسته شود!

کارکنان رسمی مخابرات در چند استان ایران از جمله استان‌های ایلام و چهارمحال و بختیاری نیز امروز تجمع و اعتصاب کردند. این کارکنان در اعتراض به کاهش و حذف دستوری حق جذب و پرداخت نشدن کمک هزینه‌های رفاهی از ساعت ۸ صبح دست از کار کشیدند.

شماره از مرغداران نیز صبح امروز چهارشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۱ در اعتراض به کمبود و گرانی نهاده‌های دامی و فساد در واردات نهاده‌های دامی در وزارت جهاد کشاورزی در تهران تجمع کردند.

معترضان شعارهای «وزیر آدم‌فروش! استعفاء استعفاء»، «وزیر بی لیاقت استعفاء استعفاء» علیه رضا ساداتی‌نژاد وزیر کشاورزی دولت سیزدهم سر دادند.

کارمندان شهرداری ویسپان در اعتراض به ماه‌ها عدم پرداخت حقوق و بی‌توجهی مدیران به خواست‌های حقوقی خود با زدن قفل بر دروازه شهرداری آن را به صورت نمادین پلمب کردند. روز گذشته سه‌شنبه چهاردهم تیرماه نیز دست‌کم ۱۰ تجمع اعتراضی بزرگ در شهرهای مختلف ایران برگزار شد.

برای نمونه روز گذشته جمعی از دانشجویان کارورز (اینترن) دانشگاه علوم پزشکی «شهید صدوقی» یزد، در محل این دانشگاه اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. «اصلاح مصوبه آموزشی در خصوص پرداخت کارانه کرونا، افزایش کمک هزینه تحصیلی، پرداخت معوقات، به رسمیت شناختن

## برخلاف ادعای روزنامه حکومتی، فقر «عادی» نشده و اعتراضات ادامه دارد؛ مهلت کارگران رسمی صنعت نفت به مسئولان: تا پنجم امرداد فرصت دارید!

«اینهمه بی‌عدالتی، هرگز ندیده‌ام»، «چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم»، «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، حقوق بازنشسته، زیر عباس است امروز»، «فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون» از شعارهای بازنشستگان است.

روز گذشته سه‌شنبه چهاردهم تیرماه نیز دست‌کم ۱۰ تجمع اعتراضی بزرگ در شهرهای مختلف ایران برگزار شد.

کارکنان رسمی صنعت نفت در بیانیه‌ای تهدید کرده‌اند که اگر دستمزدهایشان افزایش نیابد و دیگر خواست‌های حقوقی آنان مورد توجه مقامات قرار نگیرد از پنجم امرداد دست به اعتراضات سراسری خواهند زد.

تجمعات اصناف مختلف، کارگر، آموزگار، بازنشسته، تولیدکننده، مالباخته، دانشجوی و بازاری برگزار می‌شود که روزنامه همشهری در گزارشی مدعی شده مردم ایران فقر و فلاکت و «منطق گرانی» را پذیرفته‌اند!

در حالی که روزنامه «همشهری» در گزارشی مدعی شده که مردم ایران «منطق گرانی کالاهای را فهمیده و قانع شده‌اند»، اما روند اعتراضات و اعتصابات گروه‌ها و اصناف مختلف نشان از لبریز شدن کاسه صبر مردم و پتانسیل اعتراضات سراسری در کشور دارد.

بازنشستگان و مستمیری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی که از نیمه خرداد اعتراضاتی روزانه را به عدم افزایش حقوق و دستمزد برگزار می‌کنند در روزهای گذشته نیز در شهرهای مختلفی از جمله اهواز، اصفهان و کرمانشاه تجمع کردند.

بازنشستگان شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و مقامات ارشد نظام نیز سر می‌دهند؛ «اینهمه بی‌عدالتی، هرگز ندیده‌ام»، «چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم»، «عزا عزا است امروز، روز عزا است امروز، حقوق بازنشسته، زیر عباس است امروز»، «فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون»، «رییسی دروغگو حاصل وعده‌ها کوه» و «درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید» از نمونه شعارهای بازنشستگان در روزهای گذشته بوده است.

همچنین طی روزهای گذشته نیروهای پیمانی در معدن

**Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده**

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:  
**۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵**  
تماس بگیرید.



Believe in children  
Barnardo's

و حقوق پایه هیچ کارگر رسمی‌ای نباید از ده میلیون کمتر باشد.

افزایشات عمومی سالانه ده درصدی به هیچ وجه با رشد تورم تناسب ندارد و خواستار تجدید نظر فوری در این افزایشات و بالا بردن رقم آن هستیم.

ما به استخدام‌ها و انتصابات انتصابی و فامیلی و پارتنری بازی‌ها و تبعیض در پرداخت‌ها اعتراض داریم.

ما به ورود نیروهای مأمور از سایر سازمان‌ها که اساساً بر پایه روابط و در جهت کنترل فضای امنیتی مراکز کاری است اعتراض داریم و باید متوقف شود.

سالها مالیات گزافی بر دریافتی‌های ما تحمیل شده است و ما خواستار بازگرداندن اضافات مالیاتی اخذ شده هستیم.

ما خواستار اصلاح اساسنامه غیر قانونی صندوق بازنشستگی و پرداخت کامل پاداش پایان خدمت به بازنشستگان رسمی نفت هستیم.

ما خواهان پایان دادن به اختلاسگری‌ها، کوتاه کردن دست سایر نهادها از صندوق بازنشستگی نفت و شفافیت یافتن عملکرد مالی صندوق بازنشستگی هستیم.

ما خواهان ارتقای وضع خدمات بهداشتی و درمان نفت هستیم و باید همه کارگران شاغل در نفت از درمان رایگان با کیفیت برخوردار باشند.

ما خواستار ارتقای خدمات رفاهی کارگران نفت از جمله بهبود وضع غذا و غذاخوری‌ها، بهبود خوابگاه‌ها و امکانات زیستی و معیشتی بر اساس استانداردهای قابل قبول برای همه کارگران شاغل در نفت هستیم.

ما خواستار محیط کار امن و بالا بردن سطح آن متناسب با استانداردهای قابل قبول هستیم.

ما خواستار به رسمیت شناخته شدن حق تشکل و پایان دادن به امنیتی کردن مراکز کاری‌مان در نفت هستیم.

همه می‌دانیم که بخش کوچکی از کارگران نفت رسمی هستند و بخش بزرگ آن به میدان چپاولگری‌های پیمانکاران و ایجاد تفرقه در صفوف ما کارگران تحت عناوین مختلف کارگر رسمی، پروژه‌ای پیمانی، قرارداد موقت، ارکان ثالثی، حجمی و ... تبدیل شده است.

بنابراین یک حلقه مهم در پایان دادن به تفرقه و شکاف در صفوف ما کارگران برپیده شدن بساط پیمانکاران در نفت و پایان دادن به قوانین برده‌وار مناطق ویژه اقتصادی در مراکز نفتی است. ما بر برخورداری همه کارگران شاغل در نفت از استاندارد کاری قابل قبول واحد و برخورداری از یک زندگی شایسته انسان برای همه همکاران در سراسر نفت تأکید داریم.

بعلاوه بخشی از مطالبات ما کارگران رسمی که به آنها اشاره شد، به همه همکاران در بخش‌های مختلف مراکز نفتی چه قراردادی و چه رسمی مربوط است. ما بر اتحاد و مبارزاتی همه بخش‌های کارگران شاغل در نفت تأکید داریم.

هشدار ما به همکاران اینست که نباید به دام تفرقه و مقایسه حقوق‌ها با همکار بخل دستی خود بیفتیم بلکه اعتراض ما به حقوق‌های نجومی مقامات ارشد است.

اعتراض ما به گرانی‌ها و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خریدمان است و این درد مشترک همه ما کارگران شاغل در نفت و همه کارگران و مردم است.

بدین ترتیب ما همینجا ضمن اعلام حمایت و همبستگی با خواسته‌ها و مطالبات اعلام شده از سوی کارگران پروژه‌ای پیمانی و داربست‌بندان که مدتی است در اعتراضند و دیگر بخش‌های همکاران شاغل خود در نفت بر اتحاد و همبستگی مبارزاتی همه بخش‌های کارگری در نفت تأکید داریم.

ما اعلام می‌کنیم که اگر تا پنجم مرداد جوابی نگیریم اعتراضات سراسری خود را آغاز کنیم.

کارگران رسمی نفت - ۱۵ تیر ۱۴۰۱

## ادعای بازداشت چند «دیپلمات جاسوس» توسط اطلاعات سپاه (ساس) به اتهام نمونه‌برداری از خاک مناطق ممنوعه؛ وزارت خارجه بریتانیا: کاملاً کذب است!



تصویری که خبرگزاری فارس از «دیپلمات‌های بازداشت شده در ایران منتشر کرد

یک دیپلمات این کشور در ایران را تکذیب کرد. خبرگزاری رویترز از قول وزارت خارجه انگلیس نوشت که گزارش‌ها مبنی بر بازداشت یک دیپلمات انگلیسی در تهران به اتهام جاسوسی «کاملاً نادرست» است.

سایمون شرکلیف سفیر بریتانیا در تهران نیز در همین ارتباط در توییتی نوشت «این گزارش‌ها مبنی بر اینکه معاون سفیر ما در حال حاضر در بازداشت است بسیار جالب است... او در دسامبر گذشته در پایان مأموریت خود ایران را ترک کرد.»

این خبر دو روز پس از اعلام رسمی بازداشت یک شهروند بلژیکی در ایران منتشر شده است. اولیویر فاندن کاستیله عضو پیشین سازمان امداد بین‌المللی و همچنین مدیر پیشین دفتر شورای پناهندگان نروژ در تهران (NRC) کسی است که چهار ماه پیش به اتهام جاسوسی در ایران گروگان گرفته شد اما دولت بلژیک سکوت کرده بود!

سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی نیز روز چهارشنبه از تفهیم اتهام دو شهروند فرانسوی زندانی در ایران خبر داد. سسیل کوهر عضو فدراسیون آموزش و فرهنگ سندیکای نیروی کار فرانسه و همسرش ژاک پاریس اردیبهشت امسال هنگام بازگشت به فرانسه بازداشت و در واقع توسط جمهوری اسلامی برای باج‌گیری و اخاذی از کشورهای غربی به گروگان گرفته شده‌اند.

این بازداشت‌ها در شرایطی صورت گرفته که از ماه‌ها پیش دولت‌های آمریکا، کانادا، فرانسه، سوئد و آلمان به شهروندان‌شان در مورد سفر به ایران هشدار داده بودند.

حالا ادعای بازداشت «دیپلمات‌های جاسوس» در حالی مطرح شده که کمتر از ۱۰ روز پیش از آن حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) برکنار و سردار سرتیپ پاسدار محمد کاظمی جانشین او شد.

ماجرای بازداشت چند دیپلمات خارجی به اتهام نمونه‌برداری از خاک مناطق ممنوعه یادآور بازداشت کاووس سیدامامی و تعدادی از فعالان محیط زیست در سال ۱۳۹۶ است. یکی از اتهامات آنها نیز نمونه‌برداری محیطی از خاک و گونه‌های جانوری در «مناطق ممنوعه» بود. در همین ارتباط حتا حسن فیروزآبادی مشاور وقت نظامی علی خامنه‌ای در یک سخنرانی ادعا کرد آمریکا از سوسمار، مارمولک و آفتاب‌پرست برای جذب امواج اتمی و جاسوسی از ایران استفاده کرده است!

● منابع حکومتی در ایران گزارش دادند که معاون سفیر بریتانیا در تهران و چند دیپلمات دیگر به اتهام «جاسوسی» و «نمونه‌برداری از خاک در مناطق ممنوعه نظامی» بازداشت شدند.

● خبرگزاری رویترز از قول وزارت خارجه انگلیس نوشت که گزارش‌ها مبنی بر بازداشت یک دیپلمات انگلیسی در تهران به اتهام جاسوسی «کاملاً نادرست» است.

● سایمون شرکلیف سفیر بریتانیا در تهران نیز در همین ارتباط در توییتی نوشت «این گزارش‌ها مبنی بر اینکه معاون سفیر ما در حال حاضر در بازداشت است بسیار جالب است... او در دسامبر گذشته در پایان مأموریت خود ایران را ترک کرد.»

● ادعای بازداشت چند دیپلمات خارجی به اتهام نمونه‌برداری از خاک مناطق ممنوعه یادآور بازداشت کاووس سیدامامی و تعدادی از فعالان محیط زیست در سال ۱۳۹۶ است. یکی از اتهامات آنها نیز نمونه‌برداری محیطی از خاک و گونه‌های جانوری در «مناطق ممنوعه» بود.

به دنبال انتشار خبر بازداشت چند دیپلمات در ایران به اتهام «جاسوسی» توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) از جمله «معاون سفیر انگلیس در تهران» وزارت خارجه بریتانیا اعلام کرد این ادعا «کاملاً کذب است.»

خبرگزاری فارس و تسنیم وابسته به سپاه پاسداران و خبرگزاری دولتی ایرنا و همچنین تلویزیون حکومتی ایران چهارشنبه شب ۶ ژوئیه (۱۵ تیرماه) گزارش دادند که معاون سفیر بریتانیا در تهران و چند دیپلمات دیگر به اتهام «جاسوسی» و «نمونه‌برداری از خاک در مناطق ممنوعه نظامی» بازداشت شدند.

در این گزارش همچنین از «شناسایی و بازداشت» چند دیپلمات خارجی خبر داده شد اما توضیح بیشتری در این ارتباط ارائه نشد جز اینکه آنها با «پهپاد» رصد می‌شدند!

بر اساس گزارش فارس این افراد هنگام نمونه‌برداری از خاک کویر مرکزی ایران توسط پهپادهای سپاه رصد و سپس بازداشت شده‌اند. برخی منابع غیررسمی که اخبار امنیتی را پوشش می‌دهند ادعا کردند آنها درحال نمونه‌برداری از خاک مناطقی بودند که بیشتر در آنجا آزمایش هوافضای سپاه پاسداران برگزار شده بود.

ساعاتی بعد از انتشار این خبر وزارت خارجه بریتانیا دستگیری

# حکومت مذهبی و تباهی جامعه (۲)



● حکومت مبتنی بر مذهب قدیمی‌ترین مدل نظام سیاسی در جهان است. در این نظریه دولت هرگز نمی‌تواند توسط مردم ایجاد شود زیرا خود مفهوم حاکمیت امری الهی است که بطور کامل در اختیار خداوند است.

● در نگرش حکومت الهی همه مردم موظف هستند از اوامر و دستورات حاکم اطاعت کنند، و هرگاه کوتاهی در این زمینه صورت گیرد، گناهی بزرگ تلقی شده و حتی معادل با خروج از دین تلقی می‌شود که حکم آن، بر اساس همان معیارهای حکومت الهی، نابودی حیات انسانی است.

● دولت/حکومت به این دلیل تعیین و نصب می‌شود که آزادی‌های ذاتی مردم را محافظت نماید. بنابراین، تنها دولت قانونی و برحق و صاحب حقانیت یا مشروعیت آنست که از سوی مردم انتخاب شده و بر اساس رضایت مردم رفتار نماید. هر نوع مفهومی از دولت باید منوط به الزام به اطاعت از قوانین طبیعی وجدان اخلاقی و روشنفکری باشد. از این روی حاکمیت نمی‌تواند مجوزی برای انجام هر کاری باشد. مردم بر اساس عقلانیت با یکدیگر زندگی می‌کنند، و هیچکس بر روی کره ارض نمی‌تواند بدون کسب اجازه از آنها بر آنان حکومت کند.

محمود مسائل- در بخش یک این بررسی به پیشینه‌ی نقش مذهب و قرون وسطا و سپس اصلاحات مذهبی (رفرمیسم) و آنگاه آمارها و گزارش‌هایی از تغییرات جمعیتی جهان تا سال ۲۰۵۰ پرداختم. در بخش دوم و پایانی به بررسی حکومت مذهبی و پیامدها و تقابل آن با دموکراسی می‌پردازم.

## حکومت مذهبی

حکومت مبتنی بر مذهب شکلی از نظام سیاسی است که در آن «خدا» منبع اصلی الهام همه قوانین است. از آنجا که این قوانین می‌بایست برای مردم توضیح داده شوند، آنهایی که خود را نمایندگان خداوند می‌دانند، یعنی کسانی که داعیه «دانش دین الهی» را دارند، خود را در مقام رهبری جامعه قرار داده، و در حقیقت، بجای خدا حکومت می‌کنند. قوانین حکومت دینی مبتنی بر قوانین و احکام الهی توضیح داده می‌شوند، و دولت ادعا می‌کند همه جامعه و نیز شهروندان را در خدمت خداوند قرار می‌دهد. در نتیجه، حکومت‌های دینی در اصل با هر نگرش انسانی که مردم در آن منبع الهام نظام‌های سیاسی باشند، مخالفت ورزیده و با قوانین سختگیرانه و مجازات‌های سخت برای قانون‌شکنان شدیدترین اشکال استبداد سیاسی و تصلب آیینی را به نمایش گذاشته‌اند. در همه تاریخ و در همه جوامع، بسیاری از ملت‌ها تحت حکومت‌های مذهبی بوده‌اند. در مصر باستان فرعون همانند خداوند خوانده می‌شد. در ژاپن، امپراتور به عنوان فرزندان الهه خورشید مورد احترام بود. در همه دوران قرون وسطا حکومت‌ها تحت حاکمیت کلیسا بودند. امروزه تعداد

انگشت‌شماری از حکومت‌های دینی باقی مانده‌اند که به استثناء واتیکان، همه در سرزمین‌های اسلامی استقرار یافته و همه حیات مردم را تحت کنترل خود گرفته‌اند.

حکومت مبتنی بر مذهب قدیمی‌ترین مدل نظام سیاسی در جهان است. در این نظریه دولت هرگز نمی‌تواند توسط مردم ایجاد شود زیرا خود مفهوم حاکمیت امری الهی است که بطور کامل در اختیار خداوند است. «وصایای عهد عتیق»، یعنی شرایط دوران حضرت موسی، این نمونه حکومت‌ها را توضیح داده است.

عقیده اصلی در حکومت الهی بر اساس «عهد عتیق» این است که بنی اسرائیل رابطه منحصراً به فردی با خدا به عنوان قوم برگزیده او دارند. بنابراین، بنی اسرائیل عهدی دارد تا آن رابطه با خداوند را استوار نگهدارد ( کتاب خروج ۲۰-۱۹). در راستای این عهد، اسرائیل شامل حکومت رهبران مذهبی و ملتی مقدس خواهد بود (همانجا ۱۹:۶). خداوند این قوم را نجات داده و موسی را که فقط مرد خدا بود ماموریت داد تا خواست خدا را به مردم ابلاغ کند. این ویژگی‌های حکومت مذهبی به تدریج تغییراتی پیدا کرد. هنگامی که بنی اسرائیل می‌کوشیدند نظامی پادشاهی مانند سایر ملل برپا کنند، چنین تلاشی به منزله انکار حکومت خداوند تلقی می‌شد (ساموئل ۷:۸) اما پس از استقرار سلطنت از طریق ساموئل، پادشاه نماد سلطنت الهی خداوند تلقی می‌شد. او یک پادشاه به معنای معمول کلمه نبود، بلکه مسح شده خداوند بود (تواریخ، ۲: ۲ و ۲۰:۶). او شاهزاده خداوند به حساب می‌آمد «سپس ساموئل ظرفی از روغن زیتون گرفت و بر سر شاول ریخت و او را بوسید و گفت آیا خداوند تو را بر میراث خود مسح نکرده است؟» (ساموئل اول، ۱۰:۱؛ ساموئل دوم ۵:۲). در طول دوره سلطنت، قدرت خداوند اساس حکومت پادشاه تصور می‌شد (ساموئل دوم ۵:۲۴). پادشاه بر تخت خداوند می‌نشست، (تواریخ ۲۳:۲۹) حاکم واقعی خداوند تلقی می‌شد و قدرت عرش داوود از اراده و قدرت خداوند سرچشمه می‌گرفت.

آنچه از آیات بالا مشاهده می‌شود این است که اولین نوع حکومت الهی در ادیان ابراهیمی در اسرائیل به وجود آمد، و این حکومتی بود که در آن انسان به نیابت از طرف خدا بر جامعه حکومت می‌کرد. به تدریج، آرمان‌های مسیحایی پیامبران در سیر تاریخ پادشاهان یهودا و احیای نهایی پادشاهی آنان در سلسله داوود در هم تنیده شد. در این نظریه‌های کهن حکومت الهی، حکمرانی در ذات و هدف خود ابزاری برای رستگاری بود که انتظارات مسیحایی بنی اسرائیل را بطور جدایی‌ناپذیری با خداوند ارتباط می‌داد. تاج و تخت داوود از نظر اهمیت مسیحایی خود در مرکز الهیات کتاب مقدس با تصدیق خدا به عنوان حاکم نهایی بر کل زمین قرار گرفت. در مکاشفات معادشناسی کتاب مقدس، تصور الهی از پادشاهی

داوود، الگویی برای آرمان‌های مربوط به آمدن ملکوت خدا را ارائه کرد. عقیده اصلی در این نظریه این است که از طریق بازگرداندن تاج و تخت داوود، خدا رستگاری نهایی اسرائیل را به انجام می‌رساند. این رستگاری مایه صلح و عدالت جاویدان تحت حکومت جهانی پسر داوود خواهد بود. شایان ذکر است که در این نظریه‌های الهی دولت، سکولاریزم و حکومت انسان بر خویش و برای خویش هیچ جایگاهی نمی‌تواند داشته باشد. بلکه همه موضوعات سیاسی، حقوقی، و اجتماعی اساساً الهیاتی بوده و بیانگر مستقیم اراده خداوند می‌باشند [۱].

از آنجا که حاکم اقتدار سیاسی خود را از جانب خداوند دریافت می‌کند، نقشی میانجی‌گرا میان خداوند و بندگان او را به عهده می‌گیرد. آنچه در این نقش مهم است اینست که حاکم هرگز نمی‌تواند در برابر مردم مسئول باشد بلکه او فقط و فقط پاسخگوی خداوندی است که به او ماموریت اداره جامعه را اعطا نموده است. در انجام این ماموریت، حاکم به نمایندگی از سوی خدا هر کاری را انجام می‌دهد تا به زعم خود خداوند را راضی و خشنود نگهدارد. مردم به هیچ عنوان نمی‌توانند در این نگرش جایگاهی انسانی داشته و از حقوق و آزادی‌های اساسی برخوردار باشند. البته این اقرار تاریخی نیستند. آیت الله روح‌الله خمینی دقیقاً یک چنین مکتوباتی را همواره در سخنان خود آشکار می‌ساخت:

«از من طلبه تا مراجع اسلام، تا علمای بلاد اسلامی، تا دست‌اندرکاران، مجلس، رئیس جمهور، نظامی‌ها، پاسدارها و همه قشرهای ملت در مقابل خدا مسئول هستند و همه یک روز در پیشگاه خدا خواهیم رفت و از ما سوال خواهد شد، نعمت را از ما سوال می‌کنند و آن نعمت، اسلام است. ما مسئول هستیم، ما باید پا روی اغراض شخصی خودمان بگذاریم برای خدا و برای مقصد. ما همه باید برای خدا باشیم، چون از او هستیم و هر چه داریم از اوست، قدرت هر چه هست از اوست، نعمت هر چه هست از اوست و او نور سماوات و ارض است. و ما موظف هستیم از طرف او و از طرف عقل خودمان و وجدان خودمان که به آن کسی که ولی همه چیز ما هست خدمت بکنیم، و آمل و آرزوی ما این باشد که دین او را تقویت بکنیم و اسلام را در بین بشر پیاده کنیم؛ و این می‌شود الا به وحدت کلمه شما و دست برداشتن از اختلافات.» [۲]

پیامدهای چنین نگرشی به منابع و ماهیت حکومت در جهان امروزی که بر اساس قواعد حقوق بشر بین‌المللی و نیز حاکمیت مطلوب اداره می‌شود، غیرقابل تصور و عمیقاً غیرانسانی است. در نگرش حکومت الهی همه مردم موظف هستند از اوامر و دستورات حاکم اطاعت کنند، و هرگاه کوتاهی در این زمینه صورت گیرد، گناهی بزرگ تلقی شده و حتی معادل با خروج از دین تلقی می‌شود که حکم ←

آن، بر اساس همان معیارهای حکومت الهی، نابودی حیات انسانی است. این ویژگی‌های حکومت الهی، در حقیقت، زمینه‌های لازم را فراهم آورد تا پادشاه، یعنی صاحب قدرت سیاسی، و پاپ، یعنی حاکم قدرت مذهبی، دست در دست یکدیگر گذاشته و عنان اختیار همه مردم را در تاریخی طولانی به دست گیرد. البته نوعی رقابت نیز میان این دو قدرت آسمانی و زمینی به وجود آمده بود. کلیسا همواره بر ماهیت منبع الهی نظریه‌های خود تکیه می‌کرد، و پادشاه نیز خود را نماینده خداوند دانسته و بر آن اصرار می‌ورزید. اما آنچه مهم بود این بود که مردم بطور کامل فراموش می‌شدند. شاید بتوان مشابه این نگرش‌ها را در ایران امروز در رقابت میان دو گروه به اصطلاح اصولگرا و اصلاح طلب دانست که اندیشه‌های مذهبی خاص خود را در باب حکومت دنبال می‌کنند اما حقوق ذاتی مردم بطور کامل از دیدگاه آنها خارج است. یکی از ویژگی‌های غیرقابل درک حکومت مذهبی این باور است که هیچکس نمی‌تواند در برابر حاکم ظالم قیام کند. به دلیل ضرورت حفظ نظم، وجود حاکم ظالم بهتر از بی‌نظمی است. سنت آگوستین در شهر خدا مایه‌های اصلی این نگرش را توضیح داده است. انسان‌ها به دلیل گناه اولیه ناگزیر باید تحمل شرایط دنیایی هستند که به منزله گذرگاهی برای عبور از شهر زمینی به سوی شهر خداست. این مایه‌های الهی حکومت قدرت را در اختیار حاکم قرار می‌دهد. حاکم فردی فرزانه و عاقل است که می‌بایست جامعه را هدایت کند. حفظ نظم ضروری است زیرا که مردم فاقد روح سلامت هستند. بنابراین حاکم ماموریت الهی را به عهده می‌گیرد تا مردم را در مسیر رستگاری قرار دهد. به همین دلیل ظلم و ستم حاکم را باید پذیرفت. هیچ مقاومتی در مقابل آن جایز نیست. این استدلال‌ها را جان لاک در «دو رساله در باب حکومت» توضیح داده است [۳]. در بخش اول کتاب منازعه‌ای بی نظیر میان روبرت فیلمر که از مدافعان حق الهی پادشاه برای حکومت بود، و جان لاک که در مقابل با این نظریه حکومت الهی استدلال می‌کرد، در می‌گیرد. فیلمر استدلال می‌کند که اقتدار الهی در اختیار آدم قرار گرفته، سپس از طریق آدم به فرزندان او، و در نهایت این قدرت در دستان جیمز اول پادشاه انگلستان می‌باشد. بنابراین جیمز اول حقی الهی برای حکمرانی تمامیت خواهی بر مردم دارد. لاک این نظریه را با استدلالی قانع کننده به چالش می‌کشد.

پی در پی خود را بر پیکره نظام مبتنی بر دیانت و مذهب وارد ساخت. به سادگی می‌توان استدلال‌ها در برای حکومت مذهب را اینگونه خلاصه کرد:

- حکومت و اداره جامعه اساساً موضوعی انسانی است. یعنی ایجاد سازمانی برای اداره جامعه توسط خود انسان‌ها برای حفاظت از منافع انسانها و جامعه انسانی
- حکومت الهی، نظامی خشن و بی‌رحم است زیرا حاکم (نیمه‌خدا و نیمه‌انسان) فقط در مقابل خداوند احساس مسئولیت می‌کند. به نمایندگی از سوی خدا بر جامعه انسان‌ها حکم می‌کند، و به همین دلیل حاکمان مذهبی مستبد و ظالم‌اند
- در شرایط کنونی پذیرش دموکراسی به عنوان شیوه مدیریت مطلوب، نظریه‌های مذهبی قابل درک و پذیرش نیستند
- نظریه حکومت دینی نمی‌تواند توضیح علمی داشته باشد
- این حکومت‌ها با تحولات تاریخی ارتباطی ندارند در نتیجه نمی‌تواند به نیازهای انسان توجه کنند
- آنها غیردموکراتیک، از بالا به پایین، و اقتدارگرا هستند
- حکومت الهی اهل مدارا و تساهل نیست بلکه همواره گفتمان یکسویه‌ای را که مد نظر دارد دنبال می‌کند و به این دلیل با حذف و سرکوب دیگران جدایی‌آفرین و نزاع‌برانگیز است
- حکومت الهی تمامیت خواه و سرکوبگر است چرا که با داعیه‌ی داشتن راه حل برای همه معضلات اجتماع، تحت هیچ شرایطی مایل نیست با دیگر اندیشه‌ها از در تفاهم و



دکتر محمود مسائلی

هم‌پرسی درآید

- موضوعات حقوق بشری، برابری جنسیتی، مساوات، و عدالت اجتماعی در اندیشه‌های الهی هیچ معنا و جایگاهی ندارد
- نظریه حکومت مذهبی به دلیل عدم قابلیت برای درک پیچیدگی‌های نیاز انسانی در جهان کنونی در مقابل با فرآیند توسعه جوامع قرار می‌گیرد
- حکومت مذهبی نمی‌تواند نظام اخلاقی عام و جهانشمولی را معرفی نماید تا مورد قبول همه مردم قرار بگیرد، زیرا اساساً اعتقادی به محوریت مفهوم انسان در تعاملات اجتماعی ندارد
- در نهایت، حکومت مذهبی حتی اگر هم به انسان نظری داشته باشد چنین دیدگاهی انتزاعی بوده و قابلیت اجرا ندارد.

به عنوان نتیجه‌گیری: حق مقاومت مردم

در نظریه‌های لیبرال مردم حق قیام علیه حکومت‌های ظالم را دارند. اعلامیه استقلال آمریکا این حق را به رسمیت می‌شناسد زیرا آنرا جزو حقوق برابری شهروندان می‌شمارد: «همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند، که آفریدگار آنها را از حقوق غیرقابل انکاری برخوردار کرده است، که از جمله آنها می‌توان به زندگی، آزادی، و جستجوی خوشبختی اشاره کرد.» هرگاه این حقوق نادیده انگاشته شود، مردم می‌توانند و می‌بایست برای آزادی قیام کنند: «برای تأمین این حقوق

برابر، حکومت‌هایی در میان مردم ایجاد می‌شوند که اختیارات خود را از رضایت حکومت‌شوندگان دریافت می‌کنند. هرگاه هر شکلی از حکومت این اهداف را نادیده انگارد، حق مردم است که آن را تغییر داده و یا سرنگون سازند.» اعلامیه نه تنها حق مردم برای براندازی حکومت غیر مردمی را به رسمیت می‌شناسد، از مردم می‌خواهد تا به وظیفه خود عمل نموده و برای احیای اصول انسانی ویران شده توسط دولت مستبد، آن دولت را سرنگون سازند: «این حق آنهاست، این وظیفه آنهاست که چنین حکومتی را کنار بزنند، و محافظان جدیدی برای امنیت آینده خود فراهم کنند.» [۴] جان لاک پشتوانه روشنفکری این قیام‌ها را توضیح داده است. در همان کتاب «دو رساله در باب دولت» که پیشتر توضیح داده شد، توضیح می‌دهد که شکل‌گیری دولت به این معنا نیست که جواز انجام هر کاری را داشته باشد. در حقیقت، دولت/حکومت به این دلیل تعیین و نصب می‌شود که آزادی‌های ذاتی مردم را محافظت نماید. بنابراین، تنها دولت قانونی و برحق و صاحب حقانیت یا مشروعیت آنست که از سوی مردم انتخاب شده و بر اساس رضایت مردم رفتار نماید. هر نوع مفهومی از دولت باید منوط به الزام به اطاعت از قوانین طبیعی وجدان اخلاقی و روشنفکری باشد. از این روی حاکمیت نمی‌تواند مجوزی برای انجام هر کاری باشد. مردم بر اساس عقلانیت با یکدیگر زندگی می‌کنند، و هیچکس بر روی کره ارض نمی‌تواند بدون کسب اجازه از آنها بر آنان حکومت کند.

اگر از این چشم‌اندازهای رهایی‌بخش لیبرال هم که عبور کنیم، حتی در دیانت اسلام نیز تعیین سرنوشت به خود مردم واگذار شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» یعنی «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه آنان حال خود را تغییر دهند.» حتی بنیانگذار جمهوری اسلامی هم به روشنی اذعان داشته بود که مردم حق دارند و موظف‌اند علیه حکومت ظالم مبارزه و قیام کنند: «ما مکلفیم با این افراد با اینهایی که اساس اسلام را متزلزل می‌کنند همه مصالح مسلمین را به باد می‌دهند مبارزه کنیم. مبارزه امری الهی است.» [۵] خمینی در توضیح این وظیفه برای مبارزه نیز با ظالم با اشاره به آیه‌ای از سوره سبا تاکید می‌کند که ترک قیام علیه ظلم روزگار سیاه را برای مردم باعث شده است. دقت داشته باشیم که باورمندان به دیانت اسلام و طرفداران جمهور اسلامی هم موظف هستند با تکیه بر منابع دینی خودشان، و یا بر اساس دیدگاه رهبران، یعنی خمینی، علیه حکومت جبار و تمامیت‌خواه کنونی قیام نمایند هرچند که این حکومت خودش را جبار و تمامیت‌خواه نداند!

حقوق بین‌الملل نیز قیام مردم علیه حکومت‌های ظالم را به عنوان یک حق به رسمیت شناخته است. مهمترین ابعاد این شناسایی، حق تعیین سرنوشت علیه سلطه خارجی، استعمار، و نژادپرستی است. خودداری دولت از انجام تعهدات جهانی به موجب منشور ملل متحد نیز چنین حقی را برای مردم جهت قیام کردن و باز پس گرفتن حقوق ذاتی خود، به رسمیت شناخته است.

\*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] <https://www.biblegateway.com/>

[۲] <http://emam.com/posts/view/190۴N>

[۳] John Locke (۱۶۸۹). *Two Treatises Government*.

[۴] *The Declaration of Independence, July ۱۷۷۶, ۰۴*

[۵] وبسایت مربوط به خمینی؛ سخنانی در جمع ایرانیان مقیم خارج در باره وجوب مبارزه با حکومت‌های ظالم. ۲۷ آبان ۱۳۵۷

## تهدیدهای جدی علیه امنیت غذایی؛ تا جمهوری اسلامی هست، این تباهی ادامه خواهد داشت!



ماه خرداد از نصف شدن فروش محصولات صنایع غذایی در کشور خبر داده بود. مهدی میرزا امین عضو هیئت رئیسه اتحادیه تهیه و توزیع گوشت گاو نیز روز ۲۷ خرداد گفته بود که فروش گوشت گوساله در هفته‌های گذشته ۲۰ درصد کاهش داشته است.

رئیس هیئت مدیره انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی هم اواسط خرداد با اشاره به افزایش ۸۰ درصدی نرخ لبنیات در ماه گذشته اعلام کرده بود که مصرف لبنیات در خانوارها ۲۰ درصد کاهش یافته است.

در این میان رها کردن برنامه‌های توسعه‌ای طی چهار دهه گذشته نیز سبب شده مردم در برخی مناطق از جمله در روستاهای سیستان و بلوچستان حتی به نان کافی دسترسی نداشته باشند و برای تهیه نان نیز مجبور باشند به شهرها بروند. در چنین شرایطی مشخص است در محور دسترسی به غذا نه تنها مشکلات اقتصادی عاملی بازدارنده است بلکه عدم توزیع برابر امکانات نیز مانع دیگری در این زمینه به شمار می‌رود.

اینهمه در حالیست که کاهش تولید محصولات کشاورزی در داخل، بحران اقتصادی دولت، کسری بودجه، فساد ساختاری در واردات مواد غذایی و نهاده‌های دامی، و همچنین انزوای اقتصادی کشور به دلیل تحریم و نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی عواملی هستند که در سال‌های گذشته بحرانی جدید در زمینه امنیت غذایی کشور و حتی ایمنی غذایی ایجاد کرده‌اند.

**ایمنی غذایی** یکی از مفاهیم مهمی است که غالباً در کنار امنیت غذایی استفاده شده و به این معناست که غذای مصرفی مردم باید از کیفیتی بهداشتی برخوردار باشد و عاری از هرگونه آلودگی شیمیایی، فیزیکی و بیولوژیک باشد. در سال‌های گذشته واردات سم و کود و نهاده‌های دامی آلوده و حتی در برخی مقاطع واردات کالاهای اساسی مثل برنج و گوشت‌های آلوده از کشورهایی چون چین و هند کیفیت غذای مصرفی مردم در ایران را کاهش داده و در نتیجه ایمنی غذایی در ایران با سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد تخریبی جمهوری اسلامی با تهدید روبروست.

عدم برخورداری از امنیت غذایی طی ماه‌های گذشته با ارائه گزارش‌هایی از کمبود ذخایر استراتژیک در کنار مشکلات ساختاری چون فساد سازمانیافته در واردات و توزیع نهاده‌های دامی جدی‌تر شده است.

جلال محمودزاده عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی اواخر زمستان گذشته هشدار داد «ذخایر استراتژیک‌مان در حال تمام شدن است.»

به منابع غذایی لازم و کافی را با مشکلاتی روبرو کند. پایداری در دریافت غذا نیز به معنای ثبات و پایداری دریافت مواد غذایی با ارزش و مفید برای افراد جامعه است. طی سال‌های گذشته هر سه پایه اصلی برخورداری از امنیت غذایی در ایران با مشکلات متعدد و حیاتی روبرو شده است. میزان تولید محصولات کشاورزی در داخل به دلیل سیاست‌های ناکارآمد جمهوری اسلامی با مخاطراتی همراه شده. الگوی کشت نادرست، از بین رفتن بسیاری از مراتع و دشت‌ها و باغ‌ها و مزارع به دلیل سیاست‌های غلط مدیریت آب که با شرایط اقلیمی کشور همخوانی ندارد از جمله عوامل موثر بر کاهش «موجود بودن غذا» است. همچنین تورم و کاهش ارزش پول ملی سبب کاهش ارزش درآمد خانوار شده و در نتیجه سبد مصرفی خانوار کوچک شده است. آمارها نشان می‌دهد که جمعیت زیر خط فقر در ایران در دوره سه ساله‌ای از سال ۹۶ تا ۹۹ بیش از «دو برابر» شده است.

محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی پاییز گذشته اعلام کرده بود نرخ شاخص فقر ۱۰ واحد درصد افزایش پیدا کرده و از عدد ۲۲ به حدود ۳۳ درصد رسیده است.

آمارهای دیگری که از سوی مقامات حکومتی و کارشناسان اقتصادی در ایران مطرح شده نشان می‌دهد بیش از نیمی از جمعیت ایران قطعاً زیر خط فقر هستند و حتی ۶۰ درصد از جمعیت کشور برای پرداخت هزینه‌های ضروری زندگی و برخورداری از یک خوراک متوسط و ضروری نیازمند یارانه و اعانه از سوی دولت هستند.

کاهش شدید مصرف مواد غذایی ضروری از جمله گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، سبزیجات، لبنیات و حتی نان نیز نشان می‌دهد با کاهش ارزش واقعی درآمد خانوارها، سبد مصرفی خانوار به شدت کوچک و افراد تنگدست به ناچار مصرف برخی مواد غذایی را به کلی کنار گذاشته یا آن را به حداقل رسانده‌اند.

از سوی دیگر تورم بالای ۸۱ درصد مواد غذایی و تورم متوسط بالای ۵۰ درصدی در اقتصاد کشور و تورم ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی در بخش اجاره‌بهای مسکن، همگی ارقامی هستند که در کنار درآمدهایی که هیچ تناسبی با نرخ تورم ندارند، بیانگر فاجعه معیشتی در میان اقشار مختلف است. آخرین گزارش‌ها حکایت از آن دارد که خانوارهای مستأجر حدود ۵۰ تا ۷۰ درصد از درآمد خود را به ترتیب در شهرهای کوچک و بزرگ برای اجاره‌خانه هزینه می‌کنند.

امیررضا ثابت‌پی رئیس فدراسیون صنایع غذایی نیز اوایل

● طی سال‌های گذشته هر سه پایه اصلی برخورداری از امنیت غذایی در ایران با مشکلاتی روبرو شده است.

● آخرین گزارش درباره رشد اقتصادی ایران در سال گذشته نشان می‌دهد بخش کشاورزی ایران دارای رشد منفی ۳/۷ درصدی بوده است.

● گزارش‌های محرمانه‌ای در وزارت جهاد کشاورزی موجود است که نشان می‌دهد خاک استان مازندران به شکل انبوه به عربستان صادر می‌شود!

● کاشت برنج در ایران به دلیل بالا رفتن مزد شالیکار، چهار برابر شدن آب‌بها و بالا رفتن قیمت سموم بسیار گران شده و احتمالاً قیمت هر کیلو برنج ایرانی در نیمه دوم سال تا ۲۰۰ هزار تومان افزایش یابد.

● «هنوز بستیهایی برای نجات کشاورزی و زیست محیط ایران و حداقل هماهنگ کردن آن با بحران‌های اقلیمی منطقه، و تضمین امنیت غذایی و ایمنی غذایی کشور وجود دارد، اما لازمه و پیش‌شرط همه اینها اینست که جمهوری اسلامی و ساختار معیوب و ویرانگرش نباشد.»

روشنک آسترکی - کمبود ذخایر استراتژیک کشور از ماه‌ها پیش سبب هشدارهایی درباره به خطر افتادن امنیت غذایی در ایران شده است. یک کارشناس در وزارت جهاد کشاورزی در گفتگو با «کیهان لندن» از کمبود شدید برنج در کشور خبر داده و گفته اگر دولت نتواند کمبود برنج را مدیریت کند تا پایان سال وضعیت در تأمین برنج به عنوان قوت غالب مردم بحرانی خواهد شد.

امنیت غذایی بنا بر تعریف سازمان ملل (۱۹۸۶) دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام مدت زندگی برای داشتن یک جسم سالم است. بر اساس این تعریف «موجود بودن غذا»، «دسترسی به غذا» و «پایداری در دریافت غذا» سه پایه اصلی برای بهره‌مندی افراد یک جامعه از امنیت غذایی هستند.

**موجود بودن غذا** به این معناست که میزان مواد غذایی موجود در مرزهای ملی یک کشور که از طریق تولید داخلی و یا واردات تأمین شده، بر اساس نیاز واقعی کشور و کافی باشد.

**دسترسی به غذا** به معنای دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع، جهت تأمین اقلام غذایی مورد نیاز جامعه است. مشخص است که وجود مشکلات اقتصادی و درآمدی و فقر در خانوار از جمله عنوان محدودکننده دسترسی به غذا است. همچنین عدم توزیع عادلانه و یکسان امکانات در کشور می‌تواند افراد ساکن در مناطق محروم و دورافتاده

کشاورزی موجود است که نشان می‌دهد خاک استان مازندران به شکل انبوه به عربستان صادر می‌شود. در حالی که عربستان به عنوان یک کشور خشک و صحرایی با خاک مازندران در حال ایجاد مراتع و جنگل است، در خود مازندران به دلیل همین صادرات خاک، دره‌هایی با عمق ده‌ها متر ایجاد شده است. ایراد از کشورهایی که به دنبال خاک کم‌نظیر و حاصلخیز شمال ایران هستند نیست، مشکل از مسئولانی است که فکر می‌کنند هر چیزی از ایران قابل فروش است را باید حراج کنند تا جیب مافیها و آقایان و آقازاده‌ها حتی با پول خاک ایران پُرتر شود!

او همچنین می‌افزاید «ایران دارای کارشناسانی توانمند و با دانش در حوزه آبخیزداری، خاک، کشاورزی و محیط زیست است؛ همچنین هنوز بسترهایی برای نجات کشاورزی و زیست محیط ایران و حداقل هماهنگ کردن آن با بحران‌های اقلیمی منطقه، و تضمین امنیت غذایی و ایمنی غذایی کشور وجود دارد، اما لازمه و پیش‌شرط همه اینها اینست که جمهوری اسلامی و ساختار معیوب و ویرانگرش نباشد و در یک ساختار عادی که به فکر منافع کشور و مردم است، اصلاحات ساختاری در حوزه آب و خاک و کشاورزی و محیط زیست به سرعت آغاز شود.»

نفت با این غلات ممکن نیست چون این کشورها درصد رطوبت بالایی دارند که موجب بروز آفت سیاهک برای گندم، جو دوسر و جو می‌شود و در نتیجه محصولات تولیدی آنها نمی‌تواند گزینه مطلوبی برای کشور باشد.»

به عقیده این کارشناس وزارت جهاد کشاورزی، موضوع امنیت غذایی در ایران به حدی بحرانی و زیربنایی است که با توافقات جزئی با کشورهای ضعیف امکان ساماندهی آن وجود ندارد. او می‌گوید «امنیت غذایی بر پایه بستر تولید استوار شده و بسترهای تولید عبارتند از آب و خاک و البته زمین قابل کشت؛ به دلیل عملکرد فاجعه‌بار جمهوری اسلامی با خشکسالی، کاهش حجم زمین‌های زیر کشت و کمبود شدید آب روبرو هستیم. از سوی دیگر خاک هم در حال صادرات و قاچاق است و زمین‌های کشاورزی هم توسط تبهکاران نظام در حال خرد شدن و تبدیل شدن به ویلا است. در چنین شرایطی مشکلات همه‌جانبه و حاد هستند و با دریافت چند تن گندم و ذرت از دیگر کشورها در برابر نفت ارزان و تحریمی، نمی‌توان امید داشت که مشکلات حل شده یا دست‌کم افزایش نیابد.»

این کارشناس توضیح می‌دهد که «گزارش‌های محرمانه‌ای در وزارت جهاد

قیمت‌ها و به خطر افتادن میزان تولید در یکی از مهمترین بخشهای مواد غذایی را نمی‌داد.

**مشکلی که با توافق و واردات حل نمی‌شود!**  
درباره برنج و گندم به عنوان قوت غالب مردم و حیاتی‌ترین ماده غذایی در ایران نیز وضعیت به شدت نامطلوب است. در همین رابطه یکی از کارشناسان وزارت جهاد کشاورزی که به دلیل مسائل امنیتی از ذکر نام او خودداری می‌شود در گفتگو با کیهان لندن از بحران جدی در زمینه تولید و تأمین برنج مورد نیاز کشور خبر داده است. او گفته که کاشت برنج به دلیل بالا رفتن شالیکار و چهار برابر شدن آب‌بها و بالا رفتن قیمت سموم دفع آفات بسیار گران شده و احتمالاً قیمت برنج ایرانی در نیمه دوم سال تا ۲۰۰ هزار تومان برای هر کیلو افزایش پیدا کند.

این کارشناس وزارت جهاد کشاورزی توضیح می‌دهد که برنج خارجی که برای اقشار فرودست جایگزین برنج ایرانی بود و همواره قیمت پایین‌تری در بازار داخلی داشت نیز در ماه‌های آینده به میزان کافی و متناسب با نیاز مصرفی کشور در دسترس نخواهد بود «چون با ایجاد بحران جهانی مواد غذایی به دلیل حمله روسیه به اوکراین، و همچنین به دلیل افزایش قیمت گندم، قیمت جهانی برنج هم افزایش پیدا کرده است. این موضوع سبب شده که هند و پاکستان به عنوان دو تولیدکننده بزرگ برنج با افزایش تقاضا از سوی کشورهای دیگر روبرو شوند. همینطور مشکلات جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای هم اثرگذار بوده و در نهایت هند و پاکستان برای فروش عمده برنج به ایران هنوز پاسخ مثبت نداده‌اند.»

او می‌افزاید اگر جمهوری اسلامی نتواند با هند و پاکستان برای خرید برنج و تأمین نیاز داخلی طی هفته‌های آینده به نتیجه برسد، حتماً قیمت برنج خارجی هم افزایش خواهد یافت و مردم فقیر دیگر توان خرید برنج‌های بی‌کیفیت هندی و پاکستانی را هم نخواهند داشت.

مقامات دولتی البته از اندیشیدن تدابیری برای تأمین مواد غذایی حیاتی خبر نمی‌دهند. برای نمونه چندی پیش جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی از توافق با کوبا برای معامله پایاپای یا تهاتر نفت با غلات خبر داد.

این خبر هر چند بطور گسترده در رسانه‌های داخلی بازتاب یافت اما کارشناس وزارت جهاد کشاورزی در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید حتی در صورت وجود چنین توافقی، غلات وارده از کوبا نمی‌تواند برای تأمین نیاز داخلی مفید باشد. او توضیح می‌دهد که «تولید فراسرزمینی غلات، بجز ذرت و سورگوم یا همان ذرت خوشه‌ای مخصوص دام، در کوبا و ونزوئلا و تهاتر

او تأکید کرده بود که «مطمئناً در ۱۴۰۱ با توجه به ضعف‌هایی که در مدیریت بازار وجود دارد و با کمبود شدید نهاده‌ها و کالای اساسی، با افزایش قیمت کالاهایی مثل روغن، شکر و برنج روبرو خواهیم شد.»

کارشناسان معتقدند حفظ امنیت غذایی و تولید مواد غذایی باید بر «بوم‌شناختی استوار بر محور کشاورزی پایدار و بهره‌وری» متمرکز باشد تا ضمن تولید غذای کافی و سالم، زمینه‌های حفظ منابع و سلامت محیط را نیز فراهم آورد.

این موضوع بدون شک از سوی جمهوری اسلامی نه تنها نادیده گرفته شده بلکه اقدامات حکومت حتی در مسیر معکوس بوده است. سیاست‌های نادرست در تنظیم الگوی کشت، و مدیریت ناکارآمد و زیان‌بخش منابع آبی کشور که با پروژه‌های سدسازی از دولت اکبر هاشمی رفسنجانی آغاز شد، دست به دست هم داده تا تولید محصولات کشاورزی در ایران به شدت کاهش یابد. بخشی از محصولات تولیدی از جمله صیفی‌جان و مرکبات نیز به دلیل رها کردن «اقتصاد کشاورزی» بی‌مشتی می‌ماند و نابود می‌شود. انتشار صدها ویدئو از دور ریختن و فاسد شدن محصولات کشاورزی در سالهای گذشته، ثبت تصاویر تلخی از نابودی اقتصاد کشاورزی در ایران و به خطر افتادن بیش از پیش امنیت غذایی در کشور است.

مقامات حکومتی اما ادعا می‌کنند هیچ مشکلی در ذخایر استراتژیک کشور وجود ندارد. بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی البته انتشار هر آماری از ذخایر استراتژیک کشور ممنوع است اما مقامات حکومتی می‌گویند که وضعیت این ذخایر مطلوب است.

آخرین گزارش درباره رشد اقتصادی ایران در سال گذشته نشان می‌دهد بخش کشاورزی ایران دارای رشد منفی ۲/۷ درصدی بوده است.

در آنسو اما واردات نهاده‌های دامی چه از نظر حجم و چه از نظر ارزش دلاری با کاهش چشمگیری روبرو شده است. این در حالیست که قیمت جهانی نهاده‌های دامی نیز با افزایش روبرو شده و در داخل نیز افزایش قیمت‌ها طی سال گذشته از ۵۰ تا ۳۰۰ درصد بوده است. کمبود و گرانی نهاده‌های دامی به طور مستقیم تولید گوشت، مرغ، تخم‌مرغ و لبنیات در کشور را متأثر کرده و ضمن افزایش هزینه تولید، بسیاری از تولیدکنندگان را وادار می‌کند حجم تولیدات را کاهش دهند. مرغداران و دامداران زیادی نسبت به کمبود و انفجار قیمت انواع پروتئین گیاهی در نیمه دوم سال هشدار داده‌اند. در صورتیکه اگر دولت ذخائر استراتژیک کافی در بخش نهاده‌های دامی در اختیار داشت، اجازه افزایش

## کیهان لندن منتشر کرد:



**کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»** به قلم **حامد محمدی (اسر خان)**

برای نخستین بار ایجاد کرده حضور نظامی و بانگت های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق **کيهان لندن** [ais@kayhan.london](mailto:ais@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سور هرز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۴۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE  
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

مقصود از «مکتب بازگشت» همانا بازگشت به زبان و سبک و روش شاعران سده‌ی چهارم و پنجم و ششم هجری بود. برای توضیح این مطلب، اشاره‌ای کوتاه و کلی به چهار سبک مشهور شعر فارسی یعنی خراسانی، عراقی، هندی و سرانجام «سبک بازگشت» ضروریست.

می‌دانیم که شعر فارسی در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر یا میانرود (یعنی ترکمنستان و تاجیکستان و ازبکستان فعلی) در دربار طاهریان و سامانیان و نیز در دربار یعقوب لیث صفاری در سیستان آغاز به رشد کرد و ریشه دوانید. یعنی از آغاز نخستین جنبش‌های استقلال‌طلبانه‌ی سلسله‌های ایرانی بر ضد حاکمیت خلفای عرب. این سخن سیستانی بزرگ، یعقوب لیث صفاری مشهور است هنگامی که به شاعران ایرانی عربی‌سرای خود گفت: «به زبانی که من اندر نیامم چرا باید گفت؟» (نقل از «چهار مقاله»ی نظامی عروضی).

نظامی عروضی در «چهار مقاله» می‌گوید: پس از این جمله بود که شاعران به سرودن قصاید فارسی پرداختند. و این سنت با پیدایی شاعران بزرگی همچون شهید بلخی و رودکی سمرقندی تداوم یافت تا به دوران پادشاه ترک‌زاده و ترک‌نژاد غزنوی یعنی سلطان محمود رسید و دربار او را

## درباره شعر مشروطیت ایران (۱)



محمد جلالی چیمه (م. سحر)

یک رسانه‌ی بسیار مهم فرهنگی و هنری تأکید ورزیدند. خود میرزا فتحعلی آخوندزاده با نوشتن نمایشنامه‌ها و میرزا آقاخان کرمانی با سرودن شعرهای اجتماعی و سیاسی نمونه‌هایی از «ژانر»‌های ادبی مثل نمایشنامه و انواع شعر که از نظر مضمون در ایران سابقه‌ای نداشت، نمونه‌هایی

پیش از آنکه افکار تجددخواهانه و آزادی‌طلب علیه استبداد قاجاری و جامعه‌ی قرون وسطایی ایران در شعر فارسی تبلور یابد، زمینه‌های فکری اندیشه‌های جدید که متأثر از انقلاب صنعتی و تحولات جامعه‌ی اروپا و به‌خصوص کوشش‌های فکری عصر روشنگری و انقلاب کبیر فرانسه بود، ابتدا به وسیله‌ی نویسندگان و متفکران و روشنفکرانی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم خان، جلال‌الدین میرزا قاجار، میرزا یوسف مستشارالدوله، میرزا جعفر قراچه داغی، طالبوف تبریزی، زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا آقا تبریزی و دیگران، که افکار خود را در رسالات و مقالات متعدد و به شکل‌های گوناگون عرضه می‌کردند، به وجود آمد.

امسال ۱۱۶ سال از ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ که پیروزی انقلاب مشروطه با امضای فرمان توسط مظفرالدین شاه قاجار به تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه پیروزی حقوقی خود را به ثبت رساند، می‌گذرد. شاعر گرامی محمد جلالی چیمه (م. سحر) کتاب خود با عنوان «درباره شعر مشروطیت ایران» را برای انتشار در اختیار کیهان لندن قرار داده است تا همزمان با سالگردی دیگر از انقلابی مترقی و آزادیخواهانه که راه زندگی ایرانیان را به سوی جهان مدرن و «ایران نوین» در دوران پهلوی‌ها گشود، منتشر شود. کیهان لندن این مجموعه را در بخش‌های مختلف در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

\*\*\*\*

### بخش اول

آنها که با تاریخ عصر مشروطه آشنایی دارند می‌دانند که نقش شاعران و اصولاً نقش شعر در این دوران پر تلاطم و سرنوشت‌ساز به عنوان یک رسانه مهم و تأثیرگذار فرهنگی و فکری و آگاهی‌بخش، چقدر اهمیت داشته است.

نام بزرگانی چون دهخدا، ایرج میرزا، لاهوتی، عارف، عشقی، فرخی و نسیم شمال و ملک الشعرا بهار نشانگر اهمیت و نقش شعر در این نهضت بزرگ فکری و سیاسی و اجتماعی ایرانیان است.

ازین رو طی گفتارهای آتی خواهم کوشید تا جنبه‌های گوناگون ادب و شعر مشروطیت را با شما هموطنان عزیز در میان بگذارم و امیدوارم این سخن به‌خصوص برای شاعران جوان و علاقمندان به شعر فارسی مفید واقع شود. پیش از آغاز بگویم که این سخنان بر مبنای مطالبی تدوین شده که حدود ۱۵ سال پیش نوشته و انتشار داده بودم.

پیش از آنکه افکار تجددخواهانه و آزادی‌طلب علیه استبداد قاجاری و جامعه‌ی قرون وسطایی ایران در شعر فارسی تبلور یابد، زمینه‌های فکری اندیشه‌های جدید که متأثر از انقلاب صنعتی و تحولات جامعه‌ی اروپا و به‌خصوص کوشش‌های فکری عصر روشنگری و انقلاب کبیر فرانسه بود، ابتدا به وسیله‌ی نویسندگان و متفکران و روشنفکرانی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم خان، جلال‌الدین میرزا قاجار، میرزا یوسف مستشارالدوله، میرزا جعفر قراچه داغی، طالبوف تبریزی، زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا آقا تبریزی و دیگران، که افکار خود را در رسالات و مقالات متعدد و به شکل‌های گوناگون عرضه می‌کردند، به وجود آمد.

در این میان کسانی همچون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و زین‌العابدین مراغه‌ای (در «سیاحتنامه ابراهیم بیگ») خود به نقد ادبیات گذشته پرداختند و برای نخستین بار بر ضرورت رئالیسم و واقع‌گرایی اجتماعی در ادبیات و دید و نگاه انتقادی از اوضاع نابسامان جامعه و بطور خلاصه به نقش روشنگر و آگاهی‌دهنده‌ی شعر به عنوان



به محل تجمع بزرگترین قاصده‌سرایان کل تاریخ ایران تبدیل کرد و همین سنت بود که به این «شاه غازی» ترک‌نژاد که به قول بیهقی «از بهر عباسیان را انگشت به در کرده بود و قرمطی می‌جُست» و می‌کشت، خود را شمشیرزن و «دین‌گستر» خلفای عرب عباسی می‌نامید و لقب یمین‌الدوله از خلیفه بغداد می‌گرفت، افتخار هم‌عصری با بزرگمرد طوس، یعنی حکیم ابوالقاسم فردوسی را عنایت کرد. تا آنجا که استاد طوس، شاهنامه - یعنی این سند هویت ایرانی و این نجات‌بخش فرهنگ ایران و زبان فارسی را برای اینکه از گزند زمانه غدار در امان بماند از سر ناگزیری و بنا به تمهید برخی یاران خود به او تقدیم داشت. اگرچه «شاه غازی» شایسته‌ی چنین موهبتی نبود.

بهر حال، مجموعه‌ی ویژگی‌های زبانی یعنی وجود واژگان کهن و شرقی زبان فارسی (ذری) و نیز ساختمان نحوی زبان و وجود نکات گرامری کهنی که در شعر شاعران قرن سوم هجری یعنی در شعر شاعران برخاسته از

به دست دادند.

این نویسندگان و روشنفکران که درواقع پیام‌آوران و بشارت‌دهندگان دنیای جدید و منادیان افول استبداد و خودرایی دنیای کهن بودند، با طرح چشم‌اندازهای جدید اندیشگی و بر بنیاد آرمانشهر متکی بر قانون و آزادی و حاکمیت ملی، درواقع آبخشور فکری و فرهنگی و زیباشناسی و سرچشمه‌ی ایده‌آل‌های شعر مشروطه را در ایران فراهم کردند.

بر این زمینه بود که شعر مشروطه و کمابیش شاعران این دوره بر سه عنصر قانون و آزادی و حاکمیت ملی تأکید می‌ورزیدند و ستایشگر آن بودند.

### زبان شعر مشروطیت

زبان شعر دوران مشروطیت تکیه بر بیان و طرز و شیوه‌ی مکتبی دارد که در اواخر دوران زندیه و اوایل دوران قاجار در برابر مکتب یا «سبک هندی» در شعر فارسی پدیدار شد و به «مکتب بازگشت» مشهور است.





→ خراسان بزرگ و سیستان منعکس است، سبکی را در شعر فارسی ایجاد کرد که به سبک خراسانی مشهور شده است.

این مکتب شعری همراه با جایجایی‌های سیاسی و فرهنگی و با برآمدن و تسلط سلسله‌های گوناگون ترک و انتقال قدرت به نواحی مرکزی و شمالی، و رواج زبان فارسی در این مناطق، سرمنشأ سبک جدیدی شد به نام «سبک عراقی». اساس سبک عراقی همان سبک خراسانی است با این تفاوت که در آن واژه‌های عربی فراوان‌تر شده و نیز به دلیل جایجایی مراکز قدرت و گسترش علوم در حوزه‌های آموزش علمی و فرهنگی شهرهای مختلف ایران، واژه‌های علمی و جگمی و فلسفی و دینی و نجومی و پزشکی در آثار شاعران وارد شده و رنگ و زنگ یا جلوه‌ی خود را به شعر شاعران سبک عراقی بخشیده است.

برای معرفی نمونه‌های برجسته‌ی شاعران این سبک می‌باید از انوری و سعدی و حافظ و مولوی نام برد و نیز نام خاقانی شروانی و قطران تبریزی و نظامی گنجوی را بر آن افزود.

البته خاقانی و نظامی را شاعران سبک ترکستانی هم نامیده‌اند که بیانگر شعبه‌ای است از سبک عراقی که ریشه و پیوند عمیق خود را، خاصه در شعر خاقانی، با سبک خراسانی حفظ کرده است.

اما از دوران صفویه به بعد یعنی از اوایل قرن دهم تا اواسط قرن دوازدهم سبک تازه‌ای در شعر فارسی پیدا شد به نام سبک هندی.

سبک هندی نتیجه‌ی اتفاقات و دگرگونی‌های سیاسی و ایدئولوژیک مذهبی بود که در روزگار صفویان در ایران به وقوع پیوست و پرداختن به آن در اینجا میسر نیست. تنها می‌شود به شعرگرایی دربار نورسیدگان متکی به شمشیر قزلباش اشاره کرد که بیش و پیش از هرچیز، دغدغه‌ی رواج و گسترش خوین مذهب تشیع را داشتند و جز به جاعلان حدیث و متشرعان شیعی و مرثیه‌خوانان و روضه‌سرایان اعتنایی نمی‌کردند. همین سیاست دینی- فرهنگی و ایدئولوژیک که با خشونت و بربریت تا آن بر مردم سراسر ایران اعمال می‌شد بسیاری از اهل فرهنگ و هنر و شعر را از ایران به سوی هند گریزاندا! در میان اهل فرهنگ و شعر و هنر و ذوق که از زور و استبداد صفویه گریختند و بیم و وحشت شمشیر قزلباش‌های شیعه‌گستر صفوی (که بی شبهات به داعش امروز نبوده‌اند) آنها را از ایران به هند فراری داده بود شاعرانی پیدا شدند که بعدها شیوه و زبان شاعری آنان به سبک یا مکتب هندی نام‌بردار شد.

باری اکثر شاعران فارسی‌زبان هند و آسیای مرکزی و آسیای صغیر (ارمنستان و ترکیه کنونی) پیرو این مکتب بودند. ویژگی بسیار مهم این مکتب، سادگی زبان و نزدیکی زبان شعر به زبان عامه‌ی مردم بود و علت آنهم دور شدن شعر بود از حوزه‌های ادبی و محافل اشرافی و درباری.

این مکتب با شاعرانی مثل اهلی شیرازی متوفی در سال ۹۴۲ هجری (۱۵۳۵ میلادی) و وحشی باققی متوفی در ۹۹۱ هجری (۱۵۸۳ میلادی) شروع شد.

این شیوه‌ی شعری اگرچه نخست، هدفش گریز از تقلید و تکرار مضامین کهن و در جستجوی مضامین و دروهم‌های تازه بود، بعدها به علت مضمون‌بافی‌ها و تأکید بر پیچیدگی‌های لفظی و کنایی و تصویری و به کار بردن تشبیهات پرابهام و بی‌مورد و تعقیدات ناجبا و نیز مبالغه در مضمون‌یابی‌های دور از ذهن، تقریباً به سقوط شعر فارسی انجامید و اگر ابیات بسیار زیبا و پراکنده از برخی شاعران به ویژه صائب تبریزی و بیدل دهلوی می‌بود، چیز زیادی از شعر فارسی در این دوره‌ی چند قرنی باقی نمی‌ماند.

بهار در منظومه‌ای که ضمن آن به نقد ادبی و معرفی سبک‌های شعر فارسی و شاعران دوران خویش می‌پردازد، درباره‌ی سبک هندی می‌گوید:

**سبک هندی گرچه سبکی تازه بود  
لیک او را ضعف بی‌اندازه بود  
سست و بی‌شیرازه بود  
فکرها سست و تخیل‌ها عجیب  
شعر پرمضمون ولی نادلفریب  
وز فصاحت بی‌نصیب  
شعر هندی سر به ملیون می‌کشید  
هر سخنور بار مضمون می‌کشید  
رنج افزون می‌کشید  
...  
زان سبب شد سبک هندی مبتذل...**

بر این مبنا بود که شاعران دوران زندیه و اوایل دوران قاجاریه به فکر بازگشت ادبی و رجوع به سرچشمه‌ی زلال شعر و زبان روشن و رسای فارسی افتادند و بازگشت به سبک‌های خراسانی و نیز سبک عراقی را که یادآور دوره‌های طلایی شعر فارسی بود، سرلوحه کوشش‌ها و زبان‌ورزی‌های شاعرانه و زیباشناسانه‌ی ادبی خود قرار دادند. پس شعر دوره‌ی بازگشت، همانا بازگشت به شعر دوران گذشته و رجوع به دو سبک پیشین خراسانی و عراقی بود.

من این موضوع را در ابیات زیر بیان کرده‌ام:

**شعر دری چون ملول گشت و تن آسان  
آمد، از هند زی عراق و خراسان  
روی سرایش ز سبک هندی برتافت  
روح خراسانی و عراقی دریافت  
ذوق و هنر را به روشنی و رسایی  
کرد بدین «بازگشت» راهگشایی  
ذهن و زبان را ز نهر گمشده‌ای خرد  
جانب رود بزرگ شعر دری برد  
گرچه به مضمون و نکته از پی تقلید  
رخ نمود آستان شعر اساتید،  
لیک زبان زنده گشت و ناطقه آزاد  
شاعر آینده را مجال سخن داد**

این نهضت ادبی حاصل روزگاران آرام سلطنت کریمخان زند است چرا که در این دوران مراکز علمی و ادبی در نواحی مرکزی و جنوبی ایران رشد کرد، به‌خصوص در شیراز و اصفهان و کاشان.

نشاط اصفهانی انجمنی به نام انجمن نشاط دایر کرد. قصد پایه‌گذاران و پیروان این جنبش احیای شعر فارسی و نجات آن از انحطاط و ابتذال سبک هندی بود.

در این مکتب، ابهام و پیچیدگی رو به صراحت و سادگی آورد و استحکام و سلاست و فصاحت شعر سبک خراسانی و عراقی سرمشق کار شاعران قرار گرفت.

می‌توان گفت که از نظر صراحت در بیان و فصاحت کلام، رودخانه‌ی شعر فارسی، از مسیری که با ورود به سبک هندی آغاز کرده بود به جریان اصلی خود یعنی به بستر شعر سبک خراسانی و عراقی بازگشت.

شعر از پیچیدگی و تعقید رها شد و آماده‌ی بیان مضامین جدید گشت.

و چنین بود که شاعران دوران مشروطیت از حاصل تجربیات شاعران دوره‌ی بازگشت و نیز از زمینه‌ی مناسبی که به کوشش شاعران این دوران در حوزه‌ی زبان و شیوه‌ی بیان شعر فراهم شده بود، به نحو کامل و شاملی برخوردار گشتند. مضمون شاعران سبک بازگشت، همان مضامین قدیمی و تکراری بود و آثار این شاعران در بهترین و موفق‌ترین

سروده‌ها هم با شعر دوران غزنوی یعنی با مدل‌های اصیل خود برابری نمی‌کردند. شاعران حرفه‌ای و زبان‌آور این عصر همه از موقعیت رسمی دولتی و درباری برخوردار بودند. از این رو به مضامین اجتماعی و سیاسی نمی‌پرداختند. از تحولات اجتماعی و انقلابات دوران خود هیچ اطلاعی نداشتند و شعرشان گویای محیط و روزگارشان نبود.

اما در میان اینان دو استثنا هست که این دو استثنا را می‌توان به نوعی طلایه‌دار یا منادی ظهور شاعران مشروطیت به حساب آورد. این دوتن عبارت بودند از فتح‌الله خان شبیانی و میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی.

این دوتن ضمن پیوستن به مکتب بازگشت و سرودن به همان زبان سبک خراسانی با آهستگی و متانت برخی مضامین اجتماعی و شکوه از اوضاع زمانه را هم وارد شعر خود کردند و به سهم خود زمینه‌ساز بیان شعر اجتماعی و انتقادی و شعر سیاسی ایران شدند و کوشش آنها در دوران مشروطه به ثمر نشست و با پیدا شدن شاعران بزرگی همچون دهخدا و بهار و لاهوتی و ایرج و فرخی و عشقی و عارف، نهضت مشروطیت ایران از شاعران بزرگ خود برخوردار شد و آزادخواهی ایرانیان زبان گویای خود را در وجود این شاعران بازیافت. با دو نمونه کوتاه از شعر فتح‌الله خان شبیانی و قائم مقام فراهانی باقی سخن در این زمینه را به بخش بعد موکول می‌کنم.

**شهر پریشان و شهریار پریشان  
یار پریشان و زلف یار پریشان  
روز پریشان‌تر از شب است شب از روز  
گویی گشته است روزگار پریشان  
خاطر مجموع کافیان در شاه  
هست تو گویی چو زلف یار پریشان  
کار زمانه چو گشت درهم و برهم  
مردم کارند، گاه کار پریشان**

البته قائم مقام فراهانی شعرهای فراوانی در شکوه از زمانه و گلایه از بدعهدی و پیمان‌شکنی‌ها دارد برخی از شکوایه‌های او که یادآور زبان شعر و شکوه‌های سعد سلمان است به وسیله بهار استقبال شده مثلاً در این قصیده:

**ای بخت بد ای مصاحب جانم  
ای وصل تو گشته اصل حرمانم  
ای بی تو نگشته شام یک روزم  
وی با تو نرفته شاد یک آنم  
که بهار این قصیده بلند را با قصیده شکوایه و آزادخواهانه معروف خود جواب گفته است:**

**تا بر ز بر ری است جولانم  
آزرده و مستمند و نالانم  
تا آنجا می‌رسد به دو بیت معروف:  
آزادی ای خجسته آزادی  
از وصل تو روی بر نگردانم  
تا آنکه مرا به نزد خود خوانی  
یا آنکه ترا به نزد خود خوانم**

این هم چهار بیت معروف دیگر از ابوالقاسم قائم مقام فراهانی:

**روزگارست آنکه گه عزت دهد گه خوار دارد  
چرخ بازیگر ازین بازیچه‌ها بسیار دارد  
مهر اگر آرد بسی بیجا و بی‌هنگام آرد  
قهر اگر دارد بسی ناساز و ناهنجار دارد  
گه به خود چون زرق کیشان تهمت اسلام بندد  
گه چو رهبان و کشیشان جانب کفار دارد  
لشکری را گه به کام گرگ مردم‌مخوار خواهد  
کشوری را گه به دست مرد مردم‌دار دارد**

## تکرار شکست با بازگشت به «یا روسری یا توسری»؟!

● همزمان با ناامن کردن خیابانها و ادارات برای زنان، ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ»، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی را موظف به اجرای طرح «حجاب و عفاف» مصوب سال ۱۳۸۴ کرده است.

● این دستور قطعاً تشدید دوران ناامنی و نگرانی از حضور در اماکن عمومی را به همراه دارد که از ابتدای انقلاب اسلامی همواره وجود داشته است. ناامنی سازمانیافته و حکومتی که طرح آن در دولت محمد خاتمی پایه‌ریزی شد و در دولت محمود احمدی‌نژاد بطور جدی و گسترده به اجرا در آمد. جمهوری اسلامی می‌خواهد با این فشارها وضعیت پوشش و حجاب اجباری را به دهه شصت برگرداند که نیروهای کمیته‌چی و حزب‌اللهی‌ها و فالانژها نعره‌ی «یا روسری یا توسری» سر می‌دادند و با انواع خشونت مزاحم زنان در خیابان‌ها می‌شدند و مردان را نیز به خاطر پوشیدن تی‌شرت و پیراهن آستین کوتاه بازداشت می‌کردند.

● این روزها علاوه بر نهادهای سرکوبگر چون ستادهای امر به معروف و نهی از منکر، هر مقامی درباره عفاف و حجاب اظهار نظر کرده و سعی دارد در تهییج خشم و انزجار مردم علیه خودشان و نظام‌شان گوی سبقت را از دیگری برآید. به نظر می‌رسد، یک هرج و مرج کامل شکل گرفته و هر کسی از هر قبیله و گروه مافیایی حکومت اعم از مسئول و غیرمسئول می‌خواهد درباره حجاب اجباری، خودی نشان دهد!

● اینهمه در حالیست که اقدامات حکومت برای تحمیل حجاب اجباری به روشنی بیانگر چهل سال شکست است و فقط آتش خشم و انزجار جامعه را نسبت به جمهوری اسلامی بیشتر می‌کند تا سرانجام دامان عبا‌ی حکومت ملایان و پاسدارانش را بگیرد.

آتش‌به‌اختیاری مقامات حکومتی و مذهبی در برخورد خشن، هجوم و ممنوع کردن فعالیت اجتماعی زنانی که به پوشش اجباری تن نمی‌دهند با حکم «قاضی مرگ» بار دیگر در بستر قانون به اجرا در آمده است.

همزمان با ناامن کردن خیابانها و ادارها برای زنان، ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی را موظف به اجرای طرح «حجاب و عفاف» مصوب سال ۱۳۸۴ کرده که «در اقدامی سازمانیافته و برنامه‌ریزی شده» که جمهوری اسلامی معتقد است توسط استکبار و دشمن روی آن سرمایه‌گذاری شده است!

اواسط خردادماه امسال سخنگوی ستاد امر به معروف از ابلاغ دستور اجرای قانون «حجاب و عفاف» مصوب سال ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی خبر داد که در مرحله نخست از دستگاه‌های دولتی و ادارها شروع می‌شود. ستاد «امر به معروف» برای اجرای این طرح یک قرارگاه با عنوان «ستاد ۲۱ تیرماه» را نیز راه‌انداخته که با برگزاری «جلسات توجیهی» با «مسئولان سراسر کشور و حتی استانداران»، آنان را از اجرای این طرح باخبر کرده‌اند و دستور اجرای آن را داده‌اند. روز ۲۱ تیرماه از سوی جمهوری



اسلامی به عنوان «روز عفاف و حجاب» نامگذاری شده است!  
حالا بار دیگر در راستای اجرای قانون «حجاب و عفاف» خیابانها و ادارها با هجوم گشت‌های ارشاد اسلامی بیش از پیش برای زنان ناامن شده‌اند.  
سخنان تهدیدآمیز و اعمال فشار بر نوع پوشش مردم ایران به‌خصوص زنان، از منبر امامان جمعه، بسیج و ستاد امر به معروف و نهی از منکر فراتر رفته و پس از مداخله وزرا حالا شخص ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» شمشیر از رو بسته و وارد میدان مبارزه با مخالفان حجاب اجباری شده است.  
ابراهیم رئیسی با توجه به دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره موضوع حجاب و عفاف، دبیرخانه این شورا را موظف کرد با همکاری همه دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و اجرایی، قانون مصوب مجلس سلامی و قانون سال ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد حجاب را با شدت بیشتری به اجرا بگذارد.

رئیس قوه مجریه ترویج فساد در جامعه اسلامی و انقلابی را اقدامی سازمانیافته و برنامه‌ریزی شده دانسته که با هدف تضعیف و تخریب پایگاه معنوی و ارزش‌های دینی و با «سرمایه‌گذاری کلان استکبار و دشمنان ملت ایران صورت می‌گیرد!»

رئیس معتقد است که دشمنان ایران و اسلام با استفاده از شبکه‌های گسترده و متعدد ماهواره‌ای و مجازی با ترویج فساد، استقامت فرهنگی و مبانی ارزشی و دینی جامعه را هدف گرفته‌اند.

این دستور قطعاً تشدید دوران ناامنی و نگرانی از حضور در اماکن عمومی را به همراه دارد که از ابتدای انقلاب اسلامی همواره وجود داشته است. ناامنی سازمانیافته و حکومتی که طرح آن در دولت محمد خاتمی پایه‌ریزی شد و در دولت محمود احمدی‌نژاد بطور جدی و گسترده به اجرا در آمد. جمهوری اسلامی می‌خواهد با این فشارها وضعیت پوشش و حجاب اجباری را به دهه شصت برگرداند که نیروهای کمیته‌چی و حزب‌اللهی‌ها و فالانژها نعره‌ی «یا روسری یا توسری» سر می‌دادند و با انواع خشونت مزاحم زنان در خیابانها می‌شدند و مردان را نیز به خاطر پوشیدن تی‌شرت و پیراهن آستین کوتاه بازداشت می‌کردند.

این روزها علاوه بر نهادهای سرکوبگر چون ستادهای امر به معروف و نهی از منکر، هر مقامی درباره عفاف و حجاب اظهار نظر کرده و سعی دارد در تهییج خشم و انزجار مردم علیه خودشان و نظام‌شان گوی سبقت را از دیگری برآید. به نظر می‌رسد، یک هرج و مرج کامل شکل گرفته و هر کسی از هر قبیله و گروه مافیایی حکومت اعم از مسئول و غیرمسئول می‌خواهد درباره حجاب اجباری، خودی نشان دهد!

اینهمه در حالیست که اقدامات حکومت برای تحمیل حجاب اجباری به روشنی بیانگر چهل سال شکست است و فقط آتش خشم و انزجار جامعه را نسبت به جمهوری اسلامی بیشتر می‌کند تا سرانجام دامان عبا‌ی حکومت ملایان و پاسدارانش را بگیرد.



## بریتانیا با هفت ماه تأخیر اعلام کرد یک محموله قاچاق موشک جمهوری اسلامی به یمن را توقیف کرده بود!



ناو «HMS Montrose» از اوایل سال ۲۰۱۹ برای حفاظت از کشتی‌های بریتانیا در منطقه مستقر شد

در امنیت تردد کنند.»

در همین ارتباط «آسوشیتدپرس» می‌نویسد، بیانیه دولت بریتانیا از این جهت قابل توجه است که شواهدی محکم و کم سابقه را در زمینه اثبات حمایت تسلیحاتی جمهوری اسلامی از حوثی‌ها علیه ائتلاف نظامی به رهبری عربستان سعودی به دست می‌دهد.

علت تأخیر هفت ماهه در اعلام این گزارش مشخص نیست که البته می‌توان آن را در ارتباط با مذاکرات وین برای «احیای برجام» دانست به ویژه آنکه آسوشیتدپرس در همین گزارش تأکید کرده «اعلام این خبر از سوی بریتانیا از تشدید تنش با تهران حکایت دارد، زیرا تا پیش از این مقام‌های غربی از اظهار نظرهای رسمی که بطور مشخص به نقش جمهوری اسلامی در مسلح کردن حوثی‌های یمن اشاره داشته باشد طفره می‌رفتند.»

محموله توقیف شده برای بررسی‌های فنی و کارشناسی به بریتانیا منتقل شده است. این محموله شامل موتور موشک کروزر ۳۵۱ ساخت ایران بود که بُرد آن هزار کیلومتر است. این موشک‌ها دائم توسط حوثی‌ها برای حمله به اهدافی در خاک پادشاهی عربستان سعودی استفاده می‌شود. همچنین از همین نوع موشک برای حمله به ابوظبی در ژانویه ۲۰۲۲ استفاده شده بود.

کلر تامپسون افسر فرمانده ناو بریتانیایی «HMS Montrose» می‌گوید، «توقیف این محموله بیانگر حرفه‌ای بودن و تعهد نیروی دریایی سلطنتی برای ارتقای ثبات در این منطقه است. من به خدمه‌ام بسیار افتخار می‌کنم. ملوانان نیروی دریایی سلطنتی، خدمه هواپیما و تفنگداران دریایی سلطنتی در این تلاش‌ها نقش مؤثری داشتند و هدف آنان حفظ نظم مبتنی بر قوانین بین‌المللی در دریاهاست.»

جمهوری اسلامی بطور رسمی ارسال سلاح به یمن را رد می‌کند اما مقامات ارشد نظام بارها به صراحت اعلام کرده‌اند از هر نوع حمایتی از حوثی‌ها دریغ نخواهند کرد.

● ناو «HMS Montrose» متعلق به نیروی دریایی بریتانیا در حالی لنج حامل موشک‌های زمین به هوا و موتورهای موشک کروزر را توقیف کرد که قایق‌های تندرو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن را اسکورت می‌کردند.

● علت تأخیر هفت ماهه در اعلام این گزارش مشخص نیست که البته می‌توان آن را در ارتباط با مذاکرات وین برای «احیای برجام» دانست به ویژه آنکه آسوشیتدپرس در همین گزارش تأکید کرده «اعلام این خبر از سوی بریتانیا از تشدید تنش با تهران حکایت دارد، زیرا تا پیش از این مقام‌های غربی از اظهار نظرهای رسمی که بطور مشخص به نقش جمهوری اسلامی در مسلح کردن حوثی‌های یمن اشاره داشته باشد طفره می‌رفتند.»

نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا ۷ ژوئیه (۱۶ تیرماه) اعلام کرد اوایل سال ۲۰۲۲ میلادی (هفت ماه پیش) یک محموله «موشک‌های پیشرفته ایرانی» را در دریای عمان توقیف کرده است.

در این گزارش آمده کشتی «HMS Montrose» متعلق به نیروی دریایی بریتانیا در حالی لنج حامل موشک‌های زمین به هوا و موتورهای موشک کروزر را توقیف کرد که قایق‌های تندرو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن را اسکورت می‌کردند.

بر اساس قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد تجارت تسلیحات نظامی توسط جمهوری اسلامی ممنوع است.

این اولین بار است که یک کشتی جنگی نیروی دریایی بریتانیا حامل چنین تسلیحات پیشرفته‌ای را که متعلق به رژیم ایران است توقیف کرده است.

جیمز هیپی رئیس ستاد نیروهای مسلح بریتانیا گفته انگلستان به «همکاری برای پشتیبانی از صلح پایدار در یمن ادامه خواهد داد و به امنیت دریایی بین‌المللی متعهد است تا کشتی‌های تجاری بتوانند بدون تهدید اختلال و

ضوابط جدید قرار گرفته است. «قرارگاه ۲۱

تیر» عفاف و حجاب در مشهد ابلاغ کرده که آقایان نباید از کراوات، پاپیون و سایر نمادهای غربی، تی‌شرت، پیراهن تنگ و کوتاه، لباس‌های بدن‌نما و وصله‌دار، طلا و زیورآلات، شلوارهای زیپ‌دار و... استفاده کنند!

مهدی رضایی دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر خراسان رضوی، با اشاره به حضور گشت‌های نامحسوس، اعلام کرده که همه مکان‌ها از جمله درمانگاه‌ها، داروخانه‌ها، ادارات، سازمان‌ها، بانک‌ها، دفاتر پیشخوان دولت و... مورد بازدید قرار می‌گیرند و مشکلی در تامین نیروی انسانی بازرسان و ارزیابان وجود ندارد.

در روزهای گذشته انتشار نامه معاون دادستان مشهد به فرماندار مشهد درباره ممنوعیت خدمات مترو به افراد فاقد حجاب شرعی نیز واکنش‌های زیادی به دنبال داشته است. این غائله نه تنها بی‌سر و صدا ختم نشد بلکه محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور در واکنش به این اقدام گفته که نامه معاون دادستان مشهد در چارچوب قانون است، اما باید در این زمینه تدبیر لازم اندیشیده می‌شد!

علم‌الهدی پدرزن «قاضی مرگ» و امام جمعه قرون وسطایی مشهد نیز آب پاکی را روی دست همه ریخته و بار دیگر با ارائه طرح دشمن فرضی، بیان کرده است: «سودجویان و سرمایه‌داران بسیاری چشم طمع دوخته‌اند تا با ایجاد مراکز تفریحی متعدد، از ساعت‌های حضور هر زائر در مشهد برای خود درآمدی ایجاد کنند و به تدریج، مشهد بجای آنکه شهر امام رضا باشد، به عنوان یک مرکز تفریحی شناخته شود و هویت رضوی در این شهر به فراموشی سپرده شود.» به گفته وی، «دشمن اراده دارد تا بی‌بندوباری‌ها و لابلایگری‌ها را در سطح وسیع در مشهد ترویج دهد و فضای معنوی حاکم بر آن را محو کند. ذات دشمن این است که ما را از فعالیت انقلابی‌مان منصرف کند و لذا اگر اراده کردیم که شعائر دین را ترویج کنیم، دیگر نباید از جوسازی رسانه‌ها و عملیات تخریب شخصیتی که توسط عناصر وابسته به دشمن انجام می‌شود، واهمه‌ای داشته باشیم.»

اکنون در واکنش به این اعمال قدرت در ارتباط با قوانین عجیب و جدید پوشش اجباری، علی مطهری فرزند مرتضی مطرخی تئوریسین حجاب اجباری می‌گوید که در جمهوری اسلامی حجاب چیزی مابین اجبار و اختیار است و اجبار به معنی واقعی کلمه وجود ندارد.

وی همچنین اشاره کرده که بسیاری از خانم‌ها درست رعایت نمی‌کنند و کسی هم مزاحم آنها نمی‌شود.

روزنامه «اعتقاد» هم در واکنش به جوّ خفقان‌آوری که این روزها در سراسر ایران شکل گرفته نوشته است: «زمانی که اخبار برخورد‌های خشن در خصوص حجاب به آیت‌الله طالقانی رسید، ایشان با صراحت اعلام کردند، حجاب اجباری در کار نخواهد بود. اما به‌رغم این واقعیت‌ها در سال‌های پس از انقلاب برخی افراد و جریان‌های افراطی تلاش کردند از طریق روش‌های خشنونت‌آمیز مردم را به استفاده از حجاب مجبور سازند. بر این اساس بود که جماعتی از راهبر «یا روسری یا توسی» استفاده می‌کردند تا به زعم خود، فرهنگ عفاف را در جامعه گسترش دهند. رویکردی که باعث شد فاصله نسل‌های جوان با واقعیت حجاب بیشتر و بیشتر شود تا جایی که امروز حتی بسیاری از افراد دارای حجاب نیز به صف مخالفان حجاب اجباری پیوسته‌اند.»

اینهمه در حالیست که اقدامات حکومت برای تحمیل حجاب اجباری به روشنی بیانگر چهل سال شکست است و فقط آتش خشم و انزجار جامعه را نسبت به جمهوری اسلامی بیشتر می‌کند تا سرانجام دامن عباي حکومت ملایان و پاسدارانش را بگیرد.



شینزو آبه نخست وزیر پیشین ژاپن روز ۸ ژوئیه ۲۰۲۲ هنگام شرکت در یک کمپین انتخاباتی در غرب این کشور با شلیک گلوله کشته شد. انتخابات پارلمان ژاپن قرار است یکشنبه ۱۰ ژوئیه برگزار شود.